

کتاب الایقان

در

اوامر و نواهی قرآن

از تألیفات

حجة الاسلام والمسلمین آية الله الملك المبین

عماد الملة والدين ومحیی سنة سید المرسلین

مرحوم آقای آقا سید حسین عرب باغی

طاب ثراه

کتاب الایقان

در اوامر و نواهی قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى خلق الانسان علمه البيان وانزل الفرقان وتفضل علينا بتأليف كتاب الایقان والصلوة والسلام على سيد الانس والجان محمد الذى جاء بالقرآن وفيه لكل شئ تبيان وعلى وصيه وآله تراجمه الوحى والقرآن و معدن العلوم فى كل زمان .

و بعد چنین میگوید احقر فانی حسین بن نصر الله بن صادق الموسوی الارومى چونکه در این زمان پیغمبری جمیع نوع انسان منحصر گردیده بحضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم مکی ومدنی صلی الله علیه وآله بصریح آیات قرآن ، چنانکه خداوند تعالی در سورة اعراف آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ فرموده :

قل يا ايها الناس انى رسول الله اليكم جميعاً الذى له ملك السموات و الارض لاله الا هو يحيى ويميت فامنوا بالله و رسوله النبى الامى الذى يؤمن بالله و كلماته واتبعوه لعلكم تهتدون .

یعنی بگوای محمد که ای مردمان بدرستی که من رسول خداوندم بجمیع شماها ، همچنان خداوند است که مالک آسمانها و زمین است ، و بغیر از او خدائی نیست زنده میکند و میمیراند مخلوقات را ، پس ایمان بیاورید بآن خدای تعالی و برسول او که پیغمبر امی و درس نخوانده است ، که تصدیق میکند بخداوند و برکلمات و فرمایشات او ، و همه شما تابع شوید بر او شاید که شما هدایت یابید .

وایضاً در سورة سباء آیه ۲۷ میفرماید و ما ارسلناك الا كافة للناس بشیراً و نذیراً و لكن اكثر الناس لا يعلمون یعنی ما نفرستادیم ترا مگر از برای جمیع مردمان که

بشارت بدهی بر ایشان بر اعمال صالحه ، و بترسانی ایشان را از افعال قبیحه و لکن اکثر خلق نمیدانند که تو خیر و شر ایشان را میدانی و بر آنها خیر خواهی میکنی : و ایضاً در سوره احزاب آیه ۴۰ فرموده ما کان محمداً با احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شئی علیماً .

یعنی نیست آنحضرت پدريکنفر از مردان شما و لکن آن بزرگوار پیغمبر خداوند است و ختم کرده خداوند پیغمبران را با او و بعد از او پیغمبر نخواهد شد و خداوند بر همه اشياء عالم است که پیغمبران را در او ختم کرد ، و صلاح عموم مردمان را دانسته و در ختم نبوت با او مصلحت عامه را ملاحظه فرموده .

(دین حقیقی دین اسلام است و بس)

پس از این آیات شریفه واضح گردید پیغمبر بودن آنحضرت بعموم مردمان و ختم شدن رسالت و نبوت در آن زمان ، و بعد از آمدن آنحضرت جمیع ادیان منحصر شد بر دین اسلام ، و تعامی دینها نسخ و زایل گردید و دین ثابت و بر قرار تا روز قیامت انحصار یافت بر دین او که اسلام است.

چنانکه خداوند تعالی در سوره آل عمران فرموده ان الدین عند الله الاسلام و ایضاً در آن سوره آیه ۷۹ میفرماید و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین

و ایضاً در آن سوره فرموده فان اسلموا فقد اهتدوا و در سوره مائده میفرماید و رضیت لکم الاسلام دیناً و در حج فرموده فالحکم اله واحد و له اسلموا و در سوره زمر میفرماید : و انیبوا الی ربکم و اسلموا و در سوره توبه فرموده : و کفر و بعد اسلامهم و در سوره انعام میفرماید یشرح صدره للاسلام و در سوره زمر فرموده افمن شرح الله صدره للاسلام و در سوره مؤمن میفرماید و امرت ان اسلم لرب العالمین و ترجمه این آیات شریفه واضح است و مضمون همه منحصر شدن دین است بر دین اسلام و بودن هدایت مردمان در این دین و قبول نبودن غیر از آن در نزد خداوند تعالی

دين اسلام عبارت است از امر و نهی حضرت پيغمبر (ص)

وبعد از ثبوت اين آيات شريفه پس بايد دانست که دين اسلام عبارت از چیست؟
و در سورة حشر دين اسلام را منحصر فرموده بر اوامر و نواهي حضرت پيغمبر چنانکه
ميفرمايد: **ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله
شديد العقاب .**

يعنی هر چه بشما آورده پيغمبر ما از اوامر پس آنها را اخذ بکنيد و بر امر او
اطاعت نماييد، و از هر چه نهی کرده شما را از آنها پس شمانيز نهی او را قبول بکنيد
و اجتناب نماييد از آنها و در امثال امر و نهی او پرهيز کاری و تقوی شعاری بکنيد
بخداوند تعالی، و بدرستی که عقاب خداوند شديد است بر آنکسانیکه بر امر او اطاعت
نکنند و از نهی او اجتناب ننمايند .

و در تفسير فرات بن ابراهيم الکوفي باسناد خودش از زید شهيد پسر حضرت
سيدالساچدين در حديث نزول سورة اذا جاء نصر الله روايت کرده که حضرت پيغمبر
فرمود بدرستی که خداوند تعالی واجب نموده جهاد را بر مؤمنين در فتنه که بعد از من
واقع ميشود (تا آنکه فرمود) **يجاهدون على الاحداث في الدين اذا عملوا بالراي
في الدين ولا راي في الدين انما الدين من الرب امره ونهيه** يعنی جهاد ميکنند
مؤمنين از جهت بدعتهايي که در دين حادث ميشود زمانیکه مردمان بر رأی خودشان
عمل بکنند در دين خداوند، و حال آنکه در دين رأی نميشود؛ و بدرستی که دين
از طرف خداوند است، و آن دين خداوند عبارت است از امر و نهی او .

پس اين حديث صحيح دليل واضح است مثل آيه سابقه بر اينکه دين اسلام
همان امر و نهی خداوند و پيغمبر اوست لا غير، و در آن دين رأی و قياس نميشود،
و آراء مردمان و اتفاق و اجماع ايشان در آن مداخليت ندارد، زيرا که يکدفعه اجماع
ميکنند بخلافت يکی و دفعه ديگر اجماع مينمايند خليفه را ميکشند، و يکمرتبه
اتفاق ميکنند بر نجاست چاه از جهت افتادن بعض چيزها در آن از موش و غير از آن
و مرتبه ديگر اتفاق مينمايند بر طهارت چاه، و هکذا از اصول و فروع .

پس بنا بآنچه ذکر شد از پیغمبر بودن آنحضرت بجمیع بشر و منحصر شدن ادیان بدین اسلام و بودن آن دین امر و نهی خداوند تعالی و امر و نهی پیغمبر، لازم گردید اوامر قرآن و نواهی آن را در دو فصل ذکر نماید با ترتیب سوره‌های قرآن

فصل اول

در ذکر اوامر قرآن

«آیه اول»

امر به عبودیت و بندگی حضرت پروردگار

قال الله سبحانه در سورة بقره: يا ايها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم والذين من قبلكم لعلكم تتقون (آیه ۱۹)

یعنی ای مردمان عبادت بکنید بر پروردگار و خداوند خودتان که شما را و آن کسانی که قبل از شما بودند خلق کرده، شاید که شما از عبادت کردن تقوی داشته و پرهیز کار باشید، زیرا که عبادت خداوند باعث تقوی میشود.

و چنانکه در این آیه شریفه امر بعبادت کردن مردمان فرموده همچنان در آیات بسیار امر بعبادت کرده چنانکه در سورة رعد فرموده: قل انما امرت ان اعبد الله و در نمل: انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة و در زمر: قل اني امرت ان اعبد الله مخلصاً له الدين: و ايضاً در آن: فاعبد الله مخلصاً له الدين و ايضاً: بل الله فاعبد و كن من الشاكرين. و در حجر: فاعبد ربك و در طه اني انا الله لا اله الا انا فاعبدني. و در مائده: اعبدوا الله ربي و ربكم. و در اعراف و هود در هر یکی سه مرتبه: قال يا قوم اعبدوا الله مالكم من اله غيره. و در اعراف و مؤمنين: فقال يا قوم اعبدوا الله مالكم من اله غيره و در عنكبوت: اعبدوا الله وارجوا اليوم الاخر. و ايضاً: اعبدوا الله و اتقوه. و در مائده: ان اعبدوا الله ربي و ربكم. و در نحل: ان اعبدوا الله و اجنبوا الطاغوت. و در مؤمنين: ان اعبدوا الله مالكم من اله غيره و در نمل ان اعبدوا الله فاذا هم فريقان. و در نوح ان اعبدوا الله

واقوه. و در نساء: واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئاً. و در حج: واعبدوا ربكم
 و در نجم: فاسجدوا لله واعبدوا. و در انبياء: انه لا اله الا انا فاعبدون. و ايضاً
 و انار بكم فاعبدون. و در عنكبوت، فاي اي فاعبدون. و در يس: و ان اعبدوني
 هذا صراط مستقيم. و در آل عمران: ان الله ربي و ربكم فاعبدوه: و در انعام
 خالق كل شئني فاعبدوه و در يونس: ذلكم الله ربكم فاعبدوه و در زخرف: ان الله
 هوربي و ربكم فاعبدوه و در عنكبوت: واعبدوه و اشكروا له. و در هود:
 فاعبدوه و توكل عليه. و در مريم: فاعبدوه و اصطبر.

و در اين سي و هشت مورد خداوند تعالی مردمان را امر کرده بعبادات شرعيه
 بطريق کلی از وضوء، غسل و نماز و زکوة و خمس و روزه و حج و جهاد و امر به معروف
 و نهي از منکر زيرا که همه اينها در شرع انور عبادات است و هر يکی از اينها را
 بيان فرموده با زبان پيغمبرش، پس عبادت در اين آيات شامل همه است بطريق
 کلی و اجمالی.

« آيه دوم »

امر بخوف و پرهيز از آتش دوزخ

بقره آيه ۲۲: فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة

يعنی پرهيز بکنيد از آتش دوزخ که دستگيره آن (فروزينه يا آتشکيره)
 مردمان و سنگ است و در آل عمران فرموده: واتقوا النار التي اعدت للكافرين
 يعنی پرهيز بکنيد از آتش دوزخ که آماده شده از برای کافران.

و در اين دو آيه خداوند تعالی امر بر پرهيز کردن از آتش دوزخ فرموده و
 مراد اينست که هر چه سبب ميشود با آتش رفتن را و باعث داخل شدن بآن ميگردد از
 گناهان کبيره پس از آنها پرهيز بکنيد و نزديک آنها نشويد:

« آيه سيم »

امر بذكر و ياد آوري نعمت خداوند

يابني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم در دو مورد (بقره آيه ۳۸ و ۴۴)

یعنی ای اولاد حضرت یعقوب ذکر بکنید و یاد بیاورید نعمت مرا که بشما دادم .
 پس در این دو آیه امر فرموده بذکر کردن نعمت خودش بر بندگان از صحت
 و امنیت و آسایش و آسودگی از دشمنان و این ذکر کردن نعمت اختصاص بر بنی
 اسرائیل ندارد، و جمیع مردمان باید نعمت خداوند را ذکر بکنند چنانکه در بقره
 و آل عمران و مائده فرموده: و اذکروا نعمت الله علیکم و ایضاً در مائده: و یاقوم
 اذکروا نعمت الله علیکم و ایضاً در مائده و احزاب: یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمت
 الله علیکم . و در ملائکه: یا ایها الناس اذکروا نعمت الله علیکم . و در ابراهیم
 و اذقال موسی لقومه اذکروا نعمت الله علیکم .

و در این هشت مورد قرآن خداوند سبحان امر فرموده بذکر کردن نعمت
 خودش بمردمان پس ذکر نعمت از واجبات شرعی است که این همه اوامر در آن
 وارد گردیده و بلکه این امر در قوم حضرت موسی نیز بوده و اختصاص باین امت ندارد
 <آیه چهارم >

((وجوب وفای بعهد))

و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون . بقره آیه ۳۸
 یعنی ای مردمان بر عهد من وفا بکنید تا آنکه من بعهد شما وفا بکنم و فقط از
 من بترسید در مخالفت عهد من .

و در انعام فرموده: و بعهد الله اوفوا و در نحل: و اوفوا بعهد الله . و در
 بنی اسرائیل اوفوا بالعهد در آل عمران . بلی من اوفی بعهده و در توبه . و من
 اوفی بعهده و در قتال و من اوفی بما عاهد علیه الله . و در مائده . یا ایها الذین
 امنوا اوفوا بالعقود .

و مراد از عهد در این هشت آیات شریفه مطلق عهد است چه با خداوند تعالی
 بوده باشد و چه با مردمان و عهد خداوند شامل است بر نذر کردن و عهد نمودن
 و قسم یاد کردن بفعل واجبات و مستحبات و بر ترک محرمات و مکروهات و بمخالفت
 نذر و عهد و قسم کفاره لازم است، و عهد بامردمان شامل عقود و شروط است که با

همديگر ميکنند، و وفا بآن عقود و شروط نيز از واجبات است و در احاديث بسيار و وجوب
وفا بر نذر و عهد و قسم و عقود و شرطهاي جايز معلوم شده و احتياج بر بيان ندارد
«آيه پنجم»

((وجوب ايمان بقرآن مجيد و پيغمبر (ص)))

وامنوا بما انزلت مصداقاً لمامعكم ولا تكونوا اول كافر به . بقره آيه ۳۹
يعني ايمان بياوريد باين قرآني كه من نازل کرده‌ام بر پيغمبر خودم در حالتيكه
تصديق ميکند آنچه را كه در نزد شما است از علامات نبوت او و نبوده باشيد اول
انكار کننده بر آن و در اين آيه خطاب بر اهل كتاب است كه ايمان بياوريد و
انكار نكنيد .

و در نساء يا ايها الذين اتوا الكتاب آمنوا بما انزلنا مصداقاً لمامعكم . وايضاً
در نساء و حديد : آمنوا بالله ورسوله . و در توبه و اذا انزلت سورة ان امنوا بالله
و در تغابن . فامنوا بالله ورسوله والنور الذي انزلنا .

و در اين شش مورد قرآن خداوند تعالی بمردمان امر کرده كه ايمان بياوريد
بخداوند و بقرآن و بر پيغمبر او و بر احكام او عمل بكنيد .

«آيه ششم»

(امر به نماز و زكوة)

واقموا الصلوة و اتوا الزكوة واركعوا مع الراكعين (البقرة آيه ۴۰)

يعني اقامه بكنيد نماز پنج وقت را و بدهيد زكوة اموال خود را و تواضع و اطاعت
و عبادت بكنيد با تواضع و عبادت كنندگان در نماز جماعت و غير از آن .

و در اين آيه بر سه عبادت امر کرده از نماز و زكوة و ركوع باركوع كنندگان
و امر بر نماز و زكوة در آيات بسيار وارد شده چنانكه در بقره درسه مورد و در نساء و
نور و مزمل در يك مورد . فاقموا الصلوة و اتوا الزكوة ايضاً در نساء و حج و
مجادله و در مريم : و اوصاني بالصلوة و الزكوة و ايضاً و كان يامر اهله بالصلوة

والزكوة .

و از این آیات واضح میشود که نماز و زکوة در امتهای سابقه نیز بوده و اینکه نماز و زکوة از اهم ارکان دین است چنانکه در کتاب اسس الاسلام ذکر کردم .

«آیه هفتم»

(امر به صبر در عبادت)

واستعينوا بالصبر والصلوة وانها الكبيرة الاعلى الخاشعين (آیه ۴۲ سوره بقره)

یعنی طلب اعانت بکنید با صبر کردن و نماز پنجوقت را بجا آوردن از فعل معاصی، و بدرستی که نماز ثقیل و بار سنگین است مگر بر خشوع کنندگان و ایضاً در بقره: یا ایها الذین آمنوا استعينوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرين و در این دو آیه امر فرموده باستعانت کردن بصبر و نماز از فعل معاصی و در اعراف:

استعينوا بالله و اصبروا یعنی طلب اعانت بکنید از خداوند و صبر بکنید در فعل طاعات و در اجتناب از گناهان پس استعانت کردن با صبر و با نماز همان طلب اعانت است از خداوند و طلب اعانت از خداوند همان صبر کردن از معاصی و نماز گذاردن است

«آیه هشتم»

(مرک را نباید فراموش کرد)

واقفوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً ولا یقبل منها شفاعه ولا یؤخذ منها عدل و لاهم ینصرون بقره آیه ۴۵ .

یعنی خودتان را حفظ بکنید از روز مرک و از وقت مردن که هیچ نفس از دیگری مجزی نیست و کفایت نمیکند و از مرک شفاعت قبول نمیشود، و در عوض آن فداء قبول نمیکنند، و در وقت مردن نصرت نخواهند شد، و بلکه وقتی که مرک آمد دیگر چاره از آن نخواهد شد .

و ایضاً در بقره: واقفوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً ولا یقبل منها عدل ولا تنفعها شفاعه و ایضاً در بقره: واقفوا يوماً ترجعون فیہ الی الله

و در این سه آیه امر کرده که از روز مرک خود را حفظ بکنند و تقوی برای

آن روز نمایند و از جهت مرک معصیت نکنند هر چندیکه بآخرت اعتقاد نداشته باشند.

«آیه نهم»

(وجوب ایمان بخدا و فرستادن کان او)

قولوا آمنا بالله وما انزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم آیه ۱۳۰ سوره بقره .

یعنی بگوئید ای مردمان که ما ایمان آوردیم بخداوند و بر آنچه بمامسلمانان نازل شده از قرآن و بر آنچه نازل شده بر حضرت ابراهیم و اولاد او از صحف و بر آنچه عطا شده حضرت موسی و عیسی و بر آنچه عطا شده اند پیغمبران سابق از جانب خداوند از کتابها و صحف و ما فرقی نمیگذاریم در میان ایشان و بلکه همه ایشان از جانب خداوند آمده اند پس از این آیه معلوم میشود که تصدیق جمیع پیغمبران واجب است و ایضاً در بقره و آل عمران لا نفرق بین احد منهم .

«آیه دهم»

(وجوب استقبال قبله برای مصلی)

قول وجهك شطر المسجد الحرام و حیث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

آیه ۱۴۵ سوره بقره

یعنی در نماز روی خود را بطرف حرم بکن ای پیغمبر و شما مسلمین نیز در هر جا باشید روی خودتان را بسمت مسجد الحرام بکنید .

و این آیه قبله است و از جهت این در نماز واجب شده روی قبله کردن .

«آیه یازدهم»

(امر به سبقت در کارهای خیر)

در بقره فاستبقوا الخیرات و ایضاً در مائده : فاستبقوا الخیرات یعنی سبقت

و پیشدستی بکنید بر طاعات و کارهای خوب و اقوال و افعال مرغوب .
 «آیه دوازدهم»

(خدا را یاد کنید تا او شما را یاد کند)

فاذ کرونی اذ کر کم واشکرو الی ولا تکفرون بقره آیه ۱۴۷ .

یعنی پس شما بندگان مرا یاد بکنید با اطاعت کردن و من شما را یاد میکنم با ثواب دادن و شکر نعمتهای مرا بکنید و بر من در مقابل نعمت کفران نکنید .
 و در احزاب : یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله در بقره . فاذکروا الله عند
 المشعر الحرام وایضاً : فاذکروا الله کذکر کم آبائکم وایضاً : فاذکروا الله کما
 علمکم وایضاً : واذکروا الله فی ایام معدودات و در نساء : فاذکروا الله قیاماً و
 قعوداً و در اعراف : فاذکروا آلاء الله وایضاً : واذکروا اذکنتم قلیلاً و در انفال
 واذکروا اذ انتم قلیل و در جمعه : واذکروا الله کثیراً لعلمکم تفلحون و در بقره
 واذکروه کما هداکم و در این آیات امر فرموده بدگر خداوند با آن نحویکه خودش
 قرارداده نه بطریق دیگر .

«آیه سیزدهم»

(حلال بخورید و از حرام بپرهیزید)

یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً و لاتتبعوا خطوات الشیطان
 انه لکم عدو مبین ﴿۱۶۳﴾ انما یامرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا علی الله مالا
 تعلمون بقره آیه ۱۶۳ و ۱۶۴ .

یعنی ای مردمان بخورید از آنچه در زمین است از انواع میوه ها و حبوبات در
 در صورتیکه حلال باشد برای شما و مال غیر نباشد و در فرضیکه پاکیزه شود و خبیث
 نشود ، مثل زهرها و ضرر کننده ها و تابع نشوید بر اغوای شیطان که نعمت حلال خداوند
 را بر خودتان حرام بکنید بدون حکم خداوند ، و بد رستیکه شیطان بشما دشمن واضح
 است که امر میکند بر افعال بد و کارهای قبیح ، و وادار میکند شما را بر اینکه بگوئید

در دین خداوند آنچه را که علم و یقین بآن ندارید، و امیدارد شما را که باطن و گمان خودتان حکم بکنید در حلال و حرام و سایر احکام .

و از این آیه شریفه معلوم شد که طبیائیکه مال غیر نباشد حلال است خوردن و اجتناب از آن چنانکه جماعت صوفیه میکنند حرام است و تابع شدن بشیطان است و از رأی خود اختراع دین است، و اینکه شیطان مردمان را برسه چیز امر میکند بر فحشاء و افعال رسو اکننده و سیم ترقی میکند و وادار مینماید مردمان را بگفتن حلال و حرام و احکام دین اسلام بدون علم و یقین، و از غیر قرآن واحادیث صحیحه و بلکه حکم میکند باطن و رأی و تخمین و قیاس خود .

پس در این آیه طبیات را حلال کرده و اجتناب از طبیات و رهبان شدن را حرام نموده و امر بخوردن طبیات فرموده .

و ایضاً در بقره یا ایها الذین آمنوا کلو امن طبیات ما رزقناکم و اشکر و الله (آیه ۱۶۷) در دو مورد و اعراف و طه در یک مورد و ایضاً در بقره : کلو و اشر بو امن رزق الله و در انعام : کلو و امار زقکم الله . و در طه : کلو و اعر و انعامکم و در مؤمنین یا ایها الرسل کلو امن الطیبات . و در سبأ : کلو امن رزق ربکم و در مائده : کلو و امار ما مسکن علیکم و در انفال : کلو و امار غنمکم حلالاً طیباً و در نحل : کلو و امار زقکم الله و در ملک : و کلو امن رزقه و در اعراف : و کلو و اشر بو و لاتسر فوا

و مضمون این آیات حلال بودن آنچه در زمین است در صورتیکه مضر نباشد و مال غیر نشود پس در این فرض خورده میشود و رهبانیت نمیشود و صوفی نباید شد .

« آیه چهاردم »

((مساوات در قصاص کردن واجب است))

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الاثنی بالاثنی
آیه ۱۷۳ سوره بقره .

یعنی واجب شده بشما در قصاص کردن کشتگان مساوات نمودن که مرد آزاد با آزاده و عید با عید و زن با زن کشته شود نه مرد با زن و نه آزاده با عید و بعد از این

در آخر آیه فرموده: **ولکم فی القصاص حیوة یا اولی الاباب یعنی در قصاص کردن از برای مسلمانان زندگی همیشگی خواهد شد و این وجوب قصاص در دین اسلام سبب حیات مردمان است.**

«آیه پانزدهم»

امر بوصیت و وجوب آن

کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیراً الوصیة للوا لدین والاقربین بالمعروف حقاً علی المتقین فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه فمن خاف من موص جناً او ائماً فاصلح بینهم فلا اثم علیه . آیه ۱۷۶ تا ۱۷۸ سوره بقره .

یعنی واجب شده بشما زمانیکه حاضر شود بر یکی از شما مرگ هر گاه ارث بگذارد وصیت کردن برای والدین و اقرباء خودش باقرار معروف نه زیادتر پس هر که تبدیل بکند وصیت را بعد از آنکه آن را شنید و دانست پس گناه تبدیل کردن بر ذمه تبدیل کننده است پس هر گاه کسی از خطا کردن وصیت کند و یا از عدوان نمودن او خوف بکند، پس اصلاح نماید آنکس در بین ورثه پس او گناه ندارد .

و از این آیه معلوم شد که چیزی بر والدین و اقرباء وصیت کردن در فرض فقر ایشان واجب است و تبدیل وصیت حق و موافق شرع انور حرام است و در صورتی که وصیت کننده برخلاف شرع بکند تبدیل آن عیب ندارد و بلکه باید خلاف را تبدیل کرد و تغییر داد .

«آیه شانزدهم»

((امر به روزه ماه رمضان و وجوب آن))

کتب علیکم الصیام (تا آنکه فرمود) شهر رمضان (تا آنکه فرمود) فمن شهد منکم الشهر فلیصمه و من کان مریضاً او علی سفر فعدة من ایام اخر آیه ۱۷۹ تا ۱۸۱ بقره .

یعنی واجب شده بشما روزه و آن نیز در ماه رمضان است پس هر که از شما در آن ماه مسافر و مریض نباشد، پس باید روزه شود، و هر که مریض و یامسافر شد، پس در عوض خوردن در آنها، در روزهای دیگر روزه میشود .
و بعد از این در آیه فرموده که فقط شبهای ماه رمضان خوردن و آشامیدن و جماع با زنان خود کردن حلال است نه در روزهای آن که حرام است و در اعتکاف نیز خوردن و آشامیدن و جماع نمودن جایز نیست مثل روزه و اینها حدود خداوند است نزدیک نشوید باینها یعنی در سفر و مرض روزه نشوید و در روزهای ماه رمضان روزه شوید، و در آن از خوردن و آشامیدن و جماع کردن اجتناب بکنید، و در اعتکاف نیز چنین معمول نمائید .

«آیه هفتم»

و جوب دخول بیت از ابواب آن

واتوا البيوت من ابوابها آیه ۱۸۵ بقره .

یعنی داخل بشوید بر امورات دنیا و آخرت از راه آنها و باید در هر کار بر استاد همان کار رجوع کرد و در صنایع بر عالمان آن و در احکام اولاً بر آورنده آن و بعد از او بر آنکسی که او معین کرده از او صیاء و اولاد خود در حدیث انی تارك فيکم الثقلين کتاب الله و عترتی . و در حدیث مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح . و در حدیث انامدینه العلم و علی بابها و در غیر از اینها از اخبار بسیار و بعد از این آیه فرمود :
واتقوا الله لعلکم تفلحون . یعنی برهیز کاری بکنید بخداوند با داخل شدن بر امورات لازمه از راه آنها شاید که شما با این جهت رستگار باشید .

«آیه هجدهم»

((و جوب جهان در راه خدا))

وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا ان الله لایحب المعتدین

آیه ۱۸۶ بقره .

یعنی جنگ و قتال بکنید در راه خداوند با کسانی که با شما قتال میکنند و بکشید آنها را و زیادتر از کشتن چیزی دیگر نکنید با آنها بدرستی که خداوند دوست نمیدارد تجاوز کنندگان را و بعد از این فرموده: **وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ** یعنی آن کشندگان شما را بکشید تا آنکه فتنه در زمین نشود و در دین اختلاف نگردد و دین منحصر بدین خداوند شود.

و در چند آیه امر بقتال در سبیل الله و امر بقتال کافران فرموده چنانکه در نساء فرموده: **فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ** و در آل عمران: **قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ** . و در توبه: **قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ** و **قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ** . و **قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ** و در نساء: **فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ** . و در حجرات: **فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغَى** . و در توبه: **وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً** و **قَاتِلُواهُمْ** و **يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ** باید یکم . و در انفال و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه

و در این آیات شریفه خداوند تعالی امر فرموده بکشتن کشندگان مسلمین و قتال فتنه کنندگان و یاعیان از جهت پاک شدن زمین از فتنه و فساد و محفوظ بودن مسلمانان از قتل و غارت .

«آیه نوزدهم»

عدم جواز تجاوز در تقاص کردن

فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا
ان الله مع المتقين (آیه ۱۹۰ بقره .)

یعنی هر که بشما ظلم و تجاوز بکند پس شما نیز بر او تجاوز بکنید بقدر آنچه او بشما نموده و زیادتر از آن نکنید و در تقاص کردن و اخذ حقوق خودتان نمودن از حد نگذیرید و در این خصوص پرهیز کاری بکنید بخداوند و بدانید بدرستی که خداوند با پرهیز کاران است .

و مثل این آیه است در تقاص در سوره نحل: **وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَاقَبْتُمْ بِهِ** یعنی هر گاه کسی بشما تعدی کرد و شما نیز خواسته باشید که از او تقاص بکنید پس

تقاص" شما بقدر آنچه باشد که بشما وارد شده از او نه زیادتر از آن -

پس در این دو آیه امر فرموده بر تقاص کردن بقدر آنچه از کسی بر یکی وارد شده و امر گردیده بر تقوی نمودن بخداوند .

و مثل اینست آیات بسیاری در تقوی کردن چنانکه در بقره و آل عمران و مائده و توبه و احزاب و حدید و حشر فرموده : یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله . و در نساء و حج و لقمان : یا ایها الناس اتقوا ربکم و در مائده : قال اتقوا الله ان کتم مؤمنین و ایضاً در آن و در طلاق : فاتقوا الله یا اولی الالباب و ایضاً در آن و در ممتحنه و اتقوا الله الذی اتم به مؤمنون و در آل عمران و در شعراء در هشت مورد و در زخرف فاتقوا الله و اطیعون و در آل عمران . فاتقوا الله لعلمکم تشکرون و در نساء . و اتقوا الله الذی تسألون به و در مائده و مجادله : و اتقوا الله الذی الیه تحشرون . الی غیر ذلک از آیات شریفه که قریب بر چهل مورد خداوند امر بر تقوی فرموده .

«آیه بیستم»

امر بانفاق در راه خداوند

و اتقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة و احسنوا ان الله

یحب المحسنین . بقره آیه ۱۹۱

یعنی انفاق بکنید در راه خداوند از جهاد و غیر از آن از راههای خیر و بدست خود خودتانرا برهلاکت نیندازید که تمامی اموال خود را یکمرتبه بمردمان بدهید و اسراف و تزییع معاش خود را بکنید و بلکه در انفاق حسن رفتار بشوید بدرستیکه خداوند دوست میدارد حسن رفتار کنندگان را و شاهد بر این دو آیه سوره فرقان است : و الذین اذا اتقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً . که انفاق بطریق وسط میکنند و در چند آیه امر بانفاق فرموده و در بقره : اتقوا مما رزقناکم . و ایضاً : اتقوا من طیبات ما کسبتم . در حدید : و اتقوا مما جعلکم مستخلفین فیهِ . و در منافقین : و اتقوا مما رزقناکم . و در تغابن : و اتقوا خیراً لا نفسکم

«آیه بیست و یکم»

امر بحج و وظایف حجاج

واتموا الحج والعمرة لله (تا آنکه فرمود) فلا رفث ولا فسوق ولا جدال فی الحج. تا آنکه فرمود: ثم افيضوا من حيث افاض الناس واستغفروا لله ان الله غفور رحيم بقره آیه ۱۹۲ تا ۱۹۵.

یعنی ادا بکنید حج و عمره را از جهت خداوند که او واجب کرده، پس در حج جماع و فحش و جدال و قسم یاد کردن نیست و بعد از این برگردید و باز گشت بکنید از آنجائیکه مردمان حج کنندگان بر میگردند و در مقام ادای حج و عمره و بعد از آن طلب مغفرت بکنید از خداوند که او عفو کننده و رحم نماینده است بر آنکسانیکه امر او را بجا میآورند و بر او اطاعت میکنند.

چنانکه در این آیه امر بر استغفار نموده در آیات بسیار نیز حکم با استغفار کردن مردمان فرموده و در سوره نساء: واستغفروا لله ان الله كان غفورا رحيماً و در نور و استغفر لهم الله و در مؤمن و قتال: واستغفر لذنبك. و در ممتحنه: واستغفر لهم الله و در هود: وان استغفروا ربكم. و أيضاً: ويا قوم استغفروا ربكم. و در نوح: فقلت استغفروا ربكم و در مزمل: واستغفر الله ان الله غفور رحيم. و در هود: واستغفروا ربكم ثم توبوا اليه. و أيضاً: واستغفروه ثم توبوا اليه - و در فصلت: فاستقيموا اليه واستغفروه و در نصر: فسبح بحمد ربك واستغفره: و در آل عمران فاستغفروا لذنوبهم. و در نساء: فاستغفروا لله واستغفروا لهم الرسول.

وچنانکه در این آیه امر بحج فرموده در آل عمران نیز فرموده: والله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً. هر که مستطیع شود و قدرت رفتن بمکه داشته باشد باید برود و هر که ترك بکند با قدرت و استطاعت پس خداوند غنی است از جمیع مخلوقات، و احکام حج را تفصیلاً در اساس الاسلام ذکر کرده ام هر که بخواهد رجوع نماید.

«آیه بیست دوم»

امر به پیروی از دین اسلام و مخالفت با شیطان

يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان

بقره آیه ۲۰۴ .

یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید داخل بشوید در اطاعت نمودن جمیع احکام اسلام، و هر چه پیغمبر بفرماید از خلافت و امامت کسی قبول نکنید، و تابع نشوید بر اغوای مردمان شیطان صفت، و اشخاص مثل شیطان بشما اغوا نکنند که بعض احکام پیغمبر را قبول نکنید.

«آیه بیست و سیم»

امر بدفع دشمنان دین از بلاد مسلمین

كتب عليكم القتال و هو كره لكم و عسى ان تکرهوا شيئاً و هو خير لكم و عسى ان تحبوا شيئاً و هو شر لكم و الله يعلم و انتم لا تعلمون آیه ۲۱۲ تا ۲۱۴ سوره بقره .

یعنی واجب شده بشما دفاع و قتال کردن با دشمنان دین در وقت هجوم آنها بر بلاد اسلام و یکی از تکالیف اسلام همین است و این نیز مکروه طبع شما است و بسا میشود که نفس شما يك چیزی را مکروه میدارد و حال آنکه آن چیز خیر شماست و بسیار میشود که يك چیز را نفس شما دوست میدارد و حال آنکه آن شر شماست و خیر و شر و نفع و ضرر واقعی را و صلاح و فساد حقیقی را همه وقت خداوند میداند و شما همه آنها را نمیدانید و نفس شما طالب لذت فعلی است و قتال کردن را دوست نمیدارد و آسایش نوعاً همه نفوس طالب نمیشود و نفس انسان طالب لذت است و از زحمت فعلی و آسودگی بعدی کریزان است.

«آیه بیست و چهارم»

امر به دادن نصف مهر در طلاق غیر مدخوله

و تمام مهر در صورت دخول

وان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن و قد فرضتم لهن فریضة فنصف ما فرضتم

الان یعنون او یعنوا الذی یدعه عقدة النکاح وان تعفوا اقرب للتقوی ولانسوا
الفضل بیکم بقره آیه ۲۳۸ .

یعنی هر گاه طلاق بدهید بزنان خودتان قبل از آنکه با آنها جماع بکنید و حال
آنکه برای آنها مهر معین کرده اید پس در این فرض نصف مهر با آنها میرسد؛ مگر
آنکه آنها عفو بکنند از همان نصف و یا آنکه آنکس عفو بکند که عقد و نکاح در
دست او بوده از ولی زوجه، و اینکه عفو بکنید نزدیک تر است بر تقوی و پرهیزکاری و
بخشش کردن را در میان خود فراموش نکنید، و به همدیگر تفضل بکنید و چندان بنای
مداقه را نکذارید .

«آیه بیست و پنجم»

امر به محافظت در نمازها و وجوب نماز جمعه

حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی وقوموا لله قانتین آیه ۲۳۹ سوره بقره .
یعنی مداومت بکنید بر نماز پنج وقت و اداء نمازهای واجب را بدون
نقصان و خصوصاً نماز جمعه را در وقت ظهر که وسط روز است و ایستاده باشید در
نماز با خشوع و خضوع و در وجوب نماز جمعه در سوره جمعه فرموده: یا ایها الذین
آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذر وا البیع
ای آنکسانیکه ایمان آورده اید زمانیکه ندا شد بر نماز روز جمعه پس سعی بکنید
و بشتابید بذکر خداوند که نماز است و ترک بکنید خرید و فروش را در وقت نماز جمعه
و مراد از ذکر الله در این آیه نماز است بقرینه سابق .

و در وجوب نماز جمعه احادیث متواتره وارد شده که همه وقت واجب و
اختصاص بر وقتی ندارد، و چند نفر از اعلام علماء عظام هر یکی يك رساله در وجوب
آن در زمان غیبت نوشته اند و احقر جمیع احادیث وجوب آن را در این زمان
بافتاوی و اقوال علماء اعلام در کتاب اثنا عشریه ذکر کرده و لله الحمد بطبع رسیده و
هر که تفصیل بخواهد رجوع بکند و یا از اهل ذکر سؤال بکند چنان که خدای
تعالی فرموده .

«آیه بیست و ششم»

امر به دادن متعه و بهره به زن مطلقه علاوه بر مهر

وللمطلقات متاع بالمعروف حقاً علی المتقین آیه ۲۴۲ سوره بقره
یعنی از برای زنان طلاق داده شده يك متاع رجیزی باید داده شود بقرار معروف
و بقدر وسعت طلاق دهنده و این چیز دادن بزنان علاوه بمهر ایشان حق و ثابت
است بر پرهیزکاران و ایضاً در بقره آیه ۲۷۳ می فرماید و متعوهن علی الموسع
قدره و علی المتقیر قدره متاعاً بالمعروف حقاً علی المحسنین .

یعنی يك متاع بزنان مطلقه بدهید هر کس بقدر وسعت خودش از غنی و فقیر بقرار
معروف ، و این حق است بر اشخاص نیکوکاران و این متاع دادن بآنها غیر از مهریه و
غیر از اجرت ایام عدّه است در مطلقه رجعیّه، ولی در طلاق باین و خلع شده در مدت عدّه
نقّه نیست و لکن متاع دادن ثابت است در همه آنها و در کافی از حضرت صادق (ع)
است که متاع دادن بزنان مطلقه بعد از گذشتن ایام عدّه است و اینکه حضرت امام
حسن (ع) بر هر زنی که طلاق داد متاعی بر او عطا فرمود ،

«آیه بیست و هفتم»

امر بمهلت دادن مدیون تا وقتیکه دارا شود

و ان كان ذوعسرة فنظرة الی میسرة و ان تصدقوا خیر لکم ان کتم
تعلمون بقره آیه ۲۸۰ .

یعنی هر گاه مدیون مفلس و بی چیز باشد پس باید صاحب طلب مهلت بدهد تا
آنکه مدیون مکنّت و قدرت اداء دین داشته باشد و در فرض مفلس شدن اگر تصدق
بکنید خیر است برای شما اگر بدانید بی چیز بودن او را .

«آیه بیست و هشتم»

امر بکتابت و نوشته گرفتن از مدیون

یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتوبوه و لیکتب
بینکم کاتب بالعدل و لایأب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب و لیملل الذی

عليه الحق وليتق الله ربه و لا يبخس منه شيئاً فان كان الذي عليه الحق سفياً او ضعيفاً او لا يستطيع ان يمل هو فليمل وليه بالعدل . سوره بقره آيه ۲۸۲ ،
 يعنى اى آن كسانيكه ايمان آورده ايند زمانيكه معامله بر نسيه بكنيد تا وقت معين پس بنويسيد آن دين را و البته كاتب در ميان شما با عدالت بنويسد و امتناع نكند كاتب از اينكه بنويسد همچنانكه خداوند بر او قدرت كتابت عطا نموده پس او نيز بنويسد سند قرض را و بعد از آن امضاء بكنند مديون دين خود را و پرهيز كارى بكنند كاتب و مديون در كتابت و در امضاء كردن قرض، و زياد و كم نكنند در سند قرض و اگر مديون سفيه و يا عاجز و يا قدرت امضاء كردن نداشته باشد از جهت خط و امضاء پس سند قرض او را ولى او با عدالت و صلاح بدون كم و زياد امضاء بكنند تا اينكه بعد از اين نزاع در ميان صاحب طلب و مديون نبوده باشد .
 آيه بيست و نهم »

امر به گرفتن شهود در وقت قرض دادن

واستشهدوا شهيدين من رجالكم فان لم يكو نارجلين فرجل وامرأتان ممن ترضون من الشهداء ان تضل احديهما فتذكر احديهما الاخرى ولاياب الشهداء اذا ما دعوا واولاتساموا ان تكتبوه صغيراً او كبيراً الى اجله ذلكم اقسط عند الله و اقوم للشهادة وادنى الاتر تا بوا سوره بقره آيه ۲۸۲ .

يعنى از براى قرض دادن بهمديگر دو نفر مرد شاهد اخذ بكنيد و اگر دو نفر مرد پيدا نشد پس يك نفر مرد و دو نفر زن باشد از آن اشخاصيكه شما بر امانت و ديانت و تميز دادن ايشان حق را از باطل اطمينان داريد و اگر يكي از زنهارا نسيان بكنند شهادت را پس آن زن ديگر بخاطر بياورد و امتناع نكنند شاهد ها زمانيكه دعوت كرده شدند بر شاهد شدن از اينكه شاهد نشوند زيرا كه اگر مردمان بهمديگر شاهد نشوند حقوق ايشان ضايع ميشود، و شاهد شدن در وقتيكه كسى يكي را بر شاهد بودن دعوت بكنند واجب ، و امتناع كردن حرام است و ملالت نكنيد از نوشتن حق و قرض چه صغير و اندك باشد و چه بزرگ و بسيار شود و آنچه ذكر شد از شاهد اخذ كردن

بحق و قرض و کتابت آن عادل است در نزد خداوند و در شریعت او و محکمتر است برای شهادت و نزدیکتر است بر اینکه در ثبوت قرض و حق شك نکنید، و در این آیه خداوند امر فرموده بر اخذ کردن شاهد برای حقوق و در نساء: **فاذا دفعتم اليهم اموالهم فاشهدوا عليهم** یعنی وقتیکه اموال ایتام را بخودشان رد نمودید پس شاهد بگیرید و در سوره طلاق: **واشهدوا ذوی عدل منکم** یعنی زمانیکه بزنان طلاق گفتید دو نفر شاهد عادل از خودتان شاهد بکنید بطلاق، و عدالت در شاهد طلاق و غیر از آن شرط قبول است و در بقره: **واشهدوا اذا تبايعتم** یعنی زمانیکه بیع میکنید چیزی را میفروشید پس شاهد بگیرید بر بیع کردن و خریدن و سند با شهود اخذ بکنید.

«آیه سی ام»

امر برد کردن امانات مردم

فان امن بعضکم بعضاً فلیؤد الذی اؤتمن امانته و لیتق الله ربه آیه ۲۸۳ سوره بقره .

یعنی اگر بعض از شما بعض دیگر را امین بکند و چیزی بر او بدهد پس همان کس امین کرده شده امانت او را رد بکند و تقوی و پرهیز کاری نماید و از خداوند بترسد و خیانت بر امانت ننماید، و در خصوص امانت چه مال باشد و یا غیر از مال احادیث بسیار وارد شده که باید حفظ شود و خیانت در آن نباشد.

«آیه سی و یکم»

امر به متابعت کردن پیغمبر که علامت دوستی با خدا است

قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله

غفور رحیم آیه ۳۰ آل عمران .

یعنی ای پیغمبر بگو بمردمان هر گاه دوست میدارید خداوند را پس بمن تابع بشوید در افعال و اقوال و حرکات و سکنتات و اخلاق من، و اگر بمن تابع شوید خداوند دوست میدارد شما را و گناهان شما را میآمرزد و خداوند بر دوستداران من مغفرت و رحم کننده است

و در چند آیه خداوند امر فرموده بر تابع شدن بآنحضرت و در طه: و ان ربکم الرحمن فاتبعونی . و در توبه: و الانصار الذین اتبعوه فی ساعة العسرة . و در انعام و هذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه . و در اعراف: و اتبعوه لعلکم تهتدون . و ایضاً: اتبعوا ما انزل الیکم . و در یس: یا قوم اتبعوا المرسلین اتبعوا من لا یستلکم اجرا و در اعراف: و اتبعوا النور الذی انزل معه . و در زمر: و اتبعوا احسن ما انزل الیکم . و در چند آیه خداوند بآنحضرت امر فرموده که تابع وحی شود و در اعراف: قل انما اتبع ما یوحی الی من ربی . در انعام: اتبع ما ووحی الیک من ربک . و در یونس و احزاب: و اتبع ما یوحی الیک و در یونس و احقاف و انعام ان اتبع الا ما یوحی الی و در نحل: ان اتبع ملة ابراهیم . و در نساء: و اتبع ملة ابراهیم حنیفاً . پس در این آیات خداوند امر بر تبعیت آنحضرت کرده و بر تبعیت قرآن امر نموده و آن حضرت را بر تابع شدن وحی و ملت حضرت ابراهیم امر فرموده در جمیع افعال و اخلاق و اقوال .

«آیه سی و دوم»

امر باطاعت از خدا و رسول

قل اطیعوا الله و اطیعوا الرسول فان تو لوا فان الله لا یحب الکافرین .

آل عمران آیه ۳۰ .

یعنی بگو به مردمان که اطاعت بکنید بخداوند و بر پیغمبر او پس هر گاه اعراض بکنند و اطاعت نکنند پس خداوند دوست نمیدارد کفار را یعنی با عدم اطاعت بر خداوند و بر پیغمبر او کافر میشود و ایمان عبارت است از اطاعت، و کفر عبارت است از عدم اطاعت، و فاصله در میان ایمان و کفر نیست، و اطاعت کننده مؤمن و اطاعت نکردن بر اوامر و نواهی آنحضرت کافر است و در چند آیه خداوند امر باطاعت خودش و پیغمبرش فرموده و در نور: قل اطیعوا الله و اطیعوا الرسول . و در قتال: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول . و در انفال: اطیعوا الله و رسوله . و در آل عمران و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول . و در انفال و مجادله: اطیعوا الله و رسوله . و در طه و اطیعوا امری . و در نور: و اطیعوا الرسول لعلکم ترحمون . و در مائده و تغابن:

و اطيعوا الله و اطيعوا الرسول . و در تفابن : و اسمعوا و اطيعوا . و در آل عمران و زخرف و شعراء در هشت مورد : فاتقوا الله و اطيعون .

و در نساء : من يطع الرسول فقد اطاع الله . و ايضاً : يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم .

و در اين آيه خداوند چنانکه امر بر اطاعت خودش و پيغمبرش فرموده همچنين امر بر اطاعت صاحبان امر امامت و خلافت از خود مسلمانان کرده يعنى اطاعت کردن بر صاحبان امر امامت و رياست حقه و امثال او امر او مثل اطاعت خداوند و پيغمبر است و صاحبان امر در زمان حضرات ائمه عليهم السلام خودشان بودند و بعد از غيبت حضرت صاحب الامر - علماء اعلام و فقها انام است با شرايط معتبره در ايشان و آن شرايط را حضرت امام حسن عسکرى (ع) در تفسير خودش ذکر فرموده و در کتاب احتجاج و بحار الانوار و وسائل الشيعه آن حديث صحيح را نقل نموده اند و حاصل مضمون آن اينست که .

بعد از علم کامل و بصيرت تامه در احکام دين در عالم و اطلاع او از احاديث ائمه در حکم مسائل شرع انور بايد آن عالم نفس خود را نگهدارد از آنچه بر دين او ضرر دارد و دين خود را حفظ بکند از هر چه خلاف شرع انور باشد و مخالفت نمايد بر هواى نفس خودش و اطاعت بکند بر اوامر و نواهي خداوند خودش و آنچه ميگويد و امر بمعروف ميکند خودش عمل بکند و خودش نيز خمس و زکوة بدهد و حج و جهاد نمايد و بر احکام دين عامل شود و ربا نخورد و سند ربا ننويسد و از محرّمات شرعيه اجتناب بکند و بر اعلم از خودش مقدم نشود و بر اعلم اطاعت نمايد و با وجود اعلم فتوا ندهد .

«آيه سى و سيم»

امر باتحاح و اتفاق

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا . آل عمران آيه ۹۸ .

يعنى چنگ بزنيد و تمسك بکنيد بحبل متين خداوند که قرآن است و جميع

مسلمین باید بقرآن اطاعت بکنند و آن را قانون خود بدانند و افتراق نکنید و متفرق نشوید و در آیات متعدده نیز امر فرموده بر چنگ زدن و تمسک بدین خداوند و در نساء: «وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ . وَايضاً : فَاَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ . وَدَر حِجِّ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ . وَمَرَادُ اِزْاِیْنِ اعْتِصَامِ دَر اِیْنِ چَهار آيَاتِ شَرِیْفَه تَمَسُّكُ كَرْدَنِ بَقْرَآنِ اسْتِ وَ اطاعت پیغمبر است و در چند آیه از تفرق نهی فرموده و مذمت کرده و در بینة : وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ اَوْ تَوَالِ الْكِتَابِ . وَ دَر اِنْعَامِ : فَتَفَرَّقَ بِكُم عَنِ سَبِيلِهِ . وَ دَر آلِ عَمْرَانَ : وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا . وَ دَر شُورَى : وَ مَا تَفَرَّقُوا اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ اِلْعِلْمُ .

پس از همه این آیات معلوم شد که باید مسلمانان متفق شوند و اختلاف نکنند و مختلف در آراء متعدده نباشند و اگر مسلمین باین آیه عمل میکردند از اول امر هرگز این همه اختلاف در دین اسلام ظاهر نمیشد و مذهب اسلام پنج فرقه و بلکه زیاد تر نمیکشت و حال آنکه خداوند ایشان و پیغمبر ایشان و قرآن ایشان و قانون و مذهب ایشان همه یکی است و البته مذهب حق در میان این مذاهب یکی خواهد بود و دیگران در اشتباه و سهو و خطا .

پس باید بسیار دقت کرد و طریقه حق را پیدا نمود که آیا طریقه حقه مذهب ابوحنیفه و یا شافعی و یا مالکی و یا حنبلی و یا امام جعفر صادق (ع) است و اگر حدیث از حضرت پیغمبر نقل کنند که اختلاف امتی رحمة است پس اولاً این حدیث با آیات سابقه ضد است و ثانیاً اگر اختلاف امت رحمت باشد پس اجتماع ایشان عذاب خواهد شد پس از اینها معلوم میشود که این حدیث نیست و از زبان آنحضرت صادر نشده .

«آیه سی و چهارم»

امر بهر وف و نهی از منکر

كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اَخْرَجَتْ لِلنَّاسِ تَامِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ .

آل عمران آیه ۱۰۶ :

یعنی شما بهترین امت هستید که برای مردمان ظاهر شده اید و علت بهتر بودن

شما اینست که شما امر بمعروف و نهی از منکر میکنید پس خداوند در این آیه يك جماعت مخصوص را مدح نموده از جهت امر بمعروف و نهی از منکر کردن ایشان و در چند آیات شریفه امر فرموده بر امر بمعروف کردن و نهی از منکر نمودن و در مریم و کان یامر اهله بالصلوة و الزکوة . و در نحل : هل یستوی هو و من یامر بالعدل و در توبه : یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر . و در اعراف : و یامرهم بالمعروف چنانکه در این آیات خداوند امر فرموده بر امر نمودن بمعروف و نهی نمودن از منکر و همچنین در چند آیات امر نمودن بر منکر را مذمت کرده و در نور : فانه یامر بالفحشاء و المنکر و در اعراف : قل ان الله لایامر بالفحشاء . و در آل عمران : ولا یامرکم ان تتخذوا الملائکة ارباباً . و در بقره : انما یامرکم بالسوء و الفحشاء . و ایضاً : یامرکم بالفحشاء و در آل عمران : و یقتلون الذین یامرون بالقسط . و در توبه : یامرون بالمنکر و ینهون عن المعروف . و در نساء : الذین یبخلون و یامرون الناس بالبخل و حاصل این آیات اینست که شیطان امر میکند شما را بر منکر و همچنین اشخاص شیطان صفت امر میکنند شما را بر منکرات و بر افعال قبیحه و آنها ضد فرمایشات خداوند را بر دمان میگویند و امر بمعروف نمیکنند .

«آیه سی و پنجم»

امر بشتاب در طلب آمرزش از خداوند

و سارعوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقین آل عمران آیه ۱۲۷ .

یعنی شتاب بکنید بسوی اسباب مغفرت که ادا کردن واجبات است و مبادرت نمائید بر رفتن بر بهشت که عرض آن بقدر آسمانها و زمین است و اما طول آن پس از عرض آن معلوم است و آن بهشت با این عرض و طول آماده شده از برای پرهیزکاران از محرمات خداوند و اطاعت کنندگان بر او امر او و در حدید : سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها السموات و الارض .

یعنی سبقت و مبادرت بکنید بسوی اسباب مغفرت از او امر خداوند و مبادرت

نمائید بسوی جنت .

«آیه سی و هشتم»

امر به مشورت کردن در امورات

و شاو رهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین ذیل آیه ۱۵۳ سوره آل عمران .

یعنی در امورات دنیا و لشگری شوری کن بعد از شوری با دانایان و در بین دانشمندان در امر جنگ و جهاد زمانیکه عزم کردی بچیزی پس توکل بکن بخداوند به درنستیکه او این نحو توکل کنندگان را دوست میدارد و در چند آیه خداوند امر فرموده بر توکل کردن و در یونس : فعلیه توکلوا ان کتمم مؤمنین . و در نمل : فتوکل علی الله انک علی الحق المبین . و در نساء : فاعرض عنهم و توکل علی الله . و در انفال : فاجنح لها و توکل علی الله . و در فرقان : و توکل علی الحي الذی لایموت . و در شعراء : و توکل علی العزیز الرحیم . و در احزاب : و توکل علی الله . و در هود : فاعبد و توکل عایه .

و چنانکه در آیه سابقه امر بر مشورت کرده و هکذا مشورت کردن را از اوصاف مؤمنین قرار داده و در سوره شوری فرموده . و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و ممارزقناهم ینفقون .

«آیه سی و نهم»

ایمان بخدا و رسول

فامنوا بالله و رسله وان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم در آل عمران ذیل آیه ۱۷۴ .

یعنی ایمان بیاورید بخداوند تعالی و برپیغمبران او بدون فرق گذاشتن در میان آن پیغمبران و اگر ایمان بیاورید و پرهیزکاری بکنید پس از برای شما اجر و جزای خوب و بزرگ است و در این آیه خداوند امر فرموده که بخداوند و بر رسول او ایمان

بیاورید و بعد از آن که اقرار بازبان و تصدیق باجنان است تقوی لازم است که عمل بارکان باشد و با تقوی کردن اجر بزرگ دارید و در چند آیه امر بر ایمان آوردن فرموده و در نساء: **يا ايها الذين اتوا الكتاب آمنوا بما انزلنا** . و در نساء و حدید **آمنوا بالله و رسوله** . و در مائده: **ان آمنوا بي و برسولي** . و در توبه: **ان آمنوا بالله و در نساء: فامنوا بالله و رسله** . و در احقاف: **اجيبوا داعي الله و آمنوا به** . و در بقره: **آمنوا بما انزلت مصدقاً لما معكم** . و در همه این آیات امر بر ایمان آوردن و تصدیق کردن بر پیغمبر خودش فرموده .
 «آیه سوم هشتم»

امر به صبر و شکیبائی

يا ايها الذين آمنوا اصبروا و صابروا و اربطوا و اتقوا الله لعلكم تفلحون
 آل عمران آیه ۲۰۰ .

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید صبر بکنید در ادا نمودن واجبات و صبر کننده باشید در مصائب وارده و خودتان را بسته ننمائید بر امامان خودتان و از فرمایشات رئیسان دین و دنیا تجاوز نکنید و در عمل کردن بر این سه حکم پرهیز کاری بکنید و مخالفت ننمائید تا آنکه شاید شما راستگار باشید .

و در چند آیه امر بصبر کردن حضرت پیغمبر (ص) و مسلمین فرموده و درص
اصبر علی یقواون . و در هود: **فاصبر ان العاقبة للمتقين** . و در طه: **فاصبر علی ما یقولون** . و در زوم و مؤمن: **فاصبر ان وعد الله حق** . و در نون و انسان: **فاصبر لحکم ربك** . و در معارج: **فاصبر صبراً جميلاً** . و در مدثر: **ولربك فاصبر** . و در یونس: **واصبر حتی یحکم الله** . و در هود: **واصبر فان الله لا یضیع اجراً للاحسنین** . و در نحل: **واصبروا ما صبرك الا بالله** . و در كهف: **واصبر نفسک** . و در لقمان: **واصبر علی ما اصابك** . و در طور: **واصبر لحکم ربك** . و در مزمل: **واصبر علی ما یقولون** . و در اعراف: **فاصبروا حتی یحکم الله بیننا** . و ایضاً در آن: **استعینوا بالله و اصبروا** . و در انفال: **و تذهب ریحکم و اصبروا** . و مراد از این صبر در

این آیات صبر کردن در ادای واجبات، و حفظ نمودن خود از محرمات است که خود پیغمبر نیز مأمور است بر این صبر، و نیز صبر نمودن مردمان است در مصائب وارده از دشمنان دین اسلام و از ظالمان و منافقان.

«آیه سی و نهم»

امر به زنا شوئی و عدل زوجه نائمه

فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث و رباع فان ختم الاتعدلوا
فواحدة آیه ۳ سوره نساء .

یعنی نکاح کنید از آن زنانیکه طیب و حلال است از برای شما که محارم نیستند دو نفر و سه نفر و چهار نفر در یکجا، و زیاده از چهار نفر را نکاح نکنید و اگر بترسید از اینکه عدالت نکنید در فرض تعدد زنان پس یکی را نکاح بکنید و زیاده تر نکنید زیرا که عدالت نمودن در میان زنان و بلکه در بین جمیع مردمان از واجبات شرعیّه و بلکه از مازومات عقلیه است .

و در نور و انكحوا الايامی منكم و الصالحین من عبادکم و امانکم ان
یکونوا فقراء یعنیهم الله من فضله والله واسع علیم و لیستغفف الذین لایجدون
نکاحاً حتی یعنیهم الله من فضله .

یعنی تزویج بکنید اشخاص بدون زنان را و کسانیکه زن ندارند از شما و از
عدها و کنیزهای شما که صلاحیت زن گرفتن و شوهر کردن را دارند و اگر فقیر
باشند خداوند از فضل خودش ایشان را غنی میکند و خداوند وسعت دهنده و عالم است
بر حال ایشان که اگر آنها از جهت رضای خداوند و از برای عمل شریعت و حفظ
خودشان از حرام تزویج نمایند ایشان را غنی میکند و البته خودشان را نگهدارند آن
کسانیکه اسباب تزویج را ندارند و قادر بر نکاح کردن نیستند تا آنکه خداوند آنها
را از فضل خودش غنی بکند .

«آیه چهلم»

امر بصداق زنان و اینکه صدق ملک زن است

و آتوا النساء صدقا تهن نحلة فان طبن لكم عن شیئی منه نفساً فكلوه هنیئاً

مريثاً آيه ۳ سوره نساء .

يعنى بدهيد بزنان خودتان مهر آنها را كه از جانب خداوند مهر آنها بايشان هبه و بخشش شده و دخل با اولياء آنها ندارد و بلكه بايد بخود آنها برسد نه مثل زمان جاهليت كه مهر را ولى زنان ميخوردند پس اگر زنان شما باطيب نفس چيزى از مهر خودشان بشما گذشت كردند و يابعد از ادای شما مهر را، بشما چيزى دادند پس بخوريد آن را با نوش جانى و گوارائى و در اين آيه امر فرموده برد مهر زنان بخودشان و بدون طيب نفس آنها چيزى از آن بشوهران آنها حلال نيست، پس واى بحال آنكه بر زن خودش اذيت بكند از جهت گذشت كردن زنش چيزى از مهرش را و در احاديث بسيار وارد است كه اين مرد زناكار است با آن زنش .

و در آيه ديگر در نساء فرموده: **وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ** : يعنى اذيت نكنيد و ضرر نزنيد بر زنان خود تا آنكه آنها چيزى از مهر خودشان را بشما بدهند و شما چيزى با اين سبب از آنچه با آنها مهر داده ايد ببريد و بخوريد، تا آنكه در آيه فرموده: هر گاه يك نفر زن را يك قنطار كه مال بسيار است بدهيد پس از آن اخذ نكنيد چيزى آيا بطريق بهتان و معصيت كردن از آنها چيز اخذ ميكنيد؟! و چگونه اخذ مينمائيد از آنها و حال آنكه در مقابل آن مهر با آنها مباشرت کرده ايد و بلكه از شما عهد و پيمان اخذ کرده ايم در عقد نكاح!!؟

«آيه چهل و يكم»

حکم ارث و ايننگه بهره مرد دو برابر زن است

يوصيكم الله في اولادكم للذكر كم للذكر مثل حظ الانثيين آيه ۱۲ سوره نساء (۱)
يعنى بشما امر ميکند و واجب مينمايد خداوند در كيفيت ارث بردن اولاد شما اينکه دو سهم پسر ببرد و يك سهم دختر بردارد پس هر که پسر ميت و ولد ذکور اوست ارث او دو سهم است و هر که دختر او و از نسل او دختر آمده است پس سهم او نصف پسر است پس بنا بصريح آيه اگر از پسر ميت دختر داشته باشد و از دخترش (۱) اين آيه با چند آيه بعد از آن کلا راجع به ارث و وارث ميباشد .

پسر داشته باشد در این فرض پسر دخترش دو سهم و دختر پسرش يك سهم ارث میبرد چنانکه جمع کثیری از اعلام علماء فرموده اند و احقر نیز در کتاب درة الغریة ذکر کرده و بعد از این در آیه فرموده: هرگاه اولاد میت دو نفر و یا زیادتر از دو نفر اناث بوده باشد پس برای دختران او دوثلث ترکه است و اگر دختر یکنفر باشد پس برای او نصف ترکه است بحسب فرض خداوند و از برای هر یکی از پدر و مادرش شش يك است و آنچه زیاد شد از سهم دختران و پدر و مادرش باز بر آنها قسمت میشود و اگر از برای میت اولاد نبوده باشد و وارث او منحصر باشد بر پدر و مادرش در این فرض از برای مادرش يك ثلث است و باقی راجع بر پدرش است، و اگر برای میت دو نفر برادر و یا یک برادر و دو نفر خواهر پدري باشد پس از برای مادرش يك سدس است و پنج سهم حق پدر است و این ارث بردن بعد از اداء دین و وصیت میت است، و بعد از این در آیه فرموده: از برای شما نصف ترکه زنان شماست هرگاه اولاد نداشته باشند هر چندیکه اولاد نواذۀ نواذۀ باشند و اگر زنهای شما اولاد داشته باشند پس از برای شما چهار يك است، و از برای زنهای شما يك ربع است اگر شما اولاد نداشته باشید، و اگر اولاد داشته باشید از برای زنهای شما هشت يك است بعد از ادای دیون و وصیت میت، و اینکه ذکر شد در ترجمۀ این آیه ارث طبقۀ اول بود که پدر و مادر و اولاد و نواذۀ میت باشند، و بعد از این آیه ارث طبقۀ دوم را فرمود که برادران و خواهران میت باشند:

و ان كان رجل يورث كلاله او امرأة وله اخ او اخت فللكل واحد منهما السدس و ان كانوا اكثر من ذلك فهم شركاء في الثلث.

یعنی اگر یکنفر مرد و یا زن فوت شود و پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد نداشته باشد و ورثۀ بعد از زوج و یا زوجه منحصر گردد بر برادر و یا خواهر مادری پس از برای هر یکی از برادر و خواهر يك سدس است و اگر برادر و خواهر مادری زیاده از یکنفر باشند پس ایشان در ثلث میت شریکند بدون تفاوت در بین برادر و خواهر مادری و در آخر نساء در ارث برادران و خواهران پدري و مادری و یا تنها پدري فرموده.

ان امرء هلك ليس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترك و هو يرثها
ان ام يكن لها ولد فان كانتا اثنتين فلهما الثلثان مما ترك وان كانوا اخوة رجالا
ونساء فللذكر مثل حظ الانثيين .

یعنی هرگاه مردی فوت شود و اولاد نداشته باشد و از برای او خواهر پدری
باشد پس برای او نصف ترکه برادرش است، و اما در صورتیکه خواهر پدری فوت شود
و اولاد نداشته باشد پس برادر پدری تمام مال خواهرش را میبرد، و اگر خواهر پدری
دو نفر و زیاد تر باشد پس از برای آنها دو ثلث ترکه برادر است و اگر میت برادر
و خواهر پدری داشته باشد از برای برادر دو سهم و از برای خواهر يك سهم است، و
در ارت طبقه سیم که اعمام و اخوانند و اولاد ایشان .

در انفال و احزاب فرموده: و او لواء الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله
یعنی صاحبان ارحام بعض از ایشان بر بعض دیگر اولویت دارد و بعض از ایشان
بر بعض دیگر مقدمند و با وجود اقرب غیر اقرب مقدم نمیشود مثل تقدیم اعلم و اهم
بر غیر اعلم و مهم

پس از اخوة و اجداد که بمنزله اخوة است . بصریح احادیث متواتره ارت میت
راجع است بر اعمام و اخوال یعنی دو سهم ارت حق اعمام و عمات در میان ایشان :
للذکر مثل حظ الانثيين . و يك سهم حق خال و خاله است در بین آنها با مساوات و
همچنین اولاد ایشان و تفصیل جمیع مسائل ارت را در کتاب الدرّة الغریبه و در رساله
اساس الاسلام ذکر کرده ام هر که خواهد رجوع فرماید
«آیه چهل و دویم»

امر بگرفتن شهود در باره زانیه

و اللاتی یا تین الفاحشة من نساکنم فاستشهدوا علیهن اربعة منکم .

سورة نساء آیه ۱۹

یعنی آن زنانیکه مرتکب زنا میشوند از زنان مسلمانان پس چهار نفر از خود
شما بر آنها شاهد اخذ کنید و ثبوت زنا موقوف است بر شهادت چهار نفر عادل و
همچنین است لواط در احادیث بسیار و در آخر آیه فرموده: پس هرگاه چهار نفر بر

زنای آنها شهادت دادند آن زنان را حبس بکنید تا بمیرند و یا آنکه خداوند بعد از این از برای آنها يك جزای دیگر را معین فرماید و همان جزا را در سوره نور قرار داده و حبس کردن را برداشته و فرموده .

الزانية والزانی فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة

یعنی بر هر یکی از زن و مرد زنا کنندگان یکصد تازیانه بزنید و در دین خداوند بآنها مهربانی نکنید هر گاه ایمان بخداوند و به روز معاد داشته باشید و یک طائفه از مؤمنین بر تازیانه زدن آنها باید حاضر شوند .

و ایضاً در سوره نور از برای زنان زنا کنندگان چهار شاهد معین کرده و فرموده :

والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدة

یعنی آنکسانیکه نسبت زنا میدهند بر زنان عقیفه و چهار نفر شاهد نمیآورند پس بآن نسبت زنا دهندگان هشتاد تازیانه بزنید و ابداً شهادت آنها را قبول نکنید و آنها فاسقند و بعد از این فرموده: اگر زوج که نسبت زنا بر زوجه اش میدهد شاهد نداشته باشد لعان میکنند و بعد از لعان نمودن بهمدیگر حرام میشوند .

«آیه چهل و سیم»

امر بدادن اجرت بزنان متعه

فما استمتعتم به منهن فآتوهن اجورهن ولا جناح علیکم فیما تراضیتن

بهن بعد الفریضة . ذیل آیه ۲۸ سوره نساء .

یعنی بر هر چیزیکه بآن متعه نموده اید زنان را پس اجرت آنها را بدهید و جایز است بشما آنچه بآن راضی شوید از زیاد تر کردن اجرت و مدت بعد از قرار داد سابق و بعد از عقد متعه با اجرت و مدت معینه .

و در قرائت حضرات ائمه و جمعی از عامه استمتعتم به منهن الی اجل مسمى .

یعنی پس آنچه بآن آنها را متعه کرده اید تا بوقت معین پس اجرت آنها را

بدهید و در این آیه امر فرموده بدادن اجرت زنان متعه شدگان .

«آیه جهل و چهارم»

بر تری مردان بر زنان

وامر بموعظه و هجرت در خوابگاه و زدن در باره زنان ناشزه
الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما اتفقوا
من اموالهم واللاتى تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن فى المضاجع
واضر بهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا . سوره نسا آیه ۳۸ .

یعنی مردان قیام کننده بامور زنانند مثل قیام والی برعیت و حاکم باهل ولایت
بسبب آنچه خداوند فضیلت داده مردان را بر زنان به عقل و حسن تدبیر و زیادت
قوت و قدرت در اعمال و افعال و بسبب آنچه مردان اتفاق نموده اند از اموال خودشان
در مهر و نفقه زنان، و آن زنانیکه خوف میکنید از نشوز کردن آنها پس در مرتبه
اول بآنها موعظه بکنید و بعد از آن از آنها دوری بکنید در رختخواب، و اگر فائده
نکرد بزید آنها را همچنان زدن که گوشت و استخوان آنها صدمه نخورد و ضایع
نشود پس هرگاه اطاعت کردند در امورات شرعیّه پس بآنها راه توییح و سر زنش
را بر بندید و بآنها اذیت نکنید .

و بعد از این فرموده : وان ختمت شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله و حكماً
من اهلها ان يريدا اصلاحاً يوفق الله بينهما اگر شما مسلمانان بترسید از نفاق
پیدا شدن در میان زوج و زوجه و عدم الفت در بین ایشان پس شما از بابت داخل شدن
بر امورات حسیه و اقدام نمودن بر واجبات کفائیه یکنفر شخص از طرف مرد و یکی
را از جانب زن معین بکنید تا آنکه آن دو نفر در باره عدم الفت زوجین ملاحظه
نمایند و صلاح و فساد آنها را بدانند اگر رفع شقاق و دفع نفاق ممکن است انجام
میدهند و اگر ممکن نیست امر میکنند بطلاق دادن و اگر آن دو نفر اراده اصلاح
کردن نفاق آنها را داشته باشند خداوند نیز توفیق اصلاح عطا میفرماید .

و در آیه اول امر کرده بسلوك کردن با زنان و عدم اذیت بر ایشان و در آیه
ثانیه امر کرده بمردمان بر اصلاح نمودن در بین مرد و زنش یا بر اتفاق کردن در
میان ایشان یا بطلاق .

«آیه جهل و پنجم»

امر با احسان و نیکوئی نمودن به والدین

و بالوالدین احساناً و بنی القربی و الیتامی و المساکین و الجار ذی القربی و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم .
سوره نساء آیه ۴۰ .

یعنی عبادت بکنید بخداوند و شریک قرار ندهید برای او بر پدر مادر خودتان احسان نمائید و بر قرابت خود و ایتم و مساکین و همسایه که قرابت داشته باشد و همسایه دو راز شما و رفیق سفر خودتان و بمسافران و مهمانان و بخادمان و اهل بیت خودتان نیز احسان بکنید .

و بعد از این فرموده: ان الله لایحب من کان مختالافخوراً .

یعنی بدرستی که خداوند دوست نهدارد آنکس را که متکبر و بدون اعتناء باشد بر اقارب و همسایگان و رفیقان خودش و فخر بکند بآنها بدون جهت و سبب و در این آیه خداوند امر فرموده بر احسان بر پدر و مادر .
و ایضاً در بقره و انعام و بنی اسرائیل فرموده: و بالوالدین احساناً . و در لقمان و وصیة الانسان بوالدیه . و در عنکبوت: و وصیة الانسان بوالدیه حسناً . و در احقاف و وصیة الانسان بوالدیه احساناً . و در هفت سوره خدایتعالی امر بر احسان و نیکوئی کردن بوالدین فرموده و در چند آیه دیگر امر بر احسان بر ذی القربی کرده چنانکه در این آیه است فرموده در انفال و حشر: و لذی القربی و الیتامی . و در بقره: و بالوالدین احساناً و ذی القربی . و در نحل: و ایتاء ذی القربی . و در روم: فآت ذاللقربی حقّه و المسکین . و در بنی اسرائیل: و آت ذاللقربی حقّه و در آیه زکوة و آیه خمس ابن سبیل فرموده و بقرینه ابن سبیل معلوم میشود که مراد از احسان در آیه همان دادن زکوة است بر اشخاص مذکوره بغیر از والدین و ما ملکت ایمانکم و از برای اینها نمیشود زکوة داد زیرا که والدین و خدمتکار و اهل و عیال و عبد و امه شخص واجب النفقه است و یا مراد از احسان در این آیه مواسات در وقت حاجت ایشان است که آن نیز واجب است .

«آیه چهل و ششم»

امر بر د امانات و حکم بعدل

ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الى اهلها و اذا حکتم بين الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً يعظکم به سورة نساء آیه ۶۱ .
یعنی بدرستی که خداوند امر فرموده بر اینکه شما باید امانات مردمان را بصاحب آنها رد بکنید و دیگر بشما امر کرده بر اینکه زمانی که در میان مردمان و در حقوق ایشان حکم کردید و حاکم شدید با عدالت حکم بکنید و حقوق مردمان را ضایع نکنید با حکم غیر عدل کردن و حکم واقعی را بگوئید بدرستی که خداوند خوب موعظه میکند بشما با این امر کردن بر این دو حکم که رد امانت و حکم بعدالت باشد و یا آنکه حکم بعدل شود .

و در چند آیه خداوند امر فرموده بحفظ امانت و عدم خیانت در آن و در مؤمنین و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون . و در معارج نیز این آیه را فرموده و در احزاب : انما عرضنا الامانة على السموات والارض . و در بقره : فليؤد الذی اؤتمن امانته و در انفال : و تخونوا اماناتکم . و در چند آیه امر بعدل فرموده و در بقره : فليکتب کاتب بالعدل . و ایضاً در آن : فليملل و لیه بالعدل . و در نحل و من یامر بالعدل . و ایضاً در آن سوره ان الله یامر بالعدل . و در حجرات : فاصلحوا بینهما بالعدل . و در شوری : و امرت لاعدل بینکم . و در مائده : اعدلوا هو اقرب للتقوی . و مراد از حکم بعدل حکم بما انزل الله است چنانکه در مائده و لی حکم اهل الانجیل بما انزل الله . و ایضاً : و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون . هم الظالمون . هم الفاسقون .

«آیه چهل و هفتم»

در هر نزاعی باید بخدا و رسول مراجعه نمود

فان تنازعتم فی شیئی فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم

الآخر سورة نساء آیه ۶۲ .

یعنی هر گاه در حکمی و مسئله و چیزی نزاع کردید که آیا این چطور است؟ و ندانستید حکم قطعی آن را پس رد بکنید آن را بر حکم کتاب خداوند و بر حکم پیغمبرش در زمان خود و بر سنت و شریعت او و بر کسیکه بعد از خودش شرع را باو سپرده و مردمان را در احکام اسلام باو ارجاع فرموده و همه اینها رجوع بخود حضرت پیغمبر است .

و ایضاً در نساء فرموده : **و لوردوه الی الرسول والی اولی الامر منهم لعلمه الذین یتنبطونه منهم** .

یعنی اگر امورات دنیوی و آخروی را مردمان رجوع کنند بر پیغمبر و بر صاحب امر امامت و ریاست کامله در دین و دنیا، البته جمیع اینها و تمامی مصالح را میدانند و مردمان را براه راست هدایت میکنند آنکسانیکه امورات را از قرآن و از فرمایش پیغمبر استنباط مینمایند .

و در این آیه خداوند وعده داده بمردمان که اگر ایشان احکام را بر پیغمبر خودشان و یا بر صاحب ریاست دین خود رجوع بکنند استنباط کنندگان از قرآن و از احادیث پیغمبر آنها را میدانند و مردمان در جهل و حیرت نمیمانند و برای ایشان نیز علم حاصل میشود .

و در آیه اول خداوند امر فرموده بر رجوع کردن مردمان بحکم و کتاب خود و بفرمایشات پیغمبر خودش در احکام و در امورات دنیوی و آخروی که در آنها نزاع میشود و مردمان در آنها اختلاف میکنند .

و این دو آیه صریح است در رجوع کردن امور دین و دنیا بخداوند و بر پیغمبر او و بر اولی الامر که پیغمبر او را بعد از خودش معین فرموده ، و اختلاف در احکام را و نزاع در دین اسلام را از میان مردمان برداشته ، و منا امیرو منکم امیر گفتن را نهی کرده ، و اختلاف امتی رحمة را تکذیب نموده ، و در اجتهادات در احکام را بالمره بسته ، و همه مردمان را بحکم قرآن و بفرمایش پیغمبرش در زمان حیات و بعد از وفاتش امر کرده ، و بعد از این دو آیه دیگر کسی حق گفتن يك مسئله و يك فتوی دادن

ندارد مگر نقل آیه قرآن، و ذکر احادیث پیغمبر، و فرمایشات کسیکه پیغمبر او را بعد از خودش بمردمان امام قرار داده در حدیث ثقلین و در حدیث سفینه، که مثل اهل بیت من مثل سفینه نوح است هر که بآن تمسک بکند نجات مییابد و هر کس از ایشان اعراض بکند هلاک خواهد شد و در آخر آیه فرموده: هر گاه بخداوند و بروز قیامت ایمان آورده باشید امورات نزاع شده را بخداوند و بر حکم پیغمبرش رد بکنید و از خودتان چیزی نگوئید.

و در رو آیه بعد از این میفرماید و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله والى الرسول رأيت المنافقين يصدون عنك صدوداً.

یعنی زمانیکه گفته میشود بآن مردمان که بیائید در مقام اختلاف در احکام بسوی آنچه خداوند نازل کرده، و بسوی حکم پیغمبرش، می بینی منافقان را اعراض میکنند از تو اعراض کردنی، و بحکم تو راضی نمیشوند و این آیه نیز صریح است در اینکه باید در احکام رجوع بحکم خداوند و بفرمایش پیغمبرش شود نه بر اراء مردمان و استنباط آنها.

«آیه چهل و هفتم»

امر به تهیه اسباب و سلاح جنک

برای ترسانیدن دشمنان خدا

يا ايها الذين آمنوا خذوا حذرکم فانقروا اثبات او انقروا جميعاً سورة نساء

آیه ۷۳.

یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید اخذ بکنید سلاح و اسباب دفاعیه خودتان را از برای دفع دشمنان دین پس حرکت نمائید بدفع آنها دسته دسته و یا جمیع مسلمین یکدفعه بحسب اقتضاء وقت و بقدر حاجت در دفع دشمنان در هر زمان، و در این آیه امر فرموده بجمع کردن استعداد، و آماده شدن بدفع دشمنان دین، و بعد از آن بحرکت نمودن در مقابل آنها و جنک کردن با آنها از جهت حفظ مسلمین از شر آنها.

و در انفال نیز امر بر این فرموده: و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم.

یعنی آماده نمائید از جهت دفع دشمنان دین آنچه قدرت و استطاعت دارید بر آن از قوه دفاعیه و اسباب دفع آنها از آلات دفاع، و از اسبها که بآنها سوار میشوید و حمل و نقل میکنید و یا آماده کردن قوه جهاد و اسباب دفع فساد تا آنکه بترسانید دشمنان دین خداوند و دشمنان خود را.

و در آخر این آیه میفرماید: که بعضی از آن دشمنان را شما نمیشناسید و خداوند آنها را میداند و آن دشمنان دین همیشه میباشند و شما مبدا از آنها غافل شوید و قوه دفاع آماده نکنید و آنچه در جمع کردن اسباب دفاع خرج و انفاق میکنید در راه دین خداوند، جزای آن و فائده آن در دنیا و در آخرت بشما خواهد رسید، در دنیا بحفظ نفوس و اموال و اعراض شما، و در آخرت بثواب و بهشت.

«آیه: چهل و نهم»

امربه تدبر در قرآن و احکام آن

افلایتد برون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً
سوره نساء آیه ۸۴.

یعنی پس چرا مسلمانان تأمل و تفکر و ملاحظه نمیکنند بر قرآن و آنچه در قرآن بوده از احکام اسلام که چقدر فائده دنیوی در آن دارد از برای ایشان و در عمل کردن بآن احکام، و اگر از جانب خداوند نمیشد این قرآن، البته در آن اختلاف و حکم متناقض بسیار پیدا مینمودند، و در این آیه امر فرموده بر تدبر و تفکر در آیات قرآن بملاحظه فوائد عمل بآن.

وایضاً در قتال فرموده: افلایتد برون القرآن ام علی قلوب اقلهاها.

یعنی پس آیا تدبر نمیکنند بقرآن این مردمان؟ و یا آنکه ملاحظه میکنند احکام قرآن را و لکن در قلب آنها قفلها زده شده، و در فهم آنها بسته گردیده؟! و در این آیه چقدر مذمت و ملامت است برای آن کسانی که بر قرآن تدبر و نظر نکنند و در احکام دین اختلاف نمایند و فوائد احکام را در دنیا ندانند و قرآن و احکام آن را مثل سایر کتابها بدانند و آیه اول صریح است در اینکه در احکام قرآن اختلاف پیدا نمیشود

پس این اختلاف بسیار در میان فقهاء از جهت قصور فهم ایشان است و بسبب عدم تدبیر است در آیات و احکام آن و از جهت اعتماد هر یکی از علماء است بر آراء خودشان و قیاس و اجتهاد خودش .

«آیه پنجاهم»

امر بتعزیت گفتن کسیکه انسان را تعزیت میکنند

به نیکوتر از آن یامساوی

و اذا حیتم بتحیة فحیوا باحسن منها و ردوها سورة نساء آیه ۸۸ .
یعنی زمانیکه کسی بشما هدیه و تحفه داد و یا فرستاد پس شما نیز خوبتر از آنرا باو هدیه و تحفه بفرستید و یا آنکه اقلام مثل آن را بر او رد بکنید و کمتر از آن جائز نیست اگر خیال او عوض باشد .

«آیه پنجاه و یکم»

امر به تمیز دادن خوب از بد و مسلم از غیر مسلم در جهان

و اذا ضربتم فی سبیل الله فقینوا و لاتقولوا لمن القی الیکم السلام لست مؤمناً تبتغون عرض الحیوة الدنیا فعندالله مغانم کثیرة کذلک کتتم من قبل فهن الله علیکم فقینوا سورة نساء آیه ۹۶ .

یعنی زمانیکه مسافرت نمودید بجهاد کردن پس طلب وضوح و تحصیل بیان امر مردمان بکنید و مبادا یک نفر مؤمن را بکشید و تعجیل نکنید در قتل مردمان و کسیکه بشما تسلیم شود و تحیه اسلام بکند پس نگویید که تو مؤمن نیستی و ایمان نیاوردی و او را نکشید و خیال شما از کشتن یکی مال دنیا نباشد و جدوجهد شما برای اسلام و آسودگی مردمان باشد پس در این فرض که خیال شما خداوند شد در نزد خداوند غنیمت بسیار است و بشما خواهد رسید و شما نیز در اول مسلم نبودید پس خداوند منت بشما گذاشت باسلام آوردن پس شما نیز تمیز بدهید در بین مردمان که مبادا کسی مسلم را بکشید .

و در این آیه امر فرموده بر تبیین و تمیز دادن خوب از بد و مسلم از غیر مسلم

و عادل از فاسق و در حجرات : ان جائکم فاسق ببناء فتینوا یعنی اگر یک نفر فاسق و غیر عامل بر شریعت بشما خبری بدهد پس شما بمجرد خبر دادن او عمل بقول او نکنید و بلکه طلب تمیز و کشف بکنید و برحقیقت برسید و واقع را بدست بیاورید و در نور فرموده: **لَتَتَّبِعُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا**

یعنی مقصود شما فقط دنیا نباشد از زحمت و مشقت و بلکه قصد شما خداوند باشد و آسایش عمومی چنانکه در بقره فرموده: ان تبتغوا فضلا من ربکم و در بنی اسرائیل **لَتَتَّبِعُوا فُضْلًا مِّن رَّبِّکُمْ وَ دَرَّانَ وَمَلَائِکَہُ**: لَتَتَّبِعُوا مِن فَضْلِهِ وَ دَرَّانَ وَ نَحْلَ وَ رُومَ و جائیه : و لَتَتَّبِعُوا مِن فَضْلِهِ

و مراد از این آیات اینست که زحمت و مشقت شما در جهاد و در سایر عبادات و در عمل کردن بر احکام اسلام فقط طلب دنیای شخصی خود نباشد و بلکه فضل و زیادت را و مال دنیای شخصی را از خداوند طلب بکنید و بخواهید .

«آیه پنجاه و دوم»

اذن قصر نمودن نماز در سفر

و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوة سورة

نساء آیه ۱۰۲

یعنی زمانی که مسافر شدید پس بشما عیب نیست که نماز خودتان را قصر بکنید و نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بگذارید و این آیه در قصر کردن نماز در سفر است و در این آیه اذن است در قصر نمودن نماز و اما وجوب قصر پس از احادیث و فعل حضرت پیغمبر معلوم شده نه از این آیه و اقل سفر از برای اکثر و اغلب مسافرین که پیاده و یا با الاغ و اسب و شتر راه میروند هشت فرسخ است و اگر قصد مسافر رفتن چهار فرسخ و برگشتن از آن باشد که همه اش هشت فرسخ گردد پس این نیز سفر است چنانکه در عرفات و مکه احادیث وارد است چنانکه تفصیل این را در کتاب اساس الاسلام ذکر کرده ام و اگر مسافر سفرش متعارف نباشد و بلکه باسباب و ادوات غیر متعارف سفر بکند مثل طیاره و ماشین و کشتی بخاری و نحو اینها پس اقل سفر

او سير کردن يك روز است نه کمتر از آن چنانکه در احاديث وارد شده که سفر عبارت است از سير يوم و مسيره يوم و اين احاديث ناظر است باسباب سفر اين زمان و باختراعات اين وقت و با وجود اينکه اين اسباب در آن زمان نبوده و باز حکم اينها را در آن زمان فرموده اند و مردمان آنوقت اين احاديث را حمل کرده بودند بر سير کردن پياده ها و راه رفتن شترها و اسبها و الاغها و ندانسته بودند که اين نحو اسبابها اختراع خواهد شد و اما حضرات ائمه پس با علم لدنی دانسته بودند و حکم اين نحو سفر کردن را در احاديث مسيره يوم فرموده اند .

« آية بنجاه وسيم »

امر به شهادت دادن بعدل و راستی

اگر چه بر ضرر خود انسان باشد

يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء لله ولو على انفسكم
 او اولوالدين و الاقربين ان يكن غنياً او فقيراً فالله اولى بهما فلا تتبعوا الهوى
 ان تعدوا وان تلووا او تعرضوا فان الله كان بما تعملون خبيراً سورة نساء آيه ۱۳۴
 يعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید مواظب باشید در عدالت کردن و جهد
 نمایند در اقامه نمودن عدل و شهادت را از برای خداوند ادا بکنید و حق شهادت نمایند
 و هر چندیکه بر ضرر خودتان باشد و یا بر پدر و مادر و یا بر ضرر اقرباء شما باشد هر گاه
 آنکه شهادت بر ضرر او می کنید غنی و یا فقیر باشد پس خداوند اولی است بآن غنی
 و فقیر و فقیر و غنی بودن آنکس بشما ربطی ندارد و شما شهادت را راست و درست
 بگوئید و بر هوای نفس تابع نشوید که از عدالت بیرون بشوید و اگر زیاده و یا کم
 شهادت بکنید و یا اعراض از ادای آن نمایند پس خداوند خبردار است بآنچه می کنید
 و جزا خواهد داد بعمل شما و در طلاق: و اقيموا الشهادة لله و در مائده: كونوا
 قوامين لله شهداء بالقسط و در این سه آیه امر فرموده بشهادت نمودن بحق و با
 عدل و درست .

«آیه پنجاه و چهارم»

ایمان بخدا و رسول باید با قلب و یقین باشد

يا ايها الذين آمنوا آمنوا بالله ورسوله والكتاب الذي نزل على رسوله والكتاب الذي انزل من قبل ومن يكفر بالله وملائكته وكتبه ورسوله واليوم الآخر فقد ضل ضلالا بعيداً سورة نساء آیه ۱۳۵ .

یعنی ای آنکسانیکه بزبان ایمان اظهار میکنید با قلب و یقین ایمان بیاورید بخداوند و بر پیغمبر او، و بر این قرآنیکه نازل کرده بر پیغمبرش، و بر کتابهاییکه قبل از این بر پیغمبران سابق نازل شده، و بر همه اینها تصدیق بکنید با قلب نه بازبان فقط، و هر که تصدیق قلبی نکند بخداوند و ملائکه و کتابها و پیغمبران او و -روز قیامت، پس البته آنکس بضلالت ابدی واقع شده، و بطریق حقه نخواهد رسید.

و در این آیه امر فرموده بر تصدیق کردن با قلب بخداوند و پیغمبر و کتاب او و کتابهای سابق، و نهی فرموده از کفر و انکار خداوند نمودن و عدم تصدیق بملائکه و کتابها و پیغمبران سابق و بمعاد و روز قیامت، و در چند آیه از این کفر نهی فرموده . و جزا قرار داده و در بقره: و من یکفر فاولئك هم الماسقون . و در آل عمران: و من یکفر بایات الله . و در مائده: و من یکفر بالایمان . و در بقره: و من یکفر به فاولئك هم الخاسرون . و در هود: و من یکفر به من الاحزاب . و در نحل و روم: لیکفروا بما آتیناهم .

«آیه پنجاه و پنجم»

امر بچنگ زدن بدین خداوند و اخلاص در دین

الا الذين تابوا واصلحوا و اعتصموا بالله و اخلصوا دينهم لله فاولئك مع المؤمنين و سوف يؤت الله المؤمنين اجرا عظيماً سورة نساء آیه ۱۴۵ . (۱)
یعنی منافقان و کسانیکه در ظاهر مسلمند و در باطن کافر و غیر عامل بشرح انورند در دوزخند مگر آنکسانیکه توبه نمایند و اصلاح گذشته ها بکنند و قضای (۱) (این آیه در حکم منافقین است که در آیه قبل از این در قرآن کریم مذکور است)

مافات را بعمل بیاورند، و چنگ بزنند بر دین خداوند و بر احکام اسلام عمل نکنند. و ذین خود را خالص نمایند از برای خداوند فقط، پس در این فرض آنها از مؤمنین خواهند شد و بزودی خداوند بر مؤمنین اجر بزرگ عطا خواهد فرمود.

و در این آیه چنانکه امر بر چنگ زدن بدین خداوند فرموده و نیز امر باخلاص در دین خودش کرده، و در چند آیه امر باخلاص فرموده و در مریم فاعبدوا الله مخلصاً له الدين. و در زمر: فاعبدوا الله مخلصاً له الدين. و ايضاً: مخلصاً له الدين. و ايضاً: قل الله اعبد مخلصاً له ديني. و در بقره: ونحن له مخلصون و در اعراف، و در يونس، عنكبوت، و لقمان، و مؤمن و بینه، مخلصين له الدين و در يوسف: انه من عباد الله المخلصين. و در حجر، و در ص، الا عبادك منهم المخلصين. و در صافات در چهار مورد: الا عباد الله المخلصين. و ايضاً: لكننا عباد الله المخلصين
 «آیه پنجاه و ششم»

امر بوفای بعقود و عهود و حلّیت لحوم بچه های حیوانات مأکول الاحم

يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود احلت لكم بهيمة الانعام الا ما يتلى عليكم غير محلى الصيد وانتم حرام الله يحكم ما يريد سورة مائده آیه اول:

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید وفا بکنید بر عقد های خودتان که با همدیگر کرده اید در معاملات و عقود و ایقاعات از خرید و فروش و از اجارات و نکاح و طلاق و شروط که با یکدیگر بسته اید و همه اینها در فرض جواز شرعی در اینها باید وفا شود و تخلف در میان شما نباشد و حلال شده بشما بچه حیوانات مأکول از جنس گوسفند و از جنس گاو از اهلی و وحشی و از جنس شتر و اسب و استرو و الاغ در صورتیکه بچه اینها در شکم مادر تمام شود؛ و موی در آورده باشد، و از حلال بودن بچه اینها حلال شدن خود آنها معلوم میشود مگر آنچه بشما تلاوت میشود از حرام شده حیوانات در این سوره، و این حلال شده ها در همه وقت حلال است، مگر در حال احرام که شکار کردن نیز در آن حرام است، بدرستیکه خداوند بمقتضای حکمت

خودش حلال میکند چیزی را، و حرام میفرماید چیز دیگر را.

و آنچه در این سوره حرام فرموده بعد از دو آیه اینست که: حرمت علیکم المیتة. حرام شده بشما میتة و حیوان بدون تذکیه شده: والدم و خون بیرون رونده از حیوانات: ولحم الخنزیر. و گوشت خوک: وما اهل لغير الله به. و آنچه در وقت ذبح آن اسم خداوند گفته نشود و بنام غیر خداوند ذبح شود: و المنخقة و آن حیوانیکه آن را خفه میکنند: و الموقوذة و آنچه آنرا میزنند با چوب و سنک تامل میکنند: و المتردية و آنچه دست و پای آنرا می بندند و از جای بلند میاندازند و النطيحة و آنچه دو حیوان را باهمدیگر میاندازند تا آنکه یکی از آنها کشته میشود و ما اكل السبع الاماذا کیتم. و آنچه درندگان آنرا بخورند مگر آنچه آنرا تذکیه بکنید: و ما ذبح علی النصب. و آنچه ذبح شده بر آتشکده ها: و ان تستقسموا بالازلام ذلکم فسق و آنچه قسمت بکنند ذبیحه را بر سهام و ده سهم میکنند و مثل قمار بازی بر یکی میرسد و بر یکی نمیرسد و جمیع اینها فسق است. فمن اضطر فی محمصة غیر متحائف لاسم فان الله غفور رحیم.

پس هر که مضطر و لاعلاج شود در وقت گرسنگی بخوردن این حرام شده ها از میتة و غیرها در صورتیکه با عمد مایل خوردن اینها نباشد پس خداوند عفو و رحیم کند. است بر مضطر و از جهت اضطرار گناهکار نیست.

«آیه پنجاه و هفتم»

امر باعانت بنیکو کاری و پرهیز کاری

و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعوا و نواعلی الاثم و العداوان ذیل آیه ۳ سوره مائده.

یعنی اعانت بکنید بنیکو کاری و پرهیز کاری، و اعانت بر گناهکاری کردن مردمان نکنید و معاونت بر تعدی و تجاوز نمودن مردمان ننمائید.

و در این آیه امر فرموده بر اعانت همدیگر در بجا آوردن اسباب نیکو کاری و بر معاونت یکدیگر بر تقوی و پرهیز کاری چنانکه از ضد اینها نهی فرموده و از اجتماع

و اتفاق بر معصیت کاری و بد و زشت رفتاری منع و زجر کرده است .

«آیه پنجاه و هشتم»

تحلیل صید سگ شکاری و امر بیابان خدا در وقت

خوردن غذا

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه مائده آیه ۶

یعنی بخورید از آن شکاریکه از برای شما گرفته اند سگهای شکاری شما که بآنها تعلیم داده‌اید از آنچه خداوند بشما تعلیم داده است چنانکه در اول آیه است و شرط حلال شدن صید سگ شکاری اولاً معلم بودن آنست و ثانیاً ذکر اسم خداوند است در وقت سر دادن سگ از برای شکار کردن و شرط تذکیه حیوانات ذکر اسم خداوند است در آن وقت چنانکه در انعام می فرماید . فکلوا مما ذکر اسم الله علیه . پس بخورید از آن ذبیحه که نام خداوند بر آن ذکر شده .

و ایضاً در آن سوره است : وما لکم الا تاکلوا مما ذکر اسم الله علیه . و چه شده بشما اینکه نخورید از آنچه نام خدایتعالی بر آن ذکر شده و ایضاً در آن سوره ولا تاکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه . و نخورید از آنچه نام خداوند بر آن ذکر نشده .

«آیه پنجاه و نهم»

حکم طعام و نساء اهل کتاب بر مسلمین

احل لکم الطیبات و طعام الذین اتوا الکتاب حل لکم و طعامکم حل لهم و المحصنات من المؤمنات و المحصنات من الذین اتوا الکتاب من قبلکم اذا آتیتهن اجورهن غیر مسافحین ولا متخذی اذنان مائده آیه ۷ :

یعنی حلال شده بشما اشیاء بدون ضرر کننده از ماکولات و مشروبات از میوه ها و حبوبات و بقولات که از زمین حاصل میشود در صورتیکه مال غیر نباشد و دیگر طعام اهل کتاب که حبوبات باشد از گندم و جو و میوه های آنها بعلت اینکه طعام در زبان اهل حجاز که قرآن بآن زبان نازل شده عبارت از حبوبات است چنانکه اهل

لفت و بلکه در احادیث بیان کرده اند و حیوانات شما نیز باهل کتاب حلال است که بآنها بیع و شراء بکنید و از آنها نقد اخذ نمایید :

و دیگر زنان مؤمنات که عقیقه اند حلال است و همچنین زنان عفاف اهل کتاب که متعه بکنید آنها را نه با عقد دائم که آن حلال نیست بصریح آیه و لا تمسکوا بعصم الکواکب . در ممتحنه و بآیه . ولا تنکحوا المشرکات . در بقره و حلال بودن این زنان در آن وقت است که مهر آنها را بدهید و متجاهر و مخفی زنا نکنید و در چند آیه طبیات را حلال فرموده و در بقره . کلاوا مما فی الارض حلالاً طیباً . و در نحل : فکلاوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً . و در بقره و اعراف و طه : کلاوا من طیبات مما رزقناکم . و در انفال و نحل و مؤمن : و رزقکم من الطیبات . و در یونس و بنی اسرائیل و جاثیه . و رزقناهم من الطیبات . و در نور : و الطیبات اللطیبین . و الطیبون اللطیبات .

«آیه ششم»

دستور وضوء جهت نهار

اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الى المرافق وامسحوا برؤسکم وارجلکم الى الکعبین وان کنتم جنباً فاطهروا . ماده آیه ۸ .

یعنی زمانیکه بر خاستید بر نماز گذاردن پس بشوئید روی خود را و دو دست خود را تا بمرفق و مسح بکنید بر بعضی از سر و دو پای خود را تا بکعب .

و در قرائت امام جعفر صادق (ع) من المرافق است یعنی از مرفق رو پائین بشوئید چنانکه در تحفة الاخیار ذکر کرده ام و اگر قبل از نماز جنب بوده باشید پس خود را با غسل کردن پاک بکنید از حدث جنابت و در آخر آیه فرموده اگر آب پیدا نشد از برای وضوء و غسل پس تیمم بکنید و دو دست خود را بزمین پاک بزیند و بیشانی و دو دست خود را مسح بکنید چنانکه آیه در سورة نساء در خصوص تیمم ذکر شد و غیر از آنچه در این آیه است در وضوء و غسل و تیمم چیزی دیگر لازم نیست

«آیه شصت و یکم»

امر بقتل راه زنان و محاربین و بدار آویختن و

نهی بلد نمودن

انما جزاء الذين يحاربون الله ورسوله و يسعون في الارض فساداً ان يقتلوا او يصلبوا او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ذلك لهم خزي في الدنيا ولهم في الآخرة عذاب عظيم الا الذين تابوا من قبل ان تقدروا عليهم مائده آیه ۳۷

یعنی بدرستی که جزاء کسانی که محاربه میکنند با خداوند و رسول او یعنی بنای فساد در زمین میگذارند و قطاع طریق میشوند این که کشته شوند و یا آنکه بدار کشیده شوند و یا آنکه دست و پای آنها بریده شود و یا آنکه از زمین بیرون شوند و از بلاد مسلمانان خارج باشند.

و این حدود که ذکر شد عذاب آنهاست در دنیا و برای آنها در آخرت عذاب بزرگ است مگر آن کسانی که توبه نمایند قبل از آنکه آنها را گرفته باشید و حکم اجراء این چهار حد برای قطاع طریق، راجع است بر حکام، و این امر بر اجراء این حدود متوجه است بر حاکم بلاد اسلام که اختیار دارند در اجراء هر یکی از این ها در هر یکی از قاطعان طریق.

«آیه شصت و دوم»

امر بپرهیزگاری و جهاد در راه دین

يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيلة وجاهدوا في سبيله

لعلكم تفلحون تفلحون مائده آیه ۳۹ .

یعنی ای آن کسانی که ایمان آورده اید تقوی بکنید بخداوند و طلب نمائید راه توابع و رسیدن بر قرب او را از بجا آوردن عبادات و اجتناب از گناهان و جدوجهد بکنید در راه دین او شاید که شما راستکار باشید و درستکار شوید.

و در این آیه امر فرموده بر تقوی و طلب وسیله و مجاهده در راه دین خودش و راستکاری را موقوف کرده بر این سه چیز و آیات تقوی در سوره بقره ذکر شد و مراد از طلب وسیله طلب رضا و رحمت اوست چنانکه در آیات بسیار فرموده و در بنی اسرائیل: **ابتغاء رحمة من ربك**. و در بقره: **و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله**. و ایضاً: **الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله**. و در نساء **و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله**. و در رعد: **والذین صبروا و ابتغاء وجه ربهم** و در بقره: **و ما ینفقون الا ابتغاء وجه الله**. و در حدید: **الا ابتغاء رضوان الله** و در لیل: **الا ابتغاء وجه ربه الاعلی**. و در ممتحنه: **و ابتغاء مرضاتی**. و در بقره **و ابتغوا ما كتب الله لكم**. و در جمعه: **و ابتغوا من فضل الله**.

و در چند آیه امر فرموده بر جد و جهد کردن در راه دین و در توبه: **و جاهد و افی سبیل الله**. و در عنکبوت: **و الذین جاهدوا فینا**. و در نحل: **ثم جاهدوا و صبروا**. و در بقره و انفال: **و جاهدوا فی سبیل الله**. و در حج: **و جاهدوا فی الله حق جهاده**.

«آیه شمت و سیم»

امر ببردن دست دزد و احکام مربوطه بآن

و السارق و السارقة فاقطعوا ایدیہما جزاء بما کسبا نکالا من الله و الله عزیز حکیم فمن تاب من بعد ظلمه و اصلاح فان الله یتوب علیه مائده آیه ۴۲ و ۴۳ یعنی هر که دزدی بکند از مرد و زن پس دست او را از بیخ انگشتان ببرد و قتیکه مال دزدی شده بر ربع یک مثقال طلا برسد و این دست بردن جزای آنست که کسب کرده اند و از جانب خداوند عقوبت است برای آنها و خداوند غالب است و در حکمهای خودش حکیم است و از برای هر معصیت یک حکمی تعیین میکند پس هر دزدیکه توبه بکند بعد از ظلم کردن و اصلاح بکند برّ مال غیر بصاحب آن پس خداوند توبه او را قبول میکند و عذاب آخرت را عفو می فرماید.

«آیه شصت و چهارم»

در اینکه ولی مؤمنین خدا و پیغمبر و اولی الامرند

انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یمینون الصلوة و یؤتون
الزکوة و هم را کون مائده آیه ۶۰ .

یعنی بدرستی که اولی بتصرف در مال و نفس شما از خودتان اول خداوند است که شما را خلق کرده و بعد از او پیغمبر او است و بعد از او آنکسانند که ایمان آورده اند و صفت ایشان آنست که در حال رکوع نماز خودشان تصدق میدهند . (۱)

و در این آیه ولایت و اولی بتصرف بودن مردمان را منحصر فرموده بخداوند و برسول خودش و بر آنکسانیکه در حال رکوع نماز صدقه بدهد و چونکه خداوند و رسول او معلوم است پس باید آن دیگری نیز معلوم باشد و اگر در آن وقت معلوم نباشد لازم میاید اغراء بجهل و امر کردن مردمان آن زمان بر اطاعت کسیکه او را نمی شناسند و این امر از عاقل صادر نمیشود فضلا از خالق عقل و عاقلان .

و ایضاً باید آن یکی نیز مثل پیغمبرش معصوم بوده باشد و معصیت کار و بد رفتار نباشد و الا لازم میاید امر کردن خداوند باولی بتصرف بودن کسی معصیت کار بر اموال و نفوس مردمان و این نیز از عاقل صادر نمیشود زیرا که چطور میشود که خداوند اختیار اموال و نفوس مردمان را بکسی معصیت کار و خطاکن بدهد و حال آنکه این اختیار در دست خودش و در اختیار پیغمبرش بوده است پس از این بیان در این آیه معلوم شد که آنکس مثل پیغمبر معین و معلوم و معصوم بوده است و باید مسلمانان آن صدقه کننده را پیدا بکنند و بشناسند .

«آیه شصت و پنجم»

امر باصلاح خود و چشم پوشی از عیب دیگران

یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل اذا اهتدبتم

مائده آیه ۱۰۴ :

(۱) مقصود امیر المؤمنین علی علیه السلام میباشد (صحیح)

ای کسانی که ایمان آورده اید شما نفس خودتان را حفظ بکنید و ملتزم بشوید باصلاح خودتان و ضرر نمیکند بشما آنکسی که بضالات واقع شود زمانیکه شما هدایت یافته باشید .

و در این آیه امر فرموده بر اینکه هر کس نفس خود را اصلاح نماید و با دیگران کار نداشته باشد و هر کدام بعیب خودش مشغول گردد و ضلالت کسی بدیگری ضرر ندارد چنانکه صلاح یکی بضالات کسی ضرر نمیرساند .

«آیه شصت و هشتم»

امر بشاهد گرفتن در وصیت

يا ايها الذين آمنوا شهادة بينكم اذا حضر احدكم الموت حين الوصية اثنان ذوا عدل منكم او اخران من غيركم ان انتم ضربتم فى الارض فاصابكم مصيبة الموت مائة آیه ۱۰۵ .

یعنی ای آنکسانی که ایمان آورده اید حکم شرعی بشما اینست در شهادت در میان شما زمانیکه حاضر شود بریکی از شما مرگ در وقت وصیت نمودن باید دو نفر عادل باشد از شما و یا دو نفر از غیر شما از اهل کتاب هر گاه مسافر بشرید و دو نفر از شما نباشد در آنجا پس مصیبت مرگ بشما برسد .

و در این آیه امر فرموده بر شاهد گرفتن دو نفر در نفوذ وصیت و بودن آنها عادل و اگر از مسلمین پیدا نشد پس دو نفر از غیر ایشان باید باشد .

«آیه شصت و هفتم»

امر بسیر افاق و انفس و عبرت گرفتن از گذشتگان

قل سيروا فى الارض ثم انظروا كيف كان عاقبة المكذبين انعام آیه ۱۱
یعنی بگو سیر کنید و مسافرت نمائید در زمین پس نظر بکنید بقلوب و چشم باطن خودتان تا آنکه بدانید آخر کار تکذیب کنندگان آیات و انبیاء خداوند چطور شد و بچه نحو و بجزای تکذیب خودشان رسیدند؟ و هلاک و محل طعن مردمان عالم و دانا شدند مثل فرعون و نمرود و شداد و امثال آنها از قرون گذشته و امم سابقه .

و در چند آیه خداوند امر بر سیر کردن مردمان فرموده و در آل عمران و نحل:
 فسیروا فی الارض . و در نمل و عنکبوت و روم : قل سیروا فی الارض . و در چند
 آیه امر بر نظر کردن بعبرت فرموده و در یونس : قل انظروا ما فی السموات و الارض .
 و در آل عمران و نحل و نمل و روم : فانظروا کیف کان . و در عنکبوت : فانظروا
 کیف بدء الخلق . و در اعراف : وانظروا کیف کان . و مراد از اینها نظر بادقت و
 عبرت است بر گذشتگان و موعظه گرفتن است از آنها .
 «آیه شصت و هشتم»

هم بظاهر وهم بباطن از گناه باید پرهیز نمود

و ذروا ظاهر الاثم و باطنه ان الذین یکسبون الاثم سیجزون بما کانوا
 یقترفون : انعام آیه ۱۲۰ .

یعنی ترك بکنید ظاهر معصیت کاری و باطن معصیت را و در ظاهر و باطن حذر
 بکنید از گناه نمودن حتی از شرك خفی و ریاکاری که از گناهان باطن است باید حذر
 و دوری نمائید بدرستی که کسانی که کسب معاصی میکنند زود است که جزا داده شوند
 بر آنچه عمل میکنند .

«آیه شصت و نهم»

امر بدانان زکوة لاسر خرمن و به موقع چیدن

و خوردن میوه ها در فصل آنها

کلوا من ثمره اذا اثم و آتوا حقه یوم حصاده و لاسر فوا انه لا یحب المسرفین .

انعام آیه ۱۴۲ .

یعنی خداوند از برای مردمان باغات و زراعات قرار داده بخورید از ثمر آنها
 زمانی که ثمر حاصل شود که در خوردنی زکوة نیست و در روز حصاد کردن و جمع
 نمودن حاصلها حق واجب آنها را ادا بکنید و در خوردن و بقراء دادن اسراف نکنید
 بدرستی که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد .

و در این آیه امر فرموده بادا کردن حق حاصل باغات و زراعات و اذن داده
 بخوردن از آنها قبل از وقت جمع آوری کردن و نهی فرموده از اسراف کردن و در

آیات بقره امر بزکوة دادن ذکر شد و در چند آیه اسراف کنندگانرا مذمت فرموده و در مؤمن : ان الله لایهدی من هو مسرف کذاب . و در اعراف ویس : بل انتم قوم مسرفون . و در مؤمن : کذالك یضل الله من هو مسرف مرتاب . و در مائده : ان کثیر آمنهم بعد ذلك فی الارض لمسرفون . در زخرف : ان کنتم قوماً مسرفین . و در اعراف : انه لایحب المسرفین . و در شعراء : ولا تطیعوا امر المسرفین . و در انبیاء : واهلکنا المسرفین . و در مؤمن : و ان المسرفین هم اصحاب النار . و در یونس : کذالك زین للمسرفین . و در ذاریات : مسومة عند ذلك للمسرفین . و در دخان : انه کان عالیاً من المسرفین . و در یونس : انه لمن المسرفین .

«آیه مفنادم»

امربه عدالت در کیل و وزن و قول و وفای بعهده

و اوفوا الکیل و المیزان بالقسط لا تکلف نفساً الا و سعهها و اذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذاقربی و بعهده الله اوفوا . تا آنکه فرموده : و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم ذالکم و صیکم به لعنکم تنقون انعام آیه ۱۵۳ و ۱۵۴ :

یعنی کیل و وزن را با عدالت و مساوی بکنید و زیاد و کم نکنید و تکلیف نمیکنیم نفس هر کس را مگر بقدر وسعت خودش در وزن و کیل کردن و همچنین است در سائر احکام و زمانیکه در حق کسی چیزی گفتید پس عدالت بکنید هر چندیکه از اقرباء شما باشد و بر عهد خداوند وفا بکنید از نذر و یمین و عهد کردن و این وفا بعهده و امثال آن در سابق در بقره ذکر شد و بدرستیکه آنچه ذکر شد از احکام سابقه راه راست خداوند است که عبارت باشد از عدم شرك بخداوند و احسان بر والدین و عدم قتل اولاد از جهت خوف فقر و عدم نزدیک شدن بر فواحش ظاهری و باطنی و عدم قتل نفس محترمه مگر بقصاص و عدم نزدیکی بمال ایتام مگر بآن نحویکه احسن باشد و این شش حکم در آیات سابقه گذشته و وفا بر وزن و کیل با عدالت و با عدالت حکم دادن و شهادت کردن و بر عهد های خداوند وفا کردن پس باین حکمها تابع شوید که راه راست است و تابع نشوید بر راههای دیگر و ادیان مختلفه که ناشی

شده از آراه و هواهای نفسانیة مردمان و اگر بر آراه متباینه مردمان تابع بشوید پس شما را متفرق میکنند از راه حق خداوند، که با وحی و با برهان واضح بشما ثابت و محقق گردیده است و براین ده حکم در این سوره خداوند بشما وصیت و سفارش فرموده شاید شما تقوی بکنید و پرهیز کار باشید.

«آیه مفتاد و یکم»

امر بپیروی از قرآن مجید و اینکجه قرآن با

برکت است

و هذا کتاب انزلناه مبارك فاتبعوه واتقوا لعکم ثمون انعام آیه ۱۵۶
یعنی و این کتاب که قرآن است ما نازل کردیم آنرا بر نفع شما که کثیر النفع و بسیار فواید دارد اگر بآن عمل بکنید پس تابع بشوید بآن قرآن و دراین تابع شدن بر احکام آن پرهیز کاری بکنید شاید شما از جانب خداوند در دنیا و آخرت رحم شده و ترحم گردیده شوید.

و دراین آیه قرآن را مبارك و کثیر المنافع قرار داده و امر بر تبعیت آن و بر تابع شدن باحکام آن فرموده، و محل ترحم شدن مردمان را در تابع شدن بآن مقرر کرده، و در چند آیه قرآن را مبارك که بمعنی کثیر النفع والفائده باشد فرموده و در انبیاء: و هذا ذکر مبارك. و درص: کتاب انزلناه الیک مبارك.

و در چند آیه محکم بودن آنرا فرموده و در هود: کتاب احکمت آیاته. و در ق: و عندنا کتاب حفیظ. و در فصلت: و انه لکتاب عزیز لایاتیه الباطل من بین یدیه و لامن خلفه تنزیل من حکیم حمید.

و در چند آیه امر فرموده بر تابع شدن حکم قرآن و در اعراف: اتبعوا ما انزل الیکم. و ایضاً در آن: و اتبعوا النور الذی انزل معه. و در زمر: و اتبعوا احسن ما انزل الیکم. و در اعراف: و اتبعوه لعکم تهتدون.

«آیه مفتاد و دویم»

امر بتوحید و خضوع و اخلاص در عبادت خداوند

و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین کما

بد آیه ۲۸ . اعراف آیه ۲۸ .

یعنی توجه بکنید بعبادت خداوند در نزد هر سجود و یا در هر مکان سجود که نماز است و خداوند را بخوانید در حال اخلاص که دین از او است و چنانکه شعرا را خلق کرده باز بسوی او عود خواهید نمود .

و در این آیه امر فرمود بر توجه کردن بعبادت خداوند در وقت و یا در مکان هر نماز که مراد خضوع در عبادت است .

و در آیه بعد از این فرمود : یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد . و مراد اخذ کردن زینت است در هر نماز از لباس پاک و اعضای پاکیزه و با طهارت ظاهری از اخبث و طهارت باطنی از احداث و یا در خصوص نماز عیدین و جمعه و آیات اخلاص در سابق ذکر شد .

و در چند آیه امر بخواندن خداوند فرموده و در مؤمن : فادعوا الله مخلصین . و در آن ایضاً : قال ربکم ادعونی استجب لکم . و ایضاً فادعوه مخلصین . و در اعراف : والله الاسماء الحسنی فادعوه بها . و ایضاً وادعوه خوفاً و طمعاً . و در بنی اسرائیل : قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن . و در اعراف : ادعوا ربکم تضرعاً و خفیة .

« آیه مفنادو سیم »

امر بسکوت و خاموشی در موقع قرائت قرآن

و وجوب استماع

واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون سوره اعراف آیه ۲۰۳ .

یعنی زمانیکه در نماز جماعت قرآن قرائت شود پس بر قرائت پیشنماز گوش بکنید و ساکت باشید شاید که شما رحم شده بشوید و ترجمه این آیه مضمون احادیث صحیحه است که مراد از این نماز جماعت و قرائت پیشنماز است هر چندیکه ظاهر آیه عموم است یعنی در هر وقت که قرآن تلاوت شود از هر که باشد پس گوش بکنید

بر تلاوت قرآن و ساکت بشوید در آن زمان و قال و قيل نکنید .

«آیه هفتاد و چهارم»

غنائم بدون جنگ مال خدا و رسول است که آن

انفال است

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول . انفال آیه اول .

یعنی سؤال میکنند از تو از حکم انفال بگو انفال از برای خداوند و پیغمبر است و بکسی دیگر دخل ندارد و بر هر که پیغمبر میخواهد عطا میکند و صلاح عموم را آنحضرت ملاحظه میفرماید در دادن چیزی بکسی .

و مراد از انفال که مختص است بخداوند و بر پیغمبران اموال است که بدون جنگ و لشکر کشی بدست مسلمین آید از زمین و بلاد و اموال منقوله و غیر منقوله و زمینهای خرابه و بطون وادیها و کوهها و معادن و جنگلها و نی زارها و ارث کسیکه وارث ندارد و بر همه اینها انفال میگویند و تفصیل اینها و زیاده بر اینها را در کتاب مسائل النجفیه باجمیع احادیث وارده در انفال ذکر کرده ام و اگر يك جماعتی از کفار از يك قریه و شهری و بلدی بیرون روند بدون جنگ و قتال پس آن اموال را فتنی نیز میگویند و اختیار آن نیز در دست پیغمبر و امام و نائب ایشان است چنانکه در سوره حشر میفرماید
 ما افاء الله على رسوله من اهل القرى فلوله و للرسول و لذی القرى و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم .

یعنی آنچه خداوند برگشت فرمود بر رسول خودش از اهل دهات که بنی النضیر است پس آنها بخداوند و بر پیغمبرش و بر قرابت رسول راجع است و مصرف آنها ایتم و مساکین و ابن سبیل است و در مصارف ایشان باید خرج شود تا آنکه در دست اغنیاء دوات نباشد و بقدر ضرورت فقراء باید داده شود نه زیاد تر از قدر حاجت و نهایت مئونه سال ایشان را از فتنی بایشان میدهند .

و در این آیه محل صرف فتنی را بیان فرموده که قرابت و ایتم و مساکین و ابن سبیل سادات باشند چنانکه در احادیث بسیار وارد شده .

«آیه مفتاد و پنجم»

امر بگشتن مبدعین و مفسدین

و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله انقال آیه ۴۰ !
 یعنی ای مسلمانان بکشید اهل فتنه و فساد را که در دین خداوند بنیادی بدعت
 و فساد و فتنه میگذارند، و از برای مردمان دین اختراع میکنند و هر که این کار را
 بکند پس او را بکشید تا آنکه در دین فتنه نبوده باشد و تا آنکه دین منحصر گردد
 بدین خداوند و بغیر از دین اسلام دین دیگر در بلاد مسلمانان نباشد.
 و آیات قتال کفار با این آیه در آیه هجدهم در بقره ذکر شد.
 «آیه مفتاد و ششم»

امر بدادن خمس منافع در سال

واعلموا انما غنمتم من شئی فان لله خمسہ و للرسول و لذی القربی و
 الیتامی و المساکین و ابن السبیل ان کتتم آمتکم باللہ و ما انزلنا علی عبدنا
 انقال آیه ۴۲ .

یعنی ای مسلمانان بدانید بدرستی که هر چه منفعت و فائده بدست بیاورید در
 اثنای سال پس بدرستی که پنجیک آن منافع از برای خدای تعالی و رسول او و قرابت
 پیغمبر و یتام و مساکین و ابن سبیل از ایشان است و این پنجیک راجع است برایشان
 و کسیکه از اقرباء پیغمبر نباشد از این خمس باو نمیرسد هر گاه ایمان داشته باشید
 بخداوند و بآنچه بر پیغمبر نازل شده و در این آیه امر فرموده بدادن خمس غنیمت
 که پنجیک منافع سال شخص باشد و آن را اختصاص فرموده بخود خداوند و بر پیغمبر
 و بر ذوی القربای آنحضرت که امام علیه السلام باشد .

و بعد از اختصاص شدن خمس بر ایشان مصرف آن را بیان فرموده که یتام و
 مساکین و ابناء سبیل ایشان است چنانکه در احادیث بسیار بیان شده و تفصیل خمس
 را با احادیث در کتاب مسائل النجفیه ذکر کرده ام .

«آیه هفتاد و هفتم»

تعمیر و آبادی مساجد بامؤمنین است

انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم يخش الا الله فحسی اولئك ان يكونوا من المهتدين برائة آیه ۱۸ یعنی بدرستی که آباد می کند مسجد های خداوند را هر آن کسی که ایمان بخداوند و بروز قیامت داشته باشد و نماز را بر پا بدارد و زکوة را بدهد و در تعمیر مسجد و نماز گذاردن و زکوة دادن ترسد مگر از خداوند، یعنی اینها را از برای خداوند بجا آورد و از مردمان ترسد پس شاید ایشان از هدایت شدگان باشند.

و در این آیه مدح فرموده تعمیر و آباد کنندگان مساجد را و آباد کردن مسجد شامل است بر بنا نمودن و بعد از بنا کردن تعمیر نمودن او جفظ کردن آن از خراب شدن و چراغ در آن روشن نمودن و عبادت کردن در آن و درس علوم شرعی و مواعظ قرآن و احادیث صحیحه را نقل کردن و نگهداری آن از صحبت و حرف دنیا چنانکه در تفسیر بیان شد و این تعمیر از اوصاف مؤمنین است.

و قبل از این آیه فرموده: ماکان للمشرکین ان يعمر و ا مساجد الله . یعنی تعمیر کردن مساجد کار مشرکین نیست و بلکه کار مؤمن است که بخداوند و بروز جزا تصدیق داشته باشد و نماز گذار و زکوة اداء کننده میشود زیرا که شخص با نماز گذاردن و زکوة دادن از شرك و کفر خارج میشود و بر ایمان داخل می گردد.

«آیه هفتاد و هشتم»

تعمین گیرنده گان صدقات

انما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملین علیها و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل فریضة من الله . آیه ۶۰ سوره براءة .

یعنی بدرستی که صدقات واجبه که زکوة نقدین و انعام نلانه و غلات اربعه باشد

ار برای فقراء و مساكين و عمل كنندگان در زكوة و از برای تأليف قلوب بعض از كفار و در آزاد كردن عبدها و از برای قرض داران و در سبيل الله كه جهاد است و از برای مسافر و اين زكوة از جانب خداوند فرض و واجب است :

و در اين آيه خداوند تعالى مصرف زكوة را بيان فرموده كه هشت مصرف است و مراد از مساكين اضعف فقراء است و محل صرف زكوة اينها است، و اين زكوة را بايد مسلمانان بدست خودشان بر مصرف آن برسانند و بايد اهم را بر غير اهم مقدم بدارند، و اگر بعض از مسلمين با اختيار خودشان زكوة ندهند پس والى و رئيس مسلمانان از ايشان زكوة را اخذ ميكند چنانكه خداوند در اين سوره بر پيغمبر فرموده خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكيتهم بها . يعنى اخذ بكن از اموال ايشان صدقه را و زكوة را از ايشان بگير و ايشان را پاك و تزكيه بكن با گرفتن زكوة .

پس آنحضرت هميشه زكوة را از مسلمانان اخذ ميكرد و بعد از آنحضرت خلفاء و سلاطين بنى اميه و بنى عباس چنين ميكردند و تمام ما ليه اسلاميان منحصر بود بر جمع كردن و اخذ نمودن زكوة چنانكه تفصيل اين مسئله را در رساله نجات الفرقه ذكر کرده ام .

«آيه هفتاد و نهم»

امر بپرهيزگارى و دوستى با راست گويان

يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و كونوا مع الصادقين . برآيه ۱۲۰ .
يعنى اى كسانيكه ايمان آورده ايد پرهيزگارى بكنيد از جهت خداوند و با راستگويان و اشخاص صادق القول بوده باشيد يعنى با دروغگو و شخص كاذب نبوده باشيد و براستگو اطاعت بكنيد و بر دروغگو اطاعت نكنيد .

و صريح اين آيه اطاعت را منحصر کرده بر پيغمبر كه معصوم است و كسيكه مثل آنحضرت است در معصوم بودن زيرا كه كسيكه معصوم نباشد دروغ خواهد گفت يا عمدأ و يا سهواً و كسيكه سهواً از او دروغ صادر شود صادق نميشود و در حقيقت بر او صادق صدق نميكنند هر چند يكد گناهكار نباشد .

پس مراد از این آیه فقط حضرت پیغمبر نیست و لفظ آیه نیز جمع است که صادقین باشد پس باید در میان امت آنحضرت همیشه یکنفر صادق واقعی و راستگوی حقیقی بوده باشد تا آنکه خداوند امر فرماید که ای مسلمانان با راستگویان باشید و بر آنها اطاعت بکنید و با دروغگویان نباشید و از آنها اجتناب بکنید و اشخاص راستگویان را نیز باید پیغمبر معین بکند و الامر دمان از کجا بداند راستگوی واقعی را و صادق حقیقی را تا آنکه بر ایشان اطاعت بکنند و با ایشان بوده باشند و آن حضرت نیز ایشان را معین کرده و الا اغراء بجهل لازم میشود.

«آیه هشتم»

امر بر تفقه و بیان گرفتن مسائل دین و موعظه

نمودن و انداز خلق

فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا

رجعوا اليهم لعلهم يحذرون برائة آیه ۱۲۳.

یعنی چرا از دو فرقه از مسلمین يك طایفه در دین خودشان صاحب بصیرت کامله نمیشوند؟! تا آنکه در زمان برگشتن بر قوم خودشان آن قوم را از عذاب خداوند بترسانند و شاید آن قوم بعد از ترساندن حذر بکنند از عقاب و از مخالفت اوامر و نواهی خداوند.

و در این آیه امر فرموده بر طلب علم و تحصیل بصیرت کامله در امورات دینیه و بعد از طلب علم کامل ترساندن مردمان از عذاب خداوند با همان علمیکه تحصیل کرده نه با ظن و این تفقه در دین که بصیرت کامله است شامل علم اخلاق و علم بمسائل و احکام است و اگر کسی بر حلال و حرام شرع اسلام علم و یقین نداشته باشد حق انداز و وعظ و امر بمعروف و نهی از منکر ندارد بصریح آیه که تفقه را شرط قرار داده.

«آیه هشتم و یکم»

امر به پایداری در اوامر و نواهی خداوند

فاستقم كما امرت و من تاب معك و لا تطغوا انه بما تعملون بصیر

هود آیه ۱۲۴.

یعنی بر قرار باش تو ای پیغمبر و هر آنکسیکه از کفر و فسق خودش توبه کرده و بر تو ایمان آورده و از حدود شرعیه راز احکام دینیه تجاوز نکند، و بدرستیکه خداوند بر هر آنچه عمل میکنید بصیر و باخبر است.

و در این آیه امر فرموده بر استقامت کردن در اوامر خداوند بجمیع مردمان و نهی کرده از تجاوز نمودن از احکام اسلام و تمرد و گردنکشی کردن از اطاعت قرآن و فرمایشات پیغمبر خداوند و در رحمن فرموده: *الاطغوا فی المیزان* . و در طه: *ولا تطغوا فیه فیحل علیکم غضبی* . و مراد از میزان شرع انور است که از آن نباید تجاوز نمود.

«آیه مشتاد و دوم»

امر به نماز و اوقات آن در شبانه روز

اقم الصلوة طرفی النهار و زلفاً من اللیل ان الحسنات ینذهب الیهن

هود آیه ۱۱۶ .

یعنی اقامه کن عمود دین را که نماز است در در طرف روز که نماز صبح و مغرب است و در ساعات شب و در نزدیک بغروب که نماز عشاء است و زلف لیل اینست و بدرستیکه این حسنات که نمازها است میبرند سیئات را که گناهان صغیره است .

و در چند آیه اقم الصلوة فرموده و در لقمان: *یا بنی اقم الصلوة* . و در طه: *اقم الصلوة لذکری* . و در عنکبوت: *واقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر* . و در نساء: *واقمت لهم الصلوة* . و در مائده: *لئن اقمتم الصلوة* . و در احزاب: *واقمن الصلوة* . و در بنی اسرائیل: *اقم الصلوة لدلوک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهوداً* .

و ترجمه آیه آخر اینست که اقامه بکن نماز را در وقت زوال آفتاب که نماز ظهر و عصر است تا به ظلمت شب که نماز مغرب و عشاء است و نماز صبح که نزدیک فجر است و نزدیک فجر بدرستیکه مشهود است و در این آیه پنج وقت نماز را معین فرموده چنانکه در آیه اول وقت سه نماز را تعیین نموده بود .

و در احادیث صحیحه اوقات نمازها را حسی کرده اند، و از اول وقت نماز صبح سؤال شد؛ فرمودند اول وقت آن طلوع صبح است که طلوع آن حسی است و فرمودند آخر آن طلوع آفتاب است که حسی است و اول وقت نماز ظهر و عصر رازوال قرار داده که مائل شدن سایه است و آن نیز حسی است و آخر آن را غروب شرعی قرار داده و آن نیز حسی است و اول وقت نماز مغرب و عشاء را غروب قرار داده که حسی است و آخر وقت آنها را در احادیث صحیحه طلوع صبح قرار داده تا آنکه آن نیز حسی شود و همه مردمان همه اوقات را با چشم دیده باشند

و بعض احادیث که وارد شده که وقت آخر نماز مغرب و عشاء نصف شب است آنها محمول بر استحباب و وقت فضیلت است زیرا که نصف شب را اکثر مردمان نمیشناسند پس باید آخر وقت آنها نیز مثل آخر وقت سائر نمازها باشد نه مغایر آنها و جمیع احادیث را در اینخصوص در کتاب اثنا عشریه ذکر کرده ام .

« آیه هشتاد و سیم »

امر بسؤال از اهل ذکر

فاستلوا اهل الذکر ان کتتم لا تعلمون نجل آیه ۴۵ .

یعنی هر گاه احکام دین را ندانسته باشید پس سؤال بکنید از اهل ذکر و از اهل قرآن تا آنکه شما نیز احکام اسلام را بدانید و علم بآنها داشته باشید .

و مراد از ذکر در این آیه قرآن است چنانکه در انبیاء فرموده : و هذا ذکر مبارک انزلنا . و در حجر : انا نحن نزلنا الذکر . و در نحل : و انزلنا الیک الذکر . و یا آنکه مراد از ذکر حضرت پیغمبر است چنانکه در طلاق : یا ایها الذین آمنوا قد انزل الله الیکم ذکراً رسولاً یتلو علیکم آیات الله .

و یا آنکه مراد هر دو است و اما مراد از اهل ذکر پس ایشان حضرات ائمه است زیرا که اهل قرآن و اهل آنحضرت ایشانند پس باید احکام دین را از ایشان سؤال نمود تا دانست و از آنحضرت یاد گرفت و از احادیث صحیحه ایشان اخذ کرد و در

انبیاء نیز فرموده : فاستلوا اهل الذکر ان کتتم لا تعلمون :

امر بعدالت و نیکوئی و صلہ رحم

ان الله يامر بالعدل والاحسان و ايتاء ذى القربى وينهى عن الفحشاء و

المنكر و البغى يعظكم لعلكم تذكرون نحل آیه ۹۲ .

یعنی بدرستی که خداوند امر میکند جمیع بندگان خودش را بعدالت و راستی در اقوال و افعال و اعمال خودشان و رفتار نمودن بمیزان عدل و درستی و بعد از عدالت کردن ایشان را امر میکند بر احسان و نیکوکاری بمردمان که تفضل و گذشت بوده باشد و امر میکند بر اعطا کردن بر ارحام وصله نمودن اقرباء و خویشان خود و یا صلۀ ذی القربى از حضرت پیغمبر، و نیز نهی میفرماید آنها را از امورات قبیحه و افعال شنیعه و از تجاوز کردن از حدود شرعیه و از آنچه در عقول منکر و محل انکار است، و نهی میکند از ظلم و تعدی و اجحاف کردن بمردمان و خداوند با این امر و نهی نمودن در این آیه بر شما موعظه میکند شاید که شما متذکر باشید و موعظه را قبول بکنید و دین و دنیای شما محفوظ و آسودد شود .

و در این آیه خیر دنیا و آخرت جمع است و هر که بر این عمل نماید خوبی دنیا و آخرت را جمع کرده است و در واقع این آیه تبیان کل شیئی است و مضمون این آیه که سه امر است و سه نهی در آیات سابقه ذکر شد فرداً بفرد .

«آیه هشتاد و پنجم»

از شر شیطان بخدای رحمن پناه برید

فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم نحل آیه ۱۰۰ .

یعنی زمانیکه اراده بکنی قرائت قرآن را پس سؤال بکن از خداوند که ترا نگه بدارد از وسوسه شیطان مردود شده از درگاه خداوند .

و در چند آیه امر فرموده بر پناه بردن بخداوند از شر و وسوسۀ شیطان و در مؤمنین : وقل رب اعوذ بك من همزات الشیطان و ایضاً : واعوذ بك رب ان يحضرون و در بقره : اعوذ بالله ان اکون من الجاهلین . در هود : قال رب انى اعوذ بك .

و در مریم : قات انی اعوذ بالرحمن منك . و در فلک : قل اعوذ برب الفلق .
و در ناس . قل اعوذ برب الناس . و در اعراف و فصلت و مؤمن : فاستعذ بالله .
«آیه هشتاد و ششم»

باگفتار نيك مردم را بسوی خدا بخوانید

ادع الى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن

نحل آیه ۱۶۲ :

یعنی دعوت بردین خداوند بکن با مقاله محکم صحیح که رفع اشتباه بکنند از برای خواص و برای عوام با موعظه خوب و با چیزهای عبرت آورنده و از برای معاندین و منافقین مجادله بکن با طریق و دلیل احسن و خوبتر از دلیل آنها و از برای هر یکی از خواص و عوام و معاند بر طریق او دلیل بیان بکن و هر کس را با زبان خودش دعوت بکن بر اسلام و راهنمایی فرمای بر دین خداوند و هر که اهل حکمت است با حکمت با او گفتگو بکن و هر که عوام است با موعظه و نصایح با او سخن بگو و هر که معاند است پس با او مجادله با طریق بهتر از دلیل او بکن از اظهار معجزات و خوارق عادات و ذکر کرامات و هر آنچه باعث مغلوب شدن معاند است .

و این آیه چنانکه خطابش بر پیغمبر است ، و همچنین بر امت آن حضرت نیز شامل است ، و امت باید در بعض مقامات ذکر معجزات آنحضرت را از برای معاندین بکنند با دلیل قطعی از تواتر و کتب آنها و در مؤمن و فصلت : ادفع بالتی هی احسن . و مراد مجادله با احسن است که ذکر شد در شوری : فادع و استقم كما امرت . و در حج و قصص : و ادع الى ربك . و در یوسف : ادعوا الى الله على بصيرة . مراد از اینها دعوت بدین خداوند است .

«آیه هشتاد و هفتم»

مردم را سخن بنیگوئی بگوئید

وقل لعبادی یقولوا التی هی احسن ان الشیطان ینزغ بینهم بنی اسرائیل

یعنی بگو بر بندگان من که بگویند بمردمان آنچه احسن و خوبتر است و بد گوئی بمردمان نکنند و سخن بد و زشت رو بروی مردمان و در پشت سر ایشان نگویند و بدرستی که شیطان عداوت میآندازد در میان ایشان و سخن بد بسبب فساد و افساد است.

«آیه مشتاد و مشتم»

امر بدوستی و مراعات مؤمنین

واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه و لا تعد سيناك عنهم تريد زينة الحياة الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا و اتبع هويته . سوره كهف آیه ۲۷ :

یعنی نفس خود را وادار بکن بر صبر کردن با آنکسانیکه در صبح و شام خداوند خود را میخوانند و در نماز این دو وقت با خداوند راز و نیاز میکنند و اراده ایشان رضا و اطاعت او است و خود را از ایشان مپوشان و از ایشان اعراض مکن و اراده تو زینت دنیا و فضولات معاش نباشد و از جهت زینت دنیا از مؤمنین چشم پوشی نکن و اطاعت مکن بر هر که قلب او از یاد خدا بابتعالی غافل شده و تابع هوای نفس خودش گردیده و در این آیه امر فرموده بمراعات کردن مؤمنان و اعتناء نمودن برای ایشان و بر اعراض کردن از زینت و فضولات معاش دنیا و بر عدم اعتناء بر آنکسانیکه قلب آنها از یاد خداوند غافل است و تابع هوی و رأی خودش است :

«آیه مشتاد و نهم»

امر باعمال نیک و ترك شرك بخدا

فمن كان بر جوقلاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه احداً . كهف آیه ۱۱۰ .

یعنی پس هر که ایمان بروز قیامت داشته باشد پس عمل صالح بکند و بر عبادت خداوند شریک قرار ندهد و در عبادت خداوند ریا کاری و خود نمائی نکند .

و در این آیه امر فرموده بر عمل صالح و ترك ریا کاری و در چند آیه امر بر عمل صالح فرموده و در صافات : لمثل هذا فليعمل العاملون و در انبیاء : فمن يعمل من الصالحات ودر نساء : ومن يعمل من الصالحات . و در زلزله : فمن يعمل

مقال ذرة خيرا يره . و در طلاق و تغابن : ومن يؤمن بالله ويعمل صالحاً .
 و مراد از شرك در عبادت در اين آيه شرك خفى است كه ربا كردن باشد و
 و باشرك جلى عبادت نميشود .

«آيه نودم»

امر بحج و تعظيم شعائر الله

و يذكروا اسم الله فى ايام معلومات على ما رزقهم من بهيمة الانعام
 فكلوا منها واطعموا البائس الفقير ثم ليقضوا تشهيم و ليوافوا نذورهم و ليطوفوا
 بالبيت العتيق و من يعظم حرمات الله فهو خير له عند ربه سورة حج آيه ۲۹ تا ۳۱
 يعنى حج كنندگان نام خداوند را در روز عيد قربان و سه روز بعد از آن كه
 ايام تشريق است ذكر بكنند و مراد از آن ذكر تكبيرات مخصوصه است و اين ذكر
 و تكبيرات در مقابل آنچه است كه خداوند روزى كرده بايشان از گوشت حيوانات
 كه در سوره انعام ذكر شد پس بخوريد از آنها و اطعام بكنيد بر اهل زمانت و مسكنت
 كه فقير است نه بر هر زمينگير، و بعد از ذبح قربانى بايد زابل بكنند اوساخ خودشان
 را از گرفتن ناخنها و اخذ شوارب و تراشيدن سر كه در حال احرام حرمت داشته و
 بايد وفا بكنند نذرها و اعمال مناسك خود را و بعد از تمام كردن مناسك بايد طواف
 بكنند بر بيت عتيق، كه طواف النساء باشد كه در آخر اعمال حج است، و هر كه تعظيم
 بكنند احكام خداوند و حلال و حرام او را پس از براى او خير است در درگاه خداوند .
 و در چندايه بعد از اين فرموده : فكلوا منها واطعموا القانع والمعتر . يعنى از
 گوشت او بخوريد و يك قسمت را اطعام بكنيد بر كسى قناعت كنده كه راضى ميشود
 بآنچه بر او عطا ميكنند و يك قسمت را بر فقراء بدهيد و در آيه ديگر در عوض :
 حرمات الله . فرموده : و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب . يعنى هر كه
 تعظيم بكنند اعلام دين خداوند را براى او خوب است پس بدرستى كه تعظيم شعائر الله
 از تقواى قلوب است .

« آیه نود و یکم »

امر باجتناب از پلیدیها و زورگوئی

فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور حنفاء لله سوره حج آیه ۳۱
یعنی پس اجتناب بکنید از رجاس که اوثان و آلات قمار است و از قول بد و افتراء
که شهادت دروغ و غناه است و در حال پاکیزگی باشید از اسباب قمار و گفتار بد و دروغ
و مراد از حنفاء لله در حال طهارت باطنی بودن است از منکرات و از اخبث
و انجاس ظاهری، و در قرآن در دوازده مورد حنفاء و حنیفاً وارد شده و مراد همان
طهارت و نظافت در دین اسلام است که صفت حضرت ابراهیم است و در توبه: **والله
يحب المتطهرين** . و در بقره **ان الله يحب التواابين و يحب المتطهرين**

و مراد از این آیات نظافت ظاهری و پاکیزگی در لباس و بدن انسان است علاوه
بر طهارت باطنی از اخلاق بد و زشت پس باید مسلمانان از جمیع اخلاق زشت و صفت
خیث و از چیز منکرو کثیف اجتناب نمایند بصریح این آیات شریفه در موارد متعدده
« آیه نود و دوم »

استفاده از گوشت شتران قربانی

لكم فيها منافع الى اجل مسمى ثم محلها الى البيت العتيق حج آیه ۳۴
یعنی از برای شما در بدنه که شتر قربانی و کفاره بعضی محرّمات احرام است
منافع است از سوار شدن و خوردن شیر او تا بوقت معین و بعد از آن محل آن شتر
بر بیت عتیق است .

و بعد از دو آیه میفرماید: **والبدن جعلناها لكم من شعائر الله لكم فيها خير
فاذكروا اسم الله عليها صواف** و در قرآن حضرت باقر علیه السلام صوافن است
فاذا وجبت جنوبها فكلوا منها و اطعموا القانع والمعتر آیه ۳۷

یعنی بدنه را خداوند قرار داده از برای شما از شعائر الله و از برای شما در آن
بدنه خیر است پس ذکر بکنید نام خداوند را بر آن بدنه در وقت تذکیر آن در حال

قيام آن شتر ونحر آن را در حال استاده آن بکنيد، که يك پای آن را ببنديد، پس وقتیکه آن شتر بر زمین افتاد پس بخوريد از آن و اطعام بکنيد بر قناعت کننده و از برای فقير .

و در اين آيه احکام بدنه را ذکر فرموده که محل آن بيت العتيق و از شعائر الله و از برای مردمان در آن خير است و اينکه تذکيه آن در حال قيام و اينکه بعد از تذکيه سه قسمت ميشود و يك قسمت آن خورده ميشود و دوسم آن اطعام است که ذکر شد
 ﴿آيه نود و سيم﴾

امر بر کوع و سجود در نماز

يا ايها الذين آمنوا ارکعوا واسجدوا ربکم وافعلوا الخير لعلمکم تفلحون
 حج آيه ۷۶ .

يعنی ای آنکسانیکه ايمان داريد، در نماز خودتان رکوع و سجده بکنيد، و اين رکوع و سجود شما از جهت عبادت خداوند باشد نه مجرد عادت و خم شدن و برخاستن، و کار خير و خوب بکنيد و هر چه مرغوب است بجاي آوريد شايد که شمارستگار باشيد
 ﴿آيه نود و چهارم﴾

دارندگان اين صفات از مؤمنين رستگارند

قد افلح المؤمنون الذين هم في صلواتهم خاشعون مؤمنون آيه ۱ و ۲
 يعنی هر آينه رستگار شدند آن مؤمنانی که در نماز خودشان خشوع و خضوع ميکنند
 و در معارج: الذين هم على صلواتهم خاشعون .

يعنی مؤمنان آنکسانند که در نماز خودشان هميشگی ميباشند و ايضاً در مؤمنون: والذين هم عن اللغو معرضون . يعنی از قول و فعل لغو و بدون فائده اعراض ميکنند همان مؤمنان و افعال و اقوال ايشان بدون فائده نميشود: والذين هم للزكوة فاعلون و ايشان زكوة را ادا ميکنند والذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون مؤمنون آيه ۷

یعنی یکی از اوصاف مؤمنین اینست که فرج خودشان را حفظ میکنند مگر از زوجه و کنیز زر خرید خودشان پس ایشان در زوجه و کنیز خودشان ملامت شده نمیشوند پس هر که از اینها تجاوز نماید پس آنها از عدوان و تجاوز کنندگان میباشد.

و این آیه نیز در معارج ذکر شده و ایضاً در مؤمنون است: **والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون و آیه حفظ عهد و امانت در سوره بقره گذشت و ایضاً در مؤمنون: والذین هم عالی صلواتهم یحافظون.** یعنی آن مؤمنان حفظ میکنند نماز خودشانرا از فوت شدن و این آیه نیز در معارج است.

و در این آیات امر فرموده بر این صفات کامله و بملاحظه این اوصاف حسنه
 « آیه نود و پنجم »

زناکار را صد تازیانه بزنید

الزانية والزانی فاجلدو اکل واحد منهما مائة جلدة ولا تأخذکم بهما رافة فی دین الله ان کتمتم تؤمنون بالله والیوم الاخر و لیشهد عذابهما طائفة من المؤمنین سوره نور آیه ۲

یعنی بر هر یکی از زن و مرد زناکار صد تازیانه بزنید و بر آنها مهربانی نکنید در دین خداوند اگر بخداوند و بروز قیامت ایمان داشته باشید و باید بر عذاب آنها يك طائفه از مؤمنین حاضر شوند.

و در این آیه امر فرموده بجاری کردن حد زناکه صد تازیانه است بر زناکار و امر فرموده بحضور جمعی از مؤمنین در وقت زدن آنها.

« آیه نوه و هشتم »

حکم تهمت زنان بزنان عقیفه

والذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا باربعة شهداء فاجلدو هم ثمانین جلدة نور آیه ۴.

یعنی آنکسانیکه نسبت زنا بزنان عقیفه میدهند و چهار نفر شاهد بصحت زنا

نمیآورد پس هشتاد تازیانه بآن نسبت دهندگان بزیند و در این آیه مثل آیه سابق امر فرموده بمسلمانان که صد تازیانه و هشتاد تازیانه بزیند بر همان اشخاص و اجراء حدود را بعهدہ مسلمین وا گذاشته و از جمله واجبات کفائی قرار داده

«آیه نود و هفتم»

حکم تهمت زدن بز ن خود

والذین یرمون ازواجهم و لم یکن لهم شهداء الا انفسهم فشهاده احدهم اربع شهادات بالله انه لمن الصادقین ❀ والخامسة ان لعنت الله عليه ان کان من الکاذبین ❀ ویدرؤ عنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الکاذبین ❀ والخامسة ان غضب الله علیها ان کان من الصادقین نور آیه ۶ تا ۱۰

یعنی آنکسانیکه نسبت زنا بر زنان خودشان میدهند و چهار نفر شاهد ندارند و شاهد آنها نفس خودشان است پس هر یکی از نسبت زنا دهندگان چهار مرتبه میگویند که بخداوند قسم یاد میکند که او راستگو است در نسبت زنا بر زن خودش و در پنجم میگوید که: لعنت خداوند بر او باد اگر دروغگو باشد، و در این فرض بر آن مرد هشتاد تازیانه نمیزنند و بر زن باید حد رجم را بزینند مگر آنکه آن زن این عذاب را از خودش دفع بکند باینکه چهار مرتبه قسم یاد بکند بخداوند که: آن مرد دروغگو است در آنچه نسبت زنا میدهد و در مرتبه پنجم آن زن بگوید که: غضب خداوند بر آن زن باد اگر آن مرد راستگو باشد و بعد از اینها آن زن بآن مرد حرام میشود ابداً و این را در لسان شرع انور لعان میگویند و شرط این لعان بودن آنست در نزد حاکم شرع انور نه در هر جا و اگر خود بخود این کار را بکنند بر همدیگر حرام نمیشوند

«آیه نود و هشتم»

امر ببنگاه نگردن بنام حرم و حجاب داشتن زنان

قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلك ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون و قل للمومنات یغضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن ولا یدین زیتهن الا ما ظهر منها نور آیه ۳۰ و ۳۱

یعنی بگو بر مومنان که چشم خودشان را از نامحرم بپوشند و فرج خود را از نظر کردن نامحرم حفظ بکنند و این دو امر برای ایشان خوبتر است و از فساد و افساد کردن محفوظ میشوند بدرستی که خداوند باخبر است بر آنچه عمل میکنند از حفظ چشم و فرج از نامحرم و جزای خوب میدهند بر حفظ کنندگان حدود خداوند و بعد از این حکم در خصوص مردان، بزنان مومنات نیز بگو که آنها نیز چشم خودشان را از نامحرم بپوشند و فرج خود را حفظ نمایند از نظر کردن نامحرم و دیگر ظاهر نکنند زینت خود را بر نامحرم مگر آن زینتی که ظاهر است از انگشتر و دستبند و بعد از این فرمود: **و لیسرن بئین بئیمهن علی حیوبهن** . و باید زنان مقنعه خودشان را بر گردن و سر خود بزنند تا آنکه سر و گردن و سینه آنها باز نشود و **لا یبدین زینتهن الا لبعو لهن** و ظاهر نکنند زینت خود را مگر برای شوهران خودشان **آو ابائهن** و یابرای پدران خود **آو آباء بعو لهن** و یا برای پدر شوهر خود **آو ابنائهن** **آو ابناء بعو لهن** و یا برای اولاد خودشان و یا برای اولاد شوهر خودشان **آو اخوانهن** **آو بنی اخوانهن** **آو بنی اخواتهن** و یا برای برادران خود و یا برای اولاد برادران خودشان و یا برای اولاد خواهران خودشان **آو نسائهن** و یا برای زنان مومنات خودشان: **آو مملکت ایمانهن** و یا برای غلام و کنیز زر خرید خودشان **آو التابعین غیر اولی الاربة من الرجال** **آو الطفل الذین لهم یظهوروا** **علی عورات النساء** و یا برای آنکسیکه تابع شود بشما از جهت نان و طعام خوردن او در حالتیکه محتاج بزنان نیست از جهت پیری و ابلهی و قوه شهوت ندارد از بعض مردان و یا برای آن اطفالیکه مطلع نمیشوند بر عورات زنان از جهت عدم تمیز در آنها و **لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن** و پای خودشان را زنان در وقت راه رفتن بزمین نزنند تا آنکه معلوم شود آنچه مخفی کرده اند از زینت خلخال و غیر از آنها و باید از زینت آنها کسی نامحرم باخبر نشود، **و تو بو الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعنکم تفلحون** و توبه بکنید و باز گشت نمائید بردین خداوند و بر احکام او که قرار داده در این آیات از حفظ کردن خودتان از مردان و زنان از نامحرم ان ای آنکسانیکه ایمان آورده اید شاید که شما بسبب حفظ خودتان از نامحرم رستگار بوده باشید .

«آیه نود و نهم»

باید خدمتگذاران و اولادان بالغ هم در وقت

ورود اذن بطلبند

ليستاذنکم الذین ملکت ايمانکم والذین لم يبلغوا الحلم منکم ثلاث مرات
من قبل صلواة الفجر و حين تضعون ثيابکم من الظهيرة و من بعد صلوة العشاء
ثلاث عورات لکم نور آیه ۵۷ :

یعنی، باید از شما اذن اخذ بکنند خادمان از غلام و کنیز شما و آنکسانی که
بحد بلوغ نرسیده اند از اولاد شما در هر روز سه مرتبه یکی قبل از نماز صبح و دیگری
در وقت ظهر در زمانی که قیلوله میکنید و لباس خود را بیرون مینمائید از برای خواب
و یکی بعد از نماز عشاء که وقت خواب و زمان مجرد شدن از لباس روز است که این
سه وقت زمان خلل است و وقت بیرون کردن لباس است و باید در این اوقات خادمان
و اولاد شما از شما اذن دخول اخذ بکنند و بعد از سه وقت مذکور فرموده: لیس
علیکم ولا علیهم جناح بعد هن طوافون تلیکم . یعنی از برای شما و آنها عیب
نیست بعد از این سه وقت که بعضی از شما بر بعضی دیگر داخل میشوند و مشغول کارید
و بعد از این فرموده: و اذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستاذنوا کم استاذن
الذین من قبلهم . یعنی و زمانی که اطفال شما بحد بلوغ رسیدند پس باید در همه
اوقات از شما اذن اخذ بکنند چنانکه قبل از آنها از مردمان بالغ اذن اخذ کرده اند
در جمیع اوقات داخل شدن خودشان بر دیگران :

«آیه صد»

حکم زنان پیر در حجاب

والقواعد من النساء اللاتی لایرجون نکاحاً فلیس علیهن جناح ان یرضعن

نیابهن غیر متبرجات بزینة نور آیه ۹۵

یعنی آن زنانیکه عجایزند و از تزویج کردن قعود کرده اند و امید نکاح نمودن
ندارند پس از برای آنها عیب نیست و جایز است که آن زنان حجاب نکنند و لباسی

را بردارند درحالتیکه زینت خود را ظاهر نکنند .

و از این آیه معلوم میشود که زنان جوان باید حجاب نمایند و زنیکه بر نکاح میل دارد باید سترو عفاف بکند و اما عجزه ها پس از برای آنها جایز است عدم حجاب بشرط عدم اظهار زینت باطنی .

«آیه صد و یکم»

حکم خوردنیهای خانه اقوام و دوستان

ولاعلی انفسکم تاکلوا من بیوتکم او بیوت آبائکم او بیوت امهاتکم او بیوت اخوانکم او بیوت اخواتکم او بیوت اعمامکم او بیوت عماتکم او بیوت اخوالکم او بیوت خالاتکم او ما ملکتم مفاتحه او صدیقکم نور آیه ۶۰ .

یعنی از برای شما جایز است اینکه بخورید از میوه و ادام خانه اولاد خودتان و یا خانه پدران و مادران و برادران و خواهران و اعمام و عمات و خاله‌های خودتان و از آنخانه که مفتاح آن در دست شما است و وکالت در انجام کارهای آن دارید و از خانه صدیق و رفیق خودتان .

و بعد از این فرمود: لیس علیکم جناح ان تاکلوا جمیعاً او اشتاتاً یعنی از برای شما جایز است اینکه از میوه و ادام این خانه ها بخورید در حال اجتماع و در حال متفرق بودن و در وقت بودن صاحب خانه و در حال نبودن ایشان در آن خانه .

«آیه صد و دوم»

امر بسلام نمودن در وقت ورود بخانه

فاذا دخلتم بیوتاً فسلموا علی انفسکم تحیه من عند الله مبارکه طیبه

نور آیه ۶۱ .

یعنی زمانیکه داخل شوید بخانه چه خانه خودتان و چه خانه دیگران پس سلام بکنید بخودتان از مسلمانان و این سلام تحیه است از نزد خداوند ، مبارك و طیب است برای شما .

«آیه صد و سیم»

مخالفین فرمودهای رسول اکرم در دو دنیا معذبند

فليحذر الذين يخالفون عن امره ان تصيبهم فتنة او يصيبهم عذاب اليم

نور آیه ۶۳ .

یعنی پس باید حذر و پرهیز بکنند آنکسانیکه بر امر حضرت پیغمبر مخالفت میکنند از اینکه در دنیا بآنها فتنه برسد و در آخرت بآنها عذاب درد ناک واقع شود .
یعنی هر که برابر آنحضرت مخالفت نماید ، و بر او امر و نواهی آنحضرت اطاعت نمیکند ، در دنیا برفتنه و در آخرت بعذاب سخت مبتلا خواهد شد .

و از این آیه معلوم میشود که فتنه و فسادیکه بر این امت واقع شده و این فقر و فاقه و تنزلات که برای مسلمین اتفاق افتاده سبب اینها مخالفت ایشان است بر اوامر و نواهی آنحضرت و عدم اطاعت و انقیاد مسلمین است بفرمایشات پیغمبر خودشان

«آیه صد و چهارم»

امر باستقامت و پایداری در دین

فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس عليها روم آیه ۲۹ .
یعنی استقامت بکن در دین اسلام در حالت پاکیزگی از اخلاق زشت و نظافت لباس و بدن چنان دینیکه خداوند مردمان را در آن دین خلق کرده که عبارت است از توحید خالص و عدم شرك بخداوند .

و ایضاً در این سوره فرموده فاقم وجهك للدين القيم که در استقامت و برقرار باش در دین محکم اسلام و بغیر از آن در این زمان دین محکم و مستقیم نیست و نخواهد شد .

«آیه صد و پنجم»

در وجوب متابعت رسول اکرم (ص)

لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة فمن كان يرجو الله واليوم الآخر

سوره احزاب آیه ۲۱ .

یعنی هر آینه برای شما در تبعیت حضرت پیغمبر در افعال و اقوال و اعمال او خوبی و خیر بسیار است از کسیکه امید بخداوند و بروز قیامت داشته باشد .
و در این آیه تابع شدن بآنحضرت را بر مؤمنین واجب کرده و از علائم ایمان بخداوند و روز قیامت قرار داده است .

« آیه صد و هشتم »

امر بپایان کردن خداوند در هر صبح و شام

یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً و سبحوه بکرة و اصیلا
احزاب آیه ۴۱ .

یعنی ای کسانی که ایمان دارید خداوند را بسیار ذکر و یاد آوری بکنید و تسبیح و تمجید نمائید بخداوند در صبح و شام .

و مراد از این آیه اینست که خداوند را فراموش نکنید و در یاد آوری خداوند باشید زیرا که با یاد آوری خداوند و لودر صبح و شام معصیت کاری نمیشود .

« آیه صد و هفتم »

با زنان نامحرم از پس پرده گفتگو کنید

و اذا سئلتموهن متاعاً فاسئلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم
و قلوبهن احزاب آیه ۵۳ .

یعنی زمانی که از زنان نامحرم يك متاعی و چیزی سؤال میکنید پس از پس پرده سؤال بکنید و در میان شما و آن زنان ستر و حجاب بوده باشد و این دستور العمل از برای طهارت قلب شما و آنها، از ریب و از وسوسه شیطانی خوب است که شما آنها را نبینید و آنها شما را نبینند .

« آیه صد و هشتم »

و جوب حجاب برای زنان

یا ایها النبی قل لاوزاجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من

جلا یبهن ذلك أدنی ان يعرفن فلا یؤذین احزاب آیه ۵۹ .

یعنی ای پیغمبر بگو بزنان و دختران خودت و بزنان مؤمنین که ستر بکنند سر و صورت و بدن خودشان را از نامحرم، و باین رفتار نزدیک است که شناخته نشوند پس در اذیت نبوده باشند زیرا که بعد از ستر و حجاب کسی آنها را نمیشناسد و بآنها متعرض نمیشوند .

«آیه صد و نهم»

امر بر راستگوئی و پرهیز کاری

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم احزاب آیه ۷۰ و ۷۱ .
یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید تقوی و پرهیز کاری بکنید بخداوند و در مقام سخنگوئی راستگو بوده باشید و راستگوئی باعث اصلاح اعمال شما و سبب غفران ذنوب شما میشود .

و در این آیه خداوند امر فرموده بقول سدید که راستگوئی در جمیع اقوال و افعال باشد در عقائد و اعمال .

«آیه صد و دهم»

امر بشنیدن و پیروی کردن گفتار نیک

فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوا الالیاب زمر آیه ۱۹

یعنی بشارت بده بر بندگان من بر آنکسانیکه میشوند سخنان م-ردمان را پس تابع میشوند بر خوبتر آن سخنان و هر سخنی که خوب شد و موافق عقل سلیم گردید پس بر آن تابع میکردند و ایشان آنکسانند که خداوند آنها را بدین خودش هدایت کرده و ایشان صاحبان عقل درست میباشد .

و در این آیه امر فرموده بر تابع شدن بسخنان خوب و ایشان را تعریف کرده و صاحب عقل سلیم قرار داده .

و مثل این آیه است در این سوره : و اتبعوا احسن ما انزل الیکم من ربکم یعنی تابع شوید بر خوبتر آنچه از جانب خداوند بشما نازل شده از احکام از توریة و انجیل و قرآن و ملاحظه بکنید و ببینید که احکام کدام یکی از این کتابها بحال نوع بشر خوب است؟ پس بر آن کتاب تابع شوید و تعصب نکنید و هر کدام از اینها که جامع احکام و سیاست بشر گردید پس بر آن تابع باشید .
و از آیه اول معلوم میشود وجوب امتحان علماء و فتوی دهندگان و ناطقان و سخن گوینان در دین اسلام .

«آیه صد و یازدهم»

دین اسلام همان دین انبیاء سلف است

شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً والذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقموا الدین ولا تفرقوا فیه شوری آیه ۱۱ :
تا آنکه فرمود : و ما تفرقوا الا من بعد ما جاء هم العلم بغیا بینهم . آیه ۱۳
یعنی خداوند قرار داده برای شما امت این پیغمبر از دین آنچه را که بحضرت نوح و بعد از او از پیغمبران دیگر سفارش فرموده و آنچه را که بخود حضرت پیغمبر وحی کرده و همه آنها اینست که : بر پا بدارید دین خداوند را که توحید و نبوت و امامت و معاد و عمل باحکام او باشد و متفرق نشوید در احکام اسلام بارای و هوای خودتان و اختلاف نکنید در آن .

و بعد از این فرمود : و متفرق نشدند و اختلاف نکردند در احکام دین مگر بعد از آنکه آمد و رسید بآنها علامات و اضحات از آیات و احادیث صحیحہ از حدیث ثقلین و حدیث سفینه نوح و غیر از اینها و این اختلاف در دین و در احکام مسلمین نشد از آنها ، مگر از جهت بغی و ظلم و عناد و عداوت بر آل رسول الله .

«آیه یکصد و دوازدهم»

امر بقبول نمودن او امر و نواهی خدا

استجبوا لربکم من قبل ان یاتی یوم لا مرد له من الله شوری آیه ۴۶

یعنی اوامر و نواهی خداوند را اجابت و قبول بکنید قبل از آنکه يك روزی بیاید که رد نخواهد شد از جانب خداوند .

و در این آیه امر با اجابت اوامر و نواهی خودش فرموده و جزای عمل و عدم عمل بآنها را در روز قیامت قرار داده و در انقال فرموده : استجیبوا لله و لرسوله
یعنی اجابت و اطاعت بکنید بفرمایشات خداوند و رسول او :

« آیه صد و سیزدهم »

امر به پیروی از شریعت محمدی (ص)

ثم جعلناك على شريعة من الامر فاتبعها ولا تتبع اهواء الذين لا يعلمون
جائیه آیه ۱۷ .

یعنی بعد از آنکه ترا پیغمبر نمودیم قرار دادیم ترا بر شریعت مخصوص از امر دین، پس تابع بشو بآن شریعت و تابع نشو بر رأیهای آنکسانیکه علم و یقین بر احکام دین ندارند .

و در این آیه امر فرموده بر تابع شدن بشریعت آنحضرت و اطاعت احکام دین او و نهی کرده از تابع بودن بر رأی آنکسی که علم با احکام اسلام ندارد از قرآن و از احادیث صحیحیه اهل قرآن .

« آیه صد و چهاردهم »

امر باطاعت خدا و رسول ((ص))

اطيعوا الله واطيعوا الرسول ولا تبطلوا الصلوة، الكرم سوره محمد آیه ۳۵
یعنی اطاعت بکنید بخداوند و بر پیغمبر او ، و اعمال صالحه خودتان را بعد از بجا آوردن و تمام کردن باطل و بدون اجر نکنید بامر تد شدن و کافر گردیدن بعد از ایمان خودتان .

و مثل اینست در بقره : لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی صدقات خود را از جهت منت گذاشتن و اذیت کردن بفقراء باطل و بی اجر نکنید .

و در این آیه امر باطاعت خداوند و پیغمبرش فرموده و نهی از باطل و ضایع کردن اعمال خیریه کرده که بعد از عمل خوب و بعد از دادن صدقه آن را ضایع نکن
 ﴿آیه صد و پانزدهم﴾

امر به تجسس در خبر فاسق

ان جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا ان تصيبوا قوماً بجهالة فتصبحوا على ما فعلتم
 نادمین حجرات آیه ۶

یعنی ای مومنین زمانیکه فاسقی خبر آورد بشما پس بزودی باور نکنید و آن خبر را صدق خیال ننمائید، و بلکه تفحص و تجسس بکنید از صدق و کذب بودن آن خبر، که مبدا بر قومی بسبب خبر فاسق باجهل و نادانی رنجی رسانید و اذیتی وارد آورید پس پشیمان برگردید و بعد از عمل بخبر فاسق اظهار ندامت بکنید.
 و در این آیه امر فرموده برجستجو کردن از صدق و کذب خبر های فاسق.

﴿آیه صد و شانزدهم﴾

امر باجتناب از بدگمانی و نهی از غیبت

اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا يغتب بعضكم بعضاً ایحب احدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً حجرات آیه ۱۲:

یعنی اجتناب بکنید از ظنون بسیار که مخالف با واقع میشود و بدرستی که بعضی ظنهای مردمان که با همدیگر میکنند گناه بزرگ است و مردم مؤمن باید از آنها اجتناب نمایند و زمانیکه بعضی ظنون گناه کبیره شد پس باید از جمیع ظنون اجتناب نمود، و از اعمال مردمان جستجو نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکنند و غیبت کسی بمنزله خوردن گوشت مرده او است آیا یکی از شما دوست میدارد که گوشت مرده برادر دین خود را بخورد؟! و غیبت کردن مثل آنست.

و در این آیه امر فرموده بر اجتناب کردن از ظن و گمان بد بردن بر مردمان و نهی کرده از تجسس نمودن کار دیگران و از غیبت ایشان.

« آیه صد و هفتم »

امر ببر گشت بسوی خدا واحکام او

فروا الى الله انى لكم منه نذير ميمن ذاريات آیه ۵۰

یعنی رجوع بکنید و بگریزید از معاصی و از مخالفت احکام بطرف خداوند و در جمیع افعال و اعمال باحکام خداوند رجوع نمایید و صلاح شما در اینست و بدرستی که من برای شما از جانب خداوند پیغمبرم آشکار، و من شما را از مخالفت احکام خداوندی می ترسانم، و در این آیه امر فرموده بر رجوع جمیع مردمان بطرف خداوندی واحکام او

« آیه صد و هفتم »

خلقت جن و انس برای شناسائی خدا میباشد

وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون ذاريات آیه ۵۵

یعنی خلق نکردم جن و انس را مگر برای عبادت کردن بعد از معرفت توحید و نبوت و امامت، که مخلوق بعد از معرفت صاحب تکلیف بشوند، و برای منافع دنیا و آخرت خودشان عبادت نمایند و فایده عبادت بخودشان بر گردد، و عبادت و اطاعت نیز با امر و نهی خدایتعالی میشود، و امر و نهی او بواسطه پیغمبر و وصی او میگردد، پس قبل از عبادت معرفت ایشان لازم است.

« آیه صد و نوزدهم »

امر باعرض از گسائی که از خدا و رسول و قرآن

اعراض کرده اند

فاعرض عن من تولي عن ذكرنا ولم يرد الا الحيوۃ الدنيا ذلك مبلفهم

من العلم نجم آیه ۳۰ و ۳۱

یعنی پس اعراض بکن و روگردان شو از آن کسی که اعراض نماید از ذکر ما که قرآن و یا فرمایشات حضرت پیغمبر است و اراده نکند مگر زندگانی دنیا را و این

دنیا فقط مراد ایشان است از علم آنها، و علمی که آنها تحصیل میکنند مقصود ایشان دنیا است.

پس باید از آنها اعراض نمود چنانکه آنها از قرآن و احکام آن اعراض کرده‌اند و آخرت را بدنیای عوض نموده‌اند.

«آیه صد و بیستم»

امر بآداب مجالس و احترام بیکدیگر

اذا قيل لكم قسحوا في المجالس فاقسحوا فإفسح الله لكم واذقيل انشروا فانشروا مجادلة آیه ۱۲.

یعنی ای مؤمنین زمانیکه بشما گفتند توسعه بدهید در مجالس خودتان و جایی مهیا بکنید برای همدیگر پس بقدر امکان توسعه نمائید خدای تعالی برای شما وسعت عطا میفرماید و زمانیکه گفته شد بر خیزید و متفرق شوید پس شما نیز بر خیزید:

«آیه صد و بیست و یکم»

امر بفرمان برداری از رسول اکرم

ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا حشر آیه ۷.

یعنی آنچه پیغمبر بشما امر فرموده پس اخذ بکنید بر امر او و از آنچه نهی کرده پس نهی او را قبول بکنید و از امر و نهی آنحضرت در احکام دین تجاوز نکنید

«آیه صد و بیست و دوم»

امر بیایا آخرت و خدا را فراموش نکردن

یاایهاالذین آمنوا اتقوا الله و اتنظروا نفس ما قدمت لعدو. تا آنکه فرموده:
ولا تكونوا كالذین نسواالله فأنسیهم انفسهم اولئك هم الفاسقون حشر آیه ۱۸ و ۱۹

یعنی ای مؤمنان پرهیز کاری بکنید بخداوند و البته هر شخص نظر بکند و بداند که از برای آخرت خودش چه عمل خیر آماده نموده؟ و نبوده باشید مثل آن

کسانیکه خداوند را فراموش کرده‌اند پس خداوند در جزای فراموش کردن آنها خداوند را، آنها را بمنزله فراموش شدگان قرار داد.

و در این آیه امر فرموده بر نظر نمودن و ملاحظه کردن هر شخص بر آنچه برای آخرت خودش عمل کرده و نپس فرموده از فراموش کردن احکام دین خداوند

«آیه صد و بیست و سیم»

امر بر امتحان اظهار کنندگان ایمان

اذا جاء کم المؤمنات مهاجرات فامتنوهن ممتحنه آیه ۱۰.

یعنی زمانیکه زنان مؤمنات آمدند بر نزد شما و اظهار ایمان کردند پس ایشان را امتحان بکنید و بمجرد اظهار ایمان از آنها قبول نکنید تا آنکه ایمان آنها در نزد شما ثابت شود.

و در این آیه امر بر امتحان اظهار کنندگان ایمان فرموده تا چه رسد بر اظهار عدالت و تا چه رسد بر اظهار علم و فضل و تا چه رسد بر اظهار اعلمیت و افضلیت. پس بنا بر صریح آیه همه این مراتب باید امتحان شوند و از مدعی اثبات لازم است و بدون اثبات ادعای چیزی قبول نیست و ادله امتحان کردن علماء را در رساله نجات الفرقه ذکر کرده‌ام رجوع باید کرد.

«آیه صد و بیست و چهارم»

امر بر اعانت و یاری دین خدا

یا ایها الذین آمنوا کونوا انصار الله صف آیه ۱۴.

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید بخداوند و بر پیغمبر او از جمله انصار دین خداوند باشید و بر دین خداوند و بر جریان احکام دین اسلام نصرت و اعانت بکنید و در این آیه امر فرموده بر اعانت و نصرت دین بر جمیع مؤمنین

«آیه صد و بیست و پنجم»

امر به نماز جمعه و وجوب طلب روزی

اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البتع

تا آنکه فرمود: فاذا قضيت الصلوة فانتشروا في الارض وابتغوا من فضل الله جمعه آیه ۹ و ۱۰.

یعنی روز جمعه و قتیکه ندا شد از برای نماز پس بشتایید بسوی ذکر خداوند که نماز جمعه و خطبه آن باشد و در همان وقت بیع و خرید و فروش را ترك بکنید و زمانیکه نماز جمعه انجام و اتمام یافت پس منتشر بشوید از برای طلب روزی در زمین و طلب روزی بکنید از فضل خداوند.

و در این آیه امر فرموده بر نماز جمعه چنانکه در سوره بقره ذکر شد و باز امر کرده بر ترك معاملات در آن وقت تا آنکه از نماز فارغ شوند و بعد از ادای نماز امر فرموده بطلب روزی در زمین از فلاح و زراعت و صناعت و تجارت.

و از این آیه وجوب طلب روزی مثل وجوب نماز معلوم میشود.

« آیه صدویست و ششم »

امر بحذر کردن از زن و فرزندیکه دشمن دین باشند

ان من ازواجکم و اولادکم عدواً لکم فاحذروهم تغابن آیه ۱۴

یعنی بدرستیکه از زنان و اولاد شما دشمن است برای شما پس از آنها - حذر بکنید که مبدا شما را بخلاف احکام دین اسلام و اداری نمایند و شما از جهت زنان و فرزندان خودتان بر خلاف شرع انور رفتار بکنید و از احکام دین و از حلال و حرام خداوند چشم پنهان کنید.

« آیه صدویست و هفتم »

باید طلاق در طهر از جماع باشد

اذا طلقتن النساء فطلقوهن لعدتهن و احصوا العدة و اتقوا الله ربکم لا تخرجنوهن من بیوتهن و لا یخرجن الا ان یاتین بفاحشة مبینة سوره طلاق آیه اول.

یعنی زمانیکه میخواهید بزنان طلاق بدهید پس طلاق بدهید بآنها در وقت طهر غیر وقایع آنها، و بعد از طلاق ضبط و احصاء بکنید ایام عدّه را که سه طهر باشد برای

صاحب عادت و یا سه ماه برای آنها که حیض ندارند چنانکه درسوره بقره ذکر شد و تقوی بکنید بخداوند از اضرار بزنان و بعد از طلاق آنها را از خانه بیرون نکنید و آنها نیز بیرون نروند چنانکه قبل از طلاق بود مگر آنکه آنها اذیت نمایند بر اهل خانه شوهرشان در این فرض آنها را بیرون میکنند .

و بعد از این فرمود : فاذا بلغن اجلهن : زمانیکه بآخر عده رسیدند پس شما یا آنها را نگه میدارید و رجوع میکنید اگر طلاق رجعی باشد و یا از آنها مفارقت میکنید بقاعده معروف ، و در طلاق دو نفر شاهد عادل اخذ بکنید و شهادت را از برای خداوند اقامه بکنید در طلاق و در غیر آن و این ترجمه آیه طلاق است .

«آیه صدویست و هشتم»

امر بارفاق و ترحم بر زنان مطلقه

اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم ولا تضاروهن لتضيقوا علیهن وان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن فان ارضعن لکم فاتوهن اجورهن واتمروا بینکم بمعروف طلاق آیه ۶

یعنی مسکن بدهید بر زنان سکنائی که خودتان در آن مسکن میکنید و آنها را اذیت نکنید تا آنکه بر آنها سخت بگیرید و از جهت سختی کردن بر آنها آن زنان را بیرون بکنید از منزل آنها، و اگر آن زنان طلاق گفته شده ها حامله باشند پس بر آنها انفاق بکنید تا بوقت وضع حمل آنها و اگر آنها بر اولاد شما شیر دادند پس اجرت آنها را بدهید و در شیر دادن آنها و در اجرت دادن شما به آنها بقرار معروف رفتار بکنید و شما کم ندهید و آنها زیاد تر اخذ نکنند .

و بعد از این قرار انفاق را بیان فرموده : لیفق ذو سعة من سعته ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما آتیه الله لا یكلف الله نفساً الا ما آتیها .

یعنی باید مردان بر زنان خودشان بقرار معروف انفاق نمایند و صاحب وسعت بقرار صاحبان وسعت انفاق بکند ، و شخص فقیر بقدر قدرت خودش انفاق نماید و خداوند تکلیف نمیکند بر کسی مگر بقدر آنچه عطا فرموده بر او از وسعت درغنی و قدرت در فقیر .

«آیه صد و بیست و نهم»

و جوب نگهداری خود و اهل خود را از آتش دوزخ

یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجارة

تحریم آیه ۶ .

یعنی ای مؤمنین حفظ بکنید خودتان و اهل و عیال خود را از داخل شدن
بآتش دوزخ چنان دوزخیکه در آن مردمان و سنگها میسوزد .

و در این آیه امر فرموده که مردمان خودشان را و اهل بیت خود را حفظ
نمایند از آتش دوزخ با بجا آوردن طاعات و با اجتناب کردن از معاصی و گناهان، زیرا
که حفظ نفس از دوزخ با این دو چیز میشود .

و از این آیه معلوم میشود وجوب حفظ و نگهداری کردن شخص اهل خود را
از محرمات و وادار کردن آنها را بر فعل طاعات و مثل این آیه در سوره بقره ذکر شد

«آیه صد و سی ام»

امر به توبه و پیشیمانی از اعمال زشت

یا ایها الذین آمنوا تو بوا الی الله توبه نصحاً عسی ربکم ان یکفر

عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار . تحریم آیه ۸ .

یعنی ای مؤمنین توبه بکنید بسوی خداوند از گنامان خودتان و رجوع نمائید
باحکام دین او یک توبه که نصیحت کننده است بشما که دیگر بمعصیت بر نگردید و
و آنچه کرده اید دیگر آن را ابدانکنید و توبه نصح اینست و اگر این نحو توبه نمودید
و دیگر باز گشت بمعصیت نگردید امید است که خداوند سیئات شما را عفو فرماید و
شمارا داخل بهشت بکند .

و در این آیه خداوند امر فرموده بمردمان که توبه بکنید و دیگر باز گشت
بمعاصی نکنید و در توبه نصح وعده مغفرت و دخول جنت داده .

امر بقرض الحسنه دادن و طلب آمرزش از خدا

و اقرضوا الله قرضاً حسناً تا آنکه فرمود: و استغفروا الله ان الله غفور رحيم . مزمل آیه ۲۰ .

یعنی بخداوند قرض بدهید از مال خودتان و مراد احسان کردن است بفقراء و ضعفاء زیرا که احسان بانها قرض بخداوند است که خداوند عوض عطا خواهد کرد در صورتیکه آن قرض بطریق حسن باشد یعنی اذیت و همت بر فقراء نکند و استغفار کنید از گناهان خودتان بخداوند و بدرستیکه خداوند غفور و رحیم کننده است .
و در این آیه امر فرموده بقرض دادن بخداوند و امر کرده بر استغفار نمودن از گناهان و آیات استغفار در سابق ذکر شد .

و در چند آیه قرض حسن را مدح کرده و در حدید است: و اقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعف لهم و لهم اجر کریم . و در تغابن: ان تقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعفه لکم و یغفر لکم .

«آیه صد و سی و دویم»

امر بطهارت لباس و نهی اضافه گرفتن از داده

و ثيابك فطهر و الارجز فاهجر ولا تمنن تستكثر مدثر - آیه ۴ تا ۶ .
یعنی لباس خود را از نجاسات پاک بکن و از اجناس و انجاس و کثافات دوری و اجتناب بکن و عطا مکن بکسیکه از او طمع زیاد تر داری از آنچه بر او دادی .
و در این آیه امر فرموده بر پاک کردن لباس و بدن از نجاسات و کثافات و از برای آن حدی قرار نداده و بلکه پاک کردن را بر عرف و عادت حواله فرموده .
و بعد از آن نهی کرده از دادن چیزی بکسی و طلب نمودن زیاد تر از او .

«آیه صد و سی و سیم»

وای بر حال بی نمازان و منکرین قیامت

و اذا قيل لهم ارکعوا لایرکعون * و یل یومئذ للمکذبین مرسلات آیه ۴۸ و ۴۹

یعنی زمانی که بآنها گفته میشود که نماز را بجا بیاورید و در نماز رکوع بکنید آنها نماز را بجا نمیآورند و رکوع نمیکنند و بیل باد بآنها که تکذیب میکنند روز قیامت را و چونکه اعتقاد بر روز جزا ندارند از این جهت نماز را بجا نمیآورند.

«آیه صد و سی و چهارم»

امر به زکوة و نماز عید فطر و قربان

قد افلح من تزكى و ذکر اسم ربه فصلی اعلی آیه ۱۴ و ۱۵ .
یعنی هر آینه راستگار گردید کسیکه زکوة فطره داد و اسم خداوند را یاد نمود و بعد از آن نماز دو عید را بجا آورد :

و این آیه در زکوة و نماز عید فطر و عید قربان است و خداوند وعده فلاح و رستگاری داده بر هر که این دو امر واجب را بجا آورد .

«آیه صد و سی و پنجم»

امر بطاعت و زکوة دادن و نهی از بخل

فاما من اعطى و اتقى و صدق بالحسنى فسنيسره لليسرى و اما من بخل و استغنى و كذب بالحسنى فسنيسره للعسرى سوره الليل آیه ۵ تا ۱۰ :
یعنی پس کسیکه طاعت بیاورد و یا زکوة بدهد و بر هیزکاری نماید و تصدیق بکند و وعده ثواب خداوند را پس خداوند بزودی میسر میکند برای او طریق عمل بر احکام اسلام را و اما کسیکه بخل نماید بر زکوة دادن و خود را غنی بداند از اطاعت و زکوة دادن و تکذیب بکند ثواب آخرت را پس بزودی خداوند میسر میکند برای او سختی و دشواری عبادت و اطاعت و دادن زکوة را، و طاعت و زکوة دادن برای او سخت میشود و در این آیه امر بطاعت و دادن زکوة فرموده و امر بر تصدیق و وعده ثواب در آخرت کرد، و نهی از بخل و غنی شدن از اطاعت و از تکذیب ثواب آخرت نموده، و وعده آسانی اطاعت و یا زکوة دادن فرموده .

چنانکه در عنکبوت است : و الذين جاهد و افينا لنهدينهم سبلنا : یعنی آنکسانیکه در راه دین ما جدّ و جهد میکنند البته مالیشان را بطرف خودمان هدایت

میکنیم و راه اطاعت را برای ایشان آسان و سهل میکنیم بر خلاف عکس این مطلب

«آیه صد و سی و ششم»

امر به تعقیبات نماز

فاذا فرغت فانصب والی ربك فارغب انشراح آیه ۸۷ و ۸۸ .

یعنی پس زمانیکه از نماز واجب خودت فارغ شدی پس خود را نصب بکن
بر تعقیب نمازها و دعاکردن بعد از نماز، و بسوی خداوند راغب بشو در تعقیبات
نمازهای خودت .

و در این آیه امر بر تعقیب نماز فرموده و در قرائت حضرات ائمه: فانصب
با کسر صاد است .

«آیه صد و سی و هفتم»

در پاناش اعمال نیک و بد

فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره ۱۰۰۰۰۰ ومن يعمل مثقال ذرة شرّاً یره . زلزال
آیه ۸ و ۹ .

یعنی هر که بقدر یک ذره عمل خیر بکند جزا و اجر و ثواب آنرا خواهد دید
و هر کس بمقدار یک ذره عمل شرّ بجا آورد جزای بد آن را خواهد دید .

و در این آیه خداوند خبر داده از جزای اعمال خیر و از عاقبت افعال شرّ و در
موعظه این آیه کافی است از برای هر که اعتقاد بمعاد و خداوند و رسالت حضرت پیغمبر
داشته باشد و زیاده بر این برای مرد مؤمن لازم نیست و امثال این آیه در قرآن مبین
بسیار است و اکتفاء شد در اینجا باین آیه شریفه که جامع مواعظ بالغه است .

و آیات اوامر در این آیه تمام شد و بعض آیات نواهی نیز در ضمن آیات اوامر ذکر
گردید بمناسبت اول آیه که امر بوده چنانکه بعض از آیات اوامر در ضمن آیات نواهی
مذکور خواهد شد بمناسبت اول آن که نهی بوده است و بسیار از آیات اوامر در نصف آخر
قرآن ذکر نگردید از جهت ذکر همان آیه و یا مضمون آن در آیات سابقه بر آن آیه

پس اگر کسی يك آیه امری و یانہی در بعض سورها و خصوصاً در نصف آخر ملاحظه نماید که ذکر نشده ، پس ایراد نکند و نگوید که چرا این آیه امر و یا نہی در این کتاب ذکر نشده ؟! زیرا کہ بنای احقر ذکر مکررات نبوده و در بعض موارد آیات را مکرراً ذکر کردم از جهت اول آیه و یا آخر آیه و یا از جهت اہتمام بمضمون آن آیه و این آخر کلام است از فصل اول این کتاب شریف موسوم بہ کتاب ایقان در اوامر و نواہی قرآن

الحمد لله كما هو اهله و مستحقه و صلى الله على محمد و آله
 اللهم اجعله خالصاً لوجهك الكريم

فصل دویم

در نواهی قرآن

«آیه اول»

نهی از فتنه و فساد در روی زمین

و اذا قيل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون بقره آیه ۱۰
یعنی زمانیکه بایشان گفته میشود که در زمین فساد نکنید آنها میگویند بدرستی که
ما اصلاح کننده هستیم و فساد کننده نیستیم .

و در این آیه خداوند از فساد کردن در بلاد و در بین عباد نهی فرموده .
و در سوره اعراف در دو مورد فرموده : لا تفسدوا فی الارض . و در سوره اسرائیل
تفسدن فی الارض مرتین . و در قتال : فهل عسیتم ان تفسدوا فی الارض .
و در این پنج مورد خداوند تعالی از فساد نمودن نهی صریح فرموده و معنای
فساد را همه کس میدانند و فساد کننده را هر شخص میشناسد و احتیاج بر بیان ندارد
و مصلح از مفسد معلوم است، و اکثر افساد کنندگان خودشان را مصلح میدانند چنانکه
در آیه اول گفتند .

«آیه دوم»

نهی از شرک بخدا و شبیه قرار دادن بر او

ولا تجعلوا لله اندادا و انتم تعلمون بقره آیه ۲۰

یعنی قرار ندهید از برای خداوند امثال و اشباه و چیزی را مثل خداوند عبادت
و اطاعت نکنید و حال آنکه شما میدانید که هیچکس و چیزی مثل خداوند نیست .

و در بنی اسرائیل در دو مورد : لا تجعل مع الله الهاً آخر . و در فصلت :
وتجعلون له انداداً . و در ذاریات . ولا تجعلوا مع الله الهاً آخر .

و در این چهار آیه خداوند نهی کرده از شریک قرار دادن بر او در اطاعت و عبادت

«آیه سیم»

نهی از فروش احکام الهی به مال دنیا

ولا تشتروا بآیاتی ثمناً قليلاً و ایای فاتقون بقره آیه ۳۹ .

یعنی آیات و علامات خداوند را در خصوص پیغمبر او و دین حق او نفروشید بر
نمن اندك ، و در این فروش برای من تقوی بکنید و پرهیزکاری نمائید .

و در مائده فرموده . ولا تشتروا بآیاتی ثمناً قليلاً و من لم يحكم بما انزل

الله فاو لئك هم الكافرون . و در نحل : ولا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً .

و مضمون این سه آیات شریفه اینست که آیات خداوند را و عهد او را بر ثمن

قلیل نخرید و مراد از ثمن قلیل تمام دنیا است .

چنانکه در سوره نساء فرموده : قل متاع الدنيا قليل . و در توبه : فما متاع

الحیوة الدنيا فی الاخرة الا قليل .

پس بنا بر صریح این آیات تمام دنیا را نباید مرد مؤمن در مقابل تغییر و تبدیل

يك حکم خداوند عوض بکند و بخرد .

«آیه چهارم»

نهی از خوش ظاهری و بد باطنی و گنجهان حقایق

ولا تلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق و انتم تعلمون بقره آیه ۳۹ .

یعنی خلط نکنید حق را بباطل و حکم حق را کتمان ننمائید و حال آنکه شما

حق را و باطل را میدانید و حق از باطل امتیاز یافته است .

و در آل عمران : لم تلبسوا الحق بالباطل و تکتّمون الحق و انتم تعلمون

و در این دو آیه از خلط کردن حق بباطل و از کتمان نمودن حکم حق و قول

و فعل حق نهی فرموده .

«آیه پنجم»

نهی از فساد و تجاوز از حد خود

ولا تعثوا فی الارض مفسدین بقره ذیل آیه ۵۷ .

یعنی از حد نکذرید در زمین در حالتیکه فساد کننده بوده باشید و ایضاً در اعراف و شعراء و هود و عنکبوت : لا تعثوا فی الارض مفسدین . پس در این پنج سوره از اعتداء و از حد خود گذشتن و فساد کردن نهی فرموده و تجاوز از حد خود را فساد قرار داده .

«آیه ششم»

نهی از بت پرستی و امر بنیگویی و گفتار خوب

واذاخذنا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله و باوالدین احساناً و ذی

القربی و الیتامی و المساکین و قولوا للناس حسناً . بقره آیه ۷۷

یعنی زمانیکه اخذ کردیم عهد را از بنی اسرائیل که عبادت نکنید مگر بخداوند و بر پدر و مادر خودتان احسان نمائید و دیگر صلۀ ارحام بکنید و بر ایتام و مساکین نیز احسان کنید و بمردمان سخن خوب بگوئید و برایشان بدنگوئید .
و در این آیه نهی فرموده از عبادت غیر خداوند و امر کرده بر احسان بر والدین و ارحام و ایتام و مساکین در وقت حاجت ایشان ، و سخن خوب گفتن بمردمان و نهی کرده از ضد اینها .

«آیه هفتم»

نهی از مرده گفتن بگشته شده گان در راه خدا

ولا تقواوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون

بقره آیه ۱۴۹ .

یعنی نگوئید بر کسانیکه در جهاد و در راه خیر کشته شده اند که ایشان مرده اند بلکه ایشان زنده اند و لکن شما نمیدانید و نباید بآن کسان مرده گفته شود و مثل سائر

مردمان ایشان را مرده فرض کرد، و بلکه زنده باید فرض نمود ایشان را، و یادآوری کرد همه وقت ایشان را.

«آیه هشتم»

نهی از خوردن میت‌ه و خون و گوشت خنزیر

انما حرم علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر و ما اهل به لغير الله

نقره آیه ۱۶۸.

یعنی بدستیکه خداوند حرام کرده بشما میت‌ه و خون و گوشت خوک را آنچه بغير اسم خداوند ذبح شده.

و در مائده نیز همین آیه ذکر شده با چند چیز دیگر که همه آنها میت‌ه است و ایضاً در نحل این آیه را ذکر فرموده بدون زیادت؛ پس همین چهار چیز را خداوند در این سه مورد حرام فرموده با چیزهای دیگر در مائده که راجع بر میت‌ه است.

«آیه نهم»

نهی از خوردن اموال مردم بباطل

و مالیات بحکام جور دادن

ولا تأکوا اموالکم بینکم بالباطل و تدواوا بها الی الحکام لتأکوا فریقاً

من اموال الناس بالاثم بقره آیه ۱۸۴.

یعنی نخورید اموال خودتان را در بین خود بطریق باطل و نیندازید اموال خود را بر حکام جور تا آنکه بطرق باطل مال مردمان را بخورید.

و در این آیه از خوردن مال مردمان با حکم حکام جور و با حیل‌ه ها نهی کرده و این آیه شامل است بر اموال صغار و کبار زیرا که اموال الناس. بر همه دلالت دارد

و در نساء فرموده: ولا تأکوا اموالهم الی اموالکم انه کان حو با کبیراً.

یعنی اموال ایتم را مثل مال خودتان نخورید و بدستیکه خوردن مال آنها گناه

بزرگ است.

و ایضاً در نساء: لا تأکوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن

تراض منکم . یعنی حلال شدن مال غیر منحصر است بر خرید و فروش و داد و ستد با رضای طرفین والا باطل است خوردن مال غیر باهر نحویکه باشد .

«آیه دهم»

نهی از قتال در ماههای حرام و بازداشتن

مردم را از اسلام

يسئلواك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدعن سبيل الله و كفر به والمسجد الحرام واخراج اهله منه اكبر عند الله و الفتنة اكبر من القتل بقره آیه ۲۱۴ .

یعنی سؤال خواهند کرد از تو از ماههای حرام که رجب و ذی القعدة و ذی الحجة و محرم است که قتال کردن در آنها چگونه است؟ بگو قتال در آنها گناه کبیره است و لکن باز داشتن مردمان از اسلام و کافر شدن بخداوند و بمسجد حرام و خارج کردن اهل آن از آن بزرگتر است در نزد خداوند از قتال نمودن در ماه حرام و این فتنهها بزرگتر است از قتل .

و در این آیه قتال در ماههای حرام را و بازداشتن مردمان را از اسلام و کفر بخداوند و بمسجد اعظم مکه و بیرون کردن اهل آن را حرام بزرگ فرموده .

و در توبه فرموده : منها اربعة حرم ذلك الدين القيم . یعنی چهار ماه از دوازده ماه حرام است قتال کردن در آنها و دین قویم همین است .

«آیه یازدهم»

مرتد کافر است و اعمالش باطل و ضایع میشود

ومن یرتد منکم عن دینه فهو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا

و فی الاخرة بقره ذیل آیه ۲۱۴ .

یعنی هر که از شما مرتد شود و از دین بیرون گردد پس بازگشت بدین خود نکند و بمیرد در حال کفرش، پس اعمال آنها حبط و ضایع میشود در دنیا و در آخرت

و از اعمال سابقه آنها فائده نخواهد شد.

و مثل این آیه است در مائده: یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه .
و از این دو آیه معلوم میشود که ممکن است بعض اشخاص صاحبان ایمان و
خوب عمل کنندگان مرتد بشوند و از دین اسلام بیرون روند، و بلکه این دو آیه
در خطاب باصحاب حضرت پیغمبر است و اگر از اصحاب آنحضرت مرتد نمیشدند یا
در زمان حیات پیغمبر (ص) و یا بعد از وفات او این خطاب بآنها نمیشد پس نیاید همه
اصحاب آنحضرت را باایمان خیال کرد و همه آنها را متدین و مؤمن دانست .

«آیه دوازدهم»

نهی از شرب خمر و قمار و اینکه ضرر آنها زیادتیر

از نفعشان است

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما

اکبیر من نفعهما بقره آیه ۲۱۶ .

یعنی سؤال میکنند از تو از خوردن مسکرات و از قمار و برد و باخت، بگودر
شرب مسکرات و در قمار بازی معصیت بزرگ است، و منافع خیالی از طرب و بدست
آوردن مال در قمار نیز هست، و لکن معصیت و مفسد آنها زیادتیر است از نفع آنها .
و مثل اینست در حرام کردن مسکرات و قمار آیه ۹۲ مائده: انما الخمر و
المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون .
یعنی بدستیکه مسکرات و قمار و آنچه ذبح شود بنام بتها و آنچه قسمت شود
بنام قدحها که یک نوع قمار بود در جاهلیت همه اینها رجس و زشت و قبیح است و
از عمل شیطان است پس باید از اینها اجتناب و دوری بکنید و بر نزدیک اینها نروید
تا آنکه شاید شما رستگار باشید .

و در آیه اول فرمود در مسکرات و قمار اثم کبیر است که گناه کبیره بوده

باشد، و دو باره فرمود: اثم آنها از نفع آنها بزرگتر است که مفسده باشد .

و در آیه دوم فرمود رجس است و بعد از آن از عمل شیطان است نه از عمل

انسان ، و بعد از آن فرمود: اجتناب و دوری بکنید از آنها که ابدأ بر نزدیک آنها نروید و این تأکیدات در اغلب معاصی وارد نشده و از آنها معلوم میشود که حرمت مسکرات اشد است از حرمت اکثر معصیتها و در احادیث بسیار نیز حرمت مسکرات را از اکثر معاصی زیاده‌تر فرموده و امّ الفساد و مفتاح الشرورش بیان فرموده اند .

وایضاً در مائده آیه ۹۳ فرموده : انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر والميسر و يصدكم عن ذكر الله وعن الصلوة فهل انتم منتهون یعنی بدستیکه شیطان و مردمان مثل شیاطین اراده میکنند بر اینکه عداوت و بغض و دشمنی باهمدیگر در میان شما بگذارد در شرب مسکرات و در قمار بازی و بسبب اینها در مجالس در بین شما ها عداوت بوده باشد و دیگر اینکه شما را بجهت مسکرات و قمار باز دارد از ذکر خداوند و از نماز که از ارکان دین است پس با وجود این مفسد در مسکرات و قمار آیا شما قبول نهی میکنید ؟ و با آنکه خودتان را مسلم میدانید ، و اطاعت نمیکنید و مرتکب این امر قبیح میشوید ؟
« آیه سیزدهم »

نهی از ازدواج بازن و مرد مشرک، تا ایمان نیاورن

و لاتنکحوا المشركات حتى يؤمنن و لاتنکحوا المشركین حتى يؤمنوا

بقره آیه ۲۲۰ :

یعنی نکاح نکنید زنان را که مشرک هستند و بخداوند شریک قرار میدهند و دیگر نیز زن ندهید به مردان مشرک و زن مسلمه را به مردان شریک قرار دهنده به خدا ندهید .

« آیه چهاردهم »

نهی از جماع با زنان حیض

و يسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا النساء في المحيض ولا تقربوهن

حتى يطهرن بقره آیه ۲۲۲ .

یعنی سؤال میکنند از تو از حال حیض زنان که با ایشان مباشرت چطور است؟ بگو حال حیض باعث اذیت نزدیک شونده است، پس دور بشوید از زنان در آن حال و مادامیکه آنها در حال حیض اند نزدیک آنها نروید و جماع نکنید تا آنکه پاک شوند از حیض.

و در این آیه نهی فرموده از جماع در وقت حیض، و در احادیث بسیار نیز بر حرام بودن آن حکم فرموده اند و یک دینار کفاره قرار داده اند.

«آیه بانزدم»

نهی از قسم یاد کردن بخدا در هر حال

ولا تجعلوا الله عرضة لایمانکم بقره آیه ۲۲۴.

یعنی در هر کاری و فعلی و قولی قسم یاد نکنید و خداوند را بمعرض قسم نیاورید و مادامی که قسم یاد کردن لازم باشد در محضر حاکم شرع قسم یاد بکنید.

«آیه شانزدهم»

نهی از کتمان نمودن زنان حمل و حیض

و پاکی خود را و مدت عده

والامطافات ینربصن بانفسهن ثلاثة قروء ولا یحل لهن ان یتکتمن ما خلق الله فی ارحامهن ان کن یومن بالله والیوم الاخر بقره آیه ۲۲۸.

یعنی زنانیکه بآنها طلاق داده شده باید مدت سه مرتبه طهر و پاک شدن از حیض صبر بکنند و عده نگهدارند و بعد از سه مرتبه پاکی عده آنها تمام میشود، و حلال نیست از برای آنها اینک کتمان و مخفی نمایند آنچه را که در ارحام آنها است از حمل و حیض و طهر هر گاه ایمان داشته باشند بخداوند و بروز قیامت.

و در این دو آیه کتمان کردن آنها را از حامله بودن و حیض و پاک شدن حرام فرموده و نهی از کتمان نموده و عده را سه طهر قرار داده از برای زنانیکه عادت بحیض دارند.

و اما زنانیکه حیض نمیشوند پس عدۀ آنها سه ماه است بعد از طلاق ایشان چنانکه در سوره طلاق آیه ۴ فرموده: **و اللاتی یئسن من المحیض من نساءکم ان ارتبتم فعدتهن ثلاثه اشهر و اللاتی لم یحضن و اولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن .**

یعنی زنانیکه حیض نمی بینند هر گاه شك و یاظن دارید در آنها که آیا عدم حیض آنها از جهت یائسه بودن آنها و یا از جهت بسته شدن حیض آنها است پس در این وقت عدۀ طلاق آنها سه ماه است و زنانیکه حیض نمیشوند و حامله هستند عدۀ آنها بعد از طلاق وضع حمل است .

و اما زنانیکه شوهر آنها بمیرد پس عدۀ آنها چهار ماه و ده روز است (در صورت عدم حمل، و در صورت حامله بودن ابعداجلین است) چنانکه در بقره آیه ۲۳۴ فرموده: **والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً یتربصن بانفسهن اربعه اشهر و عشره .**
«آیه مفهم»

حرمت ندادن مهریه زنان یا کم تر از مبلغ معینۀ دادن

ولا یحل لکم ان تاخذوا مما آتیتموهن شیئاً . و تا آنکه فرمود: تلك حدود الله فلا تعدوها . بقره آیه ۲۲۹

یعنی حلال نیست بشما اینکه اخذ بکنید يك چیزی از مهر زنان را و حرام است ندادن مهر برای آنها و حبس مهر را و هر چندی که جزئی باشد .
در این آیه و در احادیث بسیار ندادن مهریه زنان را حرام فرموده و از کبائر گناهان قرار داده و بعد از این فرمود: اینها که ذکر شد حدود خداوند است پس تجاوز نکنید از اینها .

و در این آیه نهی فرموده از اخذ چیزی از مهر زنان و از ندادن آن، و نهی نموده از تجاوز کردن از حدود خودش که در میان مردان و زنان و بلکه در بین مردمان قرار فرموده .

«آیه هیجدهم»

حرمت تزویج زن سه طلاق قبل از گرفتن محلل

فان طلقها فلا تحل له من بعد حتی تنكح زوجاً غیره بقره آیه ۲۳۰

یعنی هر گاه مرد بزنی خودش سه مرتبه طلاق بدهد، پس آن زن بر او حلال نمیشود بعد از طلاق سیم تا آنکه آن زن بمرد دیگر تزویج بکند و بعد از طلاق همان مرد، دیگر باز آن زن بشوهر اول خود حلال میشود.

«آیه نوزدهم»

نهی از نگهداری زنان مطلقه جهت ایذاء و اذیت آنها

واذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف او سر حوهن بمعروف ولا تمسكوهن ضراراً لتعتدوا ومن يفعل ذلك فقد ظلم نفسه ولا تتخذوا آیات الله هزواً بقره آیه ۲۳۱.

یعنی زمانی که طلاق دادید بزنان خودتان پس عده آنها تمام شد پس یا آنها را بقرار معروف مجدداً عقد بکنید و نگهدارید و یا آنکه آنها را بقرار معروف رها نمائید، و هر کس آنها را بجهت ضرر زدن بآنها نگه بدارد، پس او ظلم کرده بر نفس خودش از جهت اینکه ضرر زدن بآنها ظلم بر نفس خودش است زیرا که جزای اضرار بر غیر بر نفس خود شخص عاید است، و اخذ نکنید آیات خداوند را استهزاء که جزای عمل هر که را خواهد داد.

«آیه بیستم»

نهی از بازداشتن زنان مطلقه از ازدواج

باشوهر قبلی خود

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فلا تعضلوهن ان ینكحن ازواجهن اذا

تراضوا بینهم بقره آیه ۲۳۲.

یعنی زمانی که طلاق دادید بزنان خود پس عده آنها تمام شد پس منع نکنید آنها را بعد از طلاق اول و دویم اینکه باز بشوهر اول خودشان تزویج بکنند زمانی که در میان زن و شوهر رضایت حاصل شود بقرار معروف در بین زوج و زوجه.

و در این آیه نهی فرموده بر اولیاء زنان که آنها را از شوهر اول آنها منع نکنند، در وقتیکه خود زنان مایل باشند بشوهران خودشان.

«آیه بیست و یکم»

نهی از ضرر زدن زوجین بیکدیگر و تکلیف زیاد.

از حد بر اولاد

و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکف نفس الا وسعها
لاتضار والدة بولدها ولا مولود له بولده و علی الارث مثل ذلک •
بقره آیه ۲۳۳ .

یعنی واجب است بر پدر ولد در صورتیکه بر اولاد او زنان مطلقات شیر بدهند نفقه و کسوه آنها بقرار معروف در میان اهل عرف، و تکلیف کرده نمیشود هیچکس در دادن نفقه و کسوه مگر بقدر وسعت خودش، و ضرر نرساند مادر ولد بشوهر خود بسبب ولدش، که از جهت عناد بر شوهر بولدش شیر ندهد، و اجرت زیادتر بخواهد، و ضرر نرساند پدر ولد بر زوجه اش بسبب ولدش که ولد را از مادرش بگیرد و بدیگری بدهد در صورتیکه مادر بقدر دیگری اجرت نخواهد و بر وارث پدر نیز واجب است مثل آنچه بر پدر ولد واجب بود از نفقه و کسوه زنان شیر دهندگان .

پس در این آیه نهی فرموده از تکلیف کردن پدر اولاد خودش را بر زیادتر از وسعت او، و از ضرر رساندن زنان بشوهران خودشان، و از ضرر زدن شوهر بزن خود و همچنین وارث شوهر زن .

«آیه بیست و دوم»

نهی از وعده ازدواج دادن بزنان مطلقه

مادامی که در عده میباشند مگر شوهر اولیه

ولکن لاتواعدوهن سرا الا ان تقولوا قولا معروفاً ولا تعزموا عقدة
الکاح حتی يبلغ الكتاب اجله واعلموا ان الله يعلم ما فی انفسکم فاحذروه
بقره آیه ۲۳۵ و ۲۳۶ .

یعنی زنان مطلقات را که در عده هستند غیر شوهران آنها وعده تزویج ندهند در خلوت، مگر آنکه بآن زنان سخن معروف بگویند و تعریض بکنند و آشکارا وعده تزویج ندهند، وعزم نکنید بعقد نکاح تا آنکه برسد مدت عده باخراش و مادامیکه عده آنها منقضی نشود آنها را عقد نکنید و وعده تزویج بآنها ندهید و بدانید بددرستی که خداوند میداند آنچه را که در نفس شماست از وعده کردن تزویج بزنان مردمان در اثناء عده ایشان، پس حذر بکنید از وعده مخفی نمودن بآن زنان و از عزم کردن بعقد آنها در اثناء عده.

«آیه بیست و سیم»

نهی از منت نهادن و اذیت کردن به گیرنده صدقات

یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالامن والاذی بقره آیه ۲۶۶ .
یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید باطل نکنید صدقه های خود را و احسانات را بامنت نهادن بفقراء و اذیت نمودن بضعفاء که منت و اذیت ثواب صدقه را باطل میکند
«آیه بیست چهارم»

نهی از دادن چیزهای بد را در راه خدا

و لا تیمموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه الا ان تغمضوا فیه . بقره
آیه ۲۶۹ .

یعنی اشیاء بد و زشت را قصد نکنید که از آنها زکوة خود را ادا بکنید و حال آنکه خودتان چیزی زشت را در عوض طلب خود قبول نمیکنید مگر آنکه چشم بپوشید پس شما نیز چیزی بد را در راه خداوند صرف نکنید .

«آیه بیست و پنجم»

حرمت ربا و مذمت رباخوار و ایننگه

رباخورنده دشمن خدا و رسول است

الذین یاکلون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من

المس ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل الربوا واحل البيع و حرم الربوا فمن
جائه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف وامره الى الله ومن عاد فاولئك اصحاب
النار هم فيها خالدون بقره آیه ۲۷۶ .

یعنی آنکسانیکه ربا میخورند از قبر بیرون نمیشوند مگر مثل کسانیکه شیطان
او را مس کرده و مخبط نموده از جهت اینکه آنها گفتند بیع هم مثل ربا است رحال
آنکه خداوند بیع را حلال کرده و ربا را حرام نموده، پس کسیکه بر او برسد منع
خداوند از ربا خوردن پس او قبول نهی میکند و توبه نماید از خوردن آن پس آنچه
گذشته برای او است و امر او راجع است بسوی خداوند، و هر که عود بکند بخوردن
ربا بعد از دانستن حرمت آن را در شرع انور، پس آنکسان اصحاب دوزخ هستند و
آنها در دوزخ همیشگی میباشند .

و در این آیه حرمت ربا را با الفاظ متعدده بیان فرموده و ربا خوردگان را
ممسوس شیطان قرار داده در روز قیامت، و توبه آنها را بشرط درست بودن توبه قبول
کرده و عود کنندگانرا در دوزخ مخلد نموده .

وایضاً در بقره آیه ۲۷۷ میفرماید **يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ**
لَا يُحِبُّ كُلَّ كَافِرٍ أَتِيمٍ .

یعنی محو میکند و برکت ربا خوردگان را بر میدارد خداوند و ثواب صدقات
را از واجب و غیر واجب زیاد تر مینماید و خداوند دوست نمیدارد اصرار کنندگان را
بر حرام که ربا باشد و معصیت کاران را .

و ایضاً در بقره آیه ۲۷۸ میفرماید : **وَذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ**
فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ .

یعنی ترك بکنید آنچه از ربا باقی مانده و مطالبه آن را نکنید بعد از این ،
هر گاه شما ایمان داشته باشید و اگر ترك نکنید ربا را اعلان جنگ بدهید بخداوند
و بر پیغمبر او و حاضر بشوید بر جنگ خداوند و رسول او .

پس از این آیه معلوم میشود که ربا خوردن و اخذ نمودن آن از اشدّ محرّمات
است و مثل جنگ کردن است با خداوند و پیغمبر او .

و در آل عمران آیه ۱۲۵ فرموده . لا تأکلوا الرِّبوا الضعفاء، ضاعفة و اتقوا الله لعلمکم تغلحون .

یعنی نخورید ربا را چند مقابل اصل مال خود و پرهیز کاری بکنید بخداوند شاید که شما رستگار باشید .

و در نساء آیه ۱۵۹ فرموده : و اخذهم الربوا و قد نهوا عنه . و اخذ کردن آنها را و حال آنکه نهی شده بودند از ربا اخذ کردن .

پس در این آیات شریفه چه قدر نهی و زجر و منع از ربا خوردن و اخذ آن فرموده که در اغلب مجرّمات نفروده .

واما معنای ربا که لفظ عربی است پس عبارت است از اخذ نمودن زیادتر از آنچه داده در مقابل مدت و مهلت یعنی زیاده را از جهت مهلت بگیرد مثل اینکه يك من گندم و يك قران بدهد و یکماه مهلت بدهد و در مقابل مدت مهلت یکمن و چیزی و یکقران و چیزی اخذ کند و آن چیز زیاد از گندم و غیر آن از جهت مهلت دادن به مدیون گردد و احقر این مسئله را در کتاب اساس الاسلام ذکر کرده با احادیث بسیار .

«آیه بیست و ششم»

نهی از اذیت کردن نویسنده و شاهد دین

ولا یضار کاتب لاشه ید و ان تعاووا فانه فسوق بکم و اتقوا الله . بقره ذیل

آیه ۲۸۲ .

یعنی نباید کاتب دین و قرض را و نباید شاهد بحق را ضرر برسانند و برایشان از جهت کتابت و شاهد شدن اذیت و ضرر وارد نمایند پس بدرستی که این ضرر بر ایشان فسق است و بشما لاحق است و یا آن که کاتب و شاهد ضرر بمردمان نرسانند از جهت زیاد و کم کردن در کتابت و شهادت و اگر این طور بکنند پس آن فسق کردن است بشما و تقوی بکنید در این کار .

«آیه بیست و هفتم»

وجوب ادای شهادت و نهی از کتمان آن

و لاتکنموا الشهادة و من یکنمها فانه آثم قلبه و الله بما تعملون علیم

بقره آیه ۲۸۳ .

یعنی شهادت خودتان را کتمان نکنید و هر که کتمان کند و باز دارد شهادت خود را با قدرت او بر ادای شهادت پس کتمان او از گناه قلب او است ، و گناه قلب از گناه جوارح و اعضاء بدتر است و خداوند بر آنچه عمل میکنید عالمتر است که جزاء خواهد داد .

و در طلاق فرموده : و اقيموا الشهادة لله : و در مائده : و لاتکنتم شهادة الله و در بقره : و من اظلم ممن کتم شهادة . و ايضاً : و تکتُمون الحق و انتم تعلمون . و ايضاً : و الله مخرج ما کتم تکتُمون . و اعلم ما تبدون و ما کتمت تکتُمون . و در انبياء : و يعلم ما تکتُمون . و در مائده و نور : و الله يعلم ما تبدون و ما تکتُمون . و در آل عمران : و تکتُمون الحق و انتم تعلمون . و ايضاً : لتبيننه للناس و ما تکتُمون . و در این آیات شریفه چه قدر اهتمام در خصوص شهادت فرموده و شهادت را لله و شهادة الله قرار داده است و کتمان کننده آن را او کتمان حق فرموده .

پس بصريح آیات سابقه ادای شهادت بعد از شاهد شدن واجب و کتمان آن حرام است و سبب ضایع شدن حقوق مسلمانان و باعث شیوع ظلم و عدوان است .

«آیه بیست و هشتم»

نهی از دوستی با دشمنان خدا و رسول

لايتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين و من يفعل ذلك

فليس من الله في شئى الا ان تتقوا منهم تقية آل عمران آیه ۲۷ .

یعنی مؤمنان اخذ نکنند کافران را دوست خودشان در عوض دوست اخذ کردن مؤمنین ، و اگر دوست اخذ میکنند باید دوست گرفتن ایشان از خودشان باشد نه از

کافران و هر که این کار را بکنند پس از دوستی خداوند خارج است مگر آنکه دوست بودن شما با کفار بحسب ظاهر از جهت تقیه باشد که در این فرض عیب ندارد و اما بغیر از تقیه پس جایز نیست .

و در آیات بسیار از دوست اخذ کردن کفار نهی فرموده و در نساء :
 لاتتخذوا الکافرین اولیاء . و در مائده : لاتتخذوا الیهود والنصارى اولیاء .
 و ایضاً : لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً . و در توبه : لاتتخذوا آبائکم
 و اخوانکم اولیاء . و در ممتحنه : لاتتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء . و در آل
 عمران : لاتتخذوا بطانۃ من دونکم . و در نساء : فللاتتخذوا منهم اولیاء . و ایضاً .
 ولا تتخذوا منهم ولیاً . و در نساء : الذین یتخذون الکافرین اولیاء . و ایضاً :
 و من یتخذ الشیطان ولیاً من دون الله . و در بقره : و من الناس من یتخذ من
 دون الله انداداً . و در ممتحنه : لاتتولوا قوماً غضب الله علیهم . و در مجادله
 لاتجد قوماً یؤمنون بالله والیوم الاخر یوادون من حاد الله ورسوله و لو کانوا
 آبائهم او ابنائهم او اخوانهم .

و در این آیات خداوند نهی نموده از دوست گرفتن کفار و امر فرموده بر
 بر تبری کردن از ایشان و تبری یکی از ارکان دین اسلام است و ضد آن ازاهم
 واجبات دین است .

«آیه بیست و نهم»

نهی از تصدیق و باور کردن قول غیر مسلمان

ولا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم قل ان الهدی هدی الله ان یوتی احد

مثل او یتیم آل عمران آیه ۶۶ .

یعنی تصدیق و باور نکنید مگر بآنکس که تابع شود بر دین شما، بگو بمردمان
 بدرستی که دین و هدایت از خداوند است و هر که ادعای دینداری بکند باید هدایت
 و دین از جانب خداوند با معجزه و علامات بیاورد و بدون بیّنۀ واضحۀ دین آوردن
 و تصدیق یک دین کردن غلط است و باور نکنید که احدی از مردمان مثل دین شما و

احکام اسلام دین و احکام داشته باشد چه در سابق و چه بعد از این و دین شما مسلمانان از همه ادیان خوب تر و مرغوب تر است و بقول هیچ کس از اهل ادیان تصدیق نکنید و تصدیق شما بقول کسی باشد که در دین شما باشد .

و در این آیه خداوند نهی فرموده از تصدیق کردن غیر اهل اسلام و باور نمودن بقول غیر خودشان پس نباید مسلم بقول غیر مسلمانان باور بکنند و بسخن آنها اعتبار بگذارند زیرا که بصریح این آیه هیچکس از گذشتگان و آیندگان مثل شریعت اسلام را ندارد و دین اسلام از جانب خداوند و با هدایت او ظاهر گشته .

«آیه سی ام»

نهی از تفرقه و اختلاف با داشتن قرآن و پیغمبر ((ص))

ولا تكونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم الیینات و اولئک

لهم عذاب عظیم آل عمران آیه ۱۰۱ .

یعنی ای مسلمانان نبوده باشید مثل آنکسانیکه فرقه فرقه شدند و اختلاف کردند بعد از آنکه آیات و اضحات برای ایشان آمد و باوجود آنها بنای اختلاف در دین گذاشتند و از برای آنها است عذاب بزرگ و شدید تر زیرا که با بودن علامات حقه باز اختلاف کردند و رأی خودشان را دین اخذ کردند .

«آیه سی و یکم»

نهی از سستی و اندوه مسلمین در امورات دین

ولا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الا علون ان کتتم مؤمنین . آل عمران آیه ۱۳۳

یعنی در جهاد و در سائر امورات دینی سستی نکنید و مجزون نشوید و حال آنکه شما ملت اسلام در راه حق هستید و اهل سائر ادیان و دشمنان اسلام در راه باطلند و کسیکه در حق باشد و ضد او در باطل هرگز در او سستی نمیشود و مجزون نمیگردد هر گاه شما مؤمن بوده باشید .

و در این آیه از سستی کردن مسلمین در امور دین خودشان نهی فرموده و از

محزون شدن ایشان منع نموده از جهت اینکه دلایل دین اسلام بالا ترین دلایلها است و دین ایشان خوبترین دینها است .

و ایضاً در قتال : **فلا تهنوا و تدعوا الی السلم . و در نساء : و لا تهنوا فی ابتغاء القوم .** و در این دو آیه نیز از سستی کردن نهی کرده .
«آیه سی و دویم»

نهی از ارتداد بعد از رسول اکرم ((ص))

أفان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من یقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئاً آل عمران ۱۳۳ .

یعنی آیا هر گاه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بمیرد یا شهید شود شما اصحاب او و شما جماعت مسلمین از دین اسلام بر میگردید .

نه همچنین نشوید و بعد از او از دین بیرون نروید و هر که بعد از او از دین بیرون شود پس هرگز بخداوند ضرر نمیکند زیرا که این دین از جهت نفع شما است و از برای آسایش و آسودگی مردمان است نه از برای نفع خداوند است که بر او ضرر وارد شود .

و ایضاً در بقره آیه ۱۳۸ فرموده : **لیعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه** یعنی تا آنکه دانسته شود که کدام کس تابع پیغمبر ما میشود تا با آخر عمرش و کدام یکی بر میگردد از دین او .

پس از این دو آیه معلوم میشود که بعضی از اصحاب آنحضرت بعد از او از دین بیرون شدند و مرتد گردیدند چنانکه سابقاً در آیه بقره در ارتداد ذکر شد پس استبعاد ندارد مرتد شدن بعض آنها بعد از او .

«آیه سی و سیم»

نهی از اطاعت و متابعت کفار

یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا الذین کفروا یرد و کم علی اعقابکم فتنقلبوا

خاسرین . آل عمران آیه ۱۴۲

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید هر گاه مطیع شوید بر کفار بر میگردانند

شما را بر عقب سر و شما را مثل خودشان کافر میکنند پس برمیگردید شما نیز خاسر و زیانکار میشوید .

و در این آیه خداوند نهی فرموده از مطیع شدن بر کفار و از باور کردن بقول آنها و در آیات بسیار پیغمبر خودش را از مطیع بودن بر کافران نهی کرده و در سوره انعام : وان تطع اکثر من فی الارض یضلوك . و در فرقان : فلا تطع الکافرین . و در نون ، فلا تطع المکذبین . و در کهف : و لا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و در احزاب : و لا تطع الکافرین . و در نون : و لا تطع کل حلاف مهین . و در انسان : و لا تطع منهم آثما او کفورا . و در شعراء : و لا تطیعوا امر المسرفین . و در آل عمران ان تطیعوا فریقاً من الذین او توا الکتاب یرد و کم بعد ایمانکم کافرین .

یعنی هر گاه اطاعت بکنید و مطیع شوید بفرقه از اهل کتاب پس شما را رد میکنند بعد از ایمان شما را کافر میکنند .

پس از این آیات معلوم شد که مطیع شدن بر کفار حرام و نتیجه آن خروج از دین و برون کردن مسلمانان است از دین اسلام پس نباید بر کفار مطیع شد که خسارت دنیا نیز دارد .

«آیه سی و چهارم»

حرمت نهی مجاهدین فی سبیل اللہ از جهان

یا ایها الذین آمنوا لا تکونوا کالذین کفروا و قالوا لا خوا نهم اذا ضربوا فی الارض او کانو غزی لو کانوا عندنا ما تواتوا و ما قتلوا آل عمران آیه ۱۵۰ :

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید مثل کفار نشوید که گفتند بر برادران خودشان از مسلمانان جهاد کننده گان که آن مسافران بجهاد روندگان اگر در نزد ما بودند و بجهاد نمیرفتند پس ایشان نمی مردند و در جهاد مقتول نمیشدند پس شما مسلمین مثل آن کافران نباشید و بجهاد روندگان نگوئید که آنها اگر نمیرفتند کشته نمیشدند و مثل ما زنده میماندند .

و بعد از این آیه میفرماید و اللہ یحیی و یمیت یعنی موت و حیات در سفر

و حضر در ید قدرت خداوند است، که بسا اشخاص جهاد کننده و مسافر زنده میمانند و بسا از مردمان حاضر در خانه خودش فوت میشود، پس علت مردن جهاد کردن نیست و جهاد نرفتن باعث زنده ماندن نخواهد گشت .

و ایضاً در آل عمران آیه ۱۶۲ میفرماید: **الذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لواء طاعونا ما قتلوا قل فادروا عن انفسکم الموت ان کتمتم صادقین .**
یعنی کسانی که کافر و منافقند و بجهاد نرفتند گفتند اگر بجهاد روندگان بما اطاعت میکردند مقتول نمیشدند، بگو در جواب آنها: پس دفع کنید از نفس خودتان مرگ را اگر شما راست میگوئید .

و بعد از این میفرماید گمان نکنید آنها را که در جهاد کشته شده اند که ایشان مرده اند و بلکه آنها زنده اند و در نزد خداوند روزی میخورند و شادند بر آنچه خداوند برایشان عطا فرموده از فضل خودش، و بلکه ایشان بشارت میدهند بازبان حال بآن کسانی که بآنها لاحق نشده اند که از برای کشته شده گان در جهاد و در راه خداوند بعد از مردن خوفی و حزنی نخواهد شد، پس نباید کسی بجهاد روندگان متعرض شود که حرام است
«آیه سی و پنجم»

نهی از خیانت در بیت المال مسلمین

ومن یغلل یأت بما غل يوم القيمة ثم توفی کل نفس ما کسبت وهم لایظلمون .

آل عمران آیه ۱۵۵ :

یعنی هر که خیانت بکند بر بیت المال مسلمین میآید آن خیانت کننده در روز قیامت با آنچه خیانت کرده و آن مال در گردن او میشود و بجزای خیانت میرسد و بعد از حساب کشیدن از خائن بیت المال هر نفس وفا شده میشود و جزا داده میگردد بر آنچه کسب کرده و هیچکس مظلوم نمیشود در آن روز و همه مردمان بجزای اعمال خودشان میرسند چه خیر باشد و یا شر .

و در این آیه مراد از یغلل خیانت بر بیت المال است و در کتب لغت نیز این نحو گفته اند و خیانت بیت المال از زکوة و خمس و مال امام و رد مظالم و ارت

کسیکه ورثه ندارد، و موقوفات عامه، و نذر حضرات ائمه علیهم السلام در اغلب اوقات از ملا نمایان و از آخوند های بدون تدین واقع میشود و عوام الناس از این خیانت خانمان سوز در اکثر بلاد محفوظند و این وجوهات را عالم نمایان از دست مردمان اخذ میکنند و در محل غیر مناسب صرف مینمایند و بلکه در فضولات معاش خودشان خرج میکنند العیاذ بالله از این معصیت کبیره و از این اشتغال ذمه بعموم فقراء و ضعفاء سادات .

«آیه سی و ششم»

نهی از بخل نمودن خصوصاً در دادن زکوة

ولا یحسبن الذین یبخلون بما آتیهم الله من فضله هو خیر لهم بل هو شر لهم

سیطوقون ما بخلوا به یوم القيمة آل عمران آیه ۱۷۵

یعنی البته گمان نکنند آنکسانیکه بخل میکنند در آنچه خداوند از فضل خودش بآنها عطا فرموده و زکوة آن را نمیدهند اینکه این بخلت بزکوة برای آنها خوب است که مال آنها زیادتیر میشود، نه و بلکه زکوة ندادن برای آنها شرّ است و زود میشود در قیامت که آن مال را و وبال آنرا برگردن آنها طوق میکنند و عذاب آنرا بآنها میچشانند .

و در چند آیه بخل کردن بزکوة را مذمت کرده و در قتال: فممنکم من یبخل و من یبخل فانما یبخل عن نفسه . و در نساء و حدید: الذین یبخلون و یامرون الناس بالبخل . و در این سه آیه در چهار سوره مراد از بخل حبس زکوة و ندادن آنست و عذاب آن در این آیه معین است .

«آیه سی و هفتم»

نهی از دوست داشتن اینکجه او را بستایند و مدح کنند

و لا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا و یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب الیم آل عمران آیه ۱۸۵ .

یعنی البته گمان نکن آن کسانی را که شاد میشوند بسبب آنچه کتمان میکنند حق را و باطل را بصورت حق در میآوردند و دوست میدارند که مردمان آنها را مدح نمایند بر آنچه نکرده‌اند، پس البته گمان مکن آنها را نجات یافته از عذاب و از برای آنها عذاب درد ناک است. و در این آیه خداوند از ریا کردن و از عزیز بدون جهت شدن نهی کرده و از برای آنها عذاب الیم قرار داده و پیغمبر خودش را نهی کرده از گمان اینکه برای آنها نجات باشد و مراد همهٔ مردمان است.

«آیه سی و هشتم»

نهی از مغرور شدن و فریب کفار خوردن

لا یغفرنک قلب الذین کفروا فی البلاد متاع قلیل ثم ماویهم جهنم و بس المهاد
آل عمران آیه ۱۹۶ :

یعنی مغرور نکنند شما را قلب و خوش گذرانی کردن کافران در بلدان و این قلب و آسایش و خوشگذرانی کافران متاع اندک و کم است در دنیا و بعد از این دنیا محل آنها دوزخ و جای بد است برای آنها در آخرت و آنها بجزای افعال بد خودشان خواهند رسید که بمردمان ظلم میکنند و اموال ضعیفان را غصب مینمایند و بفقره اذیت میکنند و جزای این اعمال را خواهند دید و در مؤمن : فلا یغفرنک قلبهم فی البلاد .
و چنانکه در این دو آیه نهی فرموده از مغرور شدن بر کافران و فریب خوردن از ظالمان ، همچنین نهی کرده از مغرور شدن بر شیاطین جن و انسان و در لقمان و ملائکه : ولا یغفرنکم بالله الغرور . یعنی البته شما را فریب ندهد شیطان و شیطان صفتان و از حکم خداوند شمارا بیرون نکند بمغرور کردن و فریب دادن .

«آیه سی و نهم»

حرمت خوردن اموال یتام و تبدیل بنامر خوب نمودن

و آوالیتامی اموالهم ولا تبدلوا الخیث بالطیب ولا تأکوا اموالهم
الی اموالکم انه کان حوباً کبیراً سوره نساء آیه ۲ .

یعنی اموال یتیمان را بخودشان رد بکنید در صورتیکه آنها رشید باشند چنانکه در آیه دیگر است: فان آنتم منهم رشدآ فادفعوا اليهم اموالهم . و تبدیل نکنید حلال اموال آنها را بحرام اموال خودتان که اموال خوب و مرغوب یتیمان را بردارید و مال غیر مرغوب خود را در عوض آن بگذارید زیرا که مال خوب و وقتیکه حرام شد پس خبیث میشود و مال غیر مرغوب حلال طیب است و مال آنها را نخورید با مال خودتان بدرستی که خوردن مال آنها گناه بزرگ است .

و در این آیه نهی فرموده از خوردن و بردن مال یتیم و از تبدیل مال او بمال دیگر که غیر مرغوب باشد .

و در آیه دیگر در نساء: ان الذین یا کلون اموال الیتامی ظلماً انما یا کلون فی بطونهم نارآ . که هر که مال یتیم را بخورد مثل اینست که آتش خورده و در انعام و بنی اسرائیل: لا تقربوا مال الیتیم الا بائتی هی احسن . که نزدیک نشوید بمال یتیم مگر بطریق خوبتر از حفظ آن و زیاده کردن بازراعت و تجارت و غیر از اینها .

«آیه جهلم»

نهی از دادن اموال سفیهان را بخودشان

تا وقتی که دانا شوند

و لا تقوتوا السفهاء اموالکم الی جعل الله لکم قیامآ و ارزقوهم فیها و اکسوهم و قولوا لهم قولا معروفاً . نساء آیه ۴

یعنی اموال سفیهان را که مثل مال خودتان است بآنها ندهید همچنان اموال که قوام و گذران شما و آنها بآن اموال است و فقط نفقه و کسوه آنها را از اموال آنها بدهید و بآنها سخن با قاعده و معروف بگوئید و در بعض احادیث مراد از سفیهان در این آیه ایتام است .

و بعد از این میفرماید امتحان بکنید ایتام را تا آنکه زمانیکه بحد بلوغ رسیدند پس هر گاه ایشان رشید شدند پس مال آنها را بخودشان بدهید و نخورید مال آنها را در حال اسراف و مبادرت نکنید بخوردن قبل از کبیر شدن ایشان و کسیکه مباشر اموال سفیهان و ایتام باشد و در حفظ اموال آنها جدیت بکند در این فرض اگر غنی

بوده باشد البته خود را نگهدارد از اخذ اجرت و اگر فقیر است پس بقرار معروف اجرت اخذ نکند و زمانیکه مال آنها را بخودشان دادید پس شاهد اخذ نکنید بدفع مال ایشان .

«آیهٔ چهل و یکم»

حرمت تزویج زن پدر و زن اجداد

ولا تنكحوا ما نکح آباؤکم من النساء الا ما قد سلف انه کان فاحشة و مقتا و ساء سبيلا
نساء آیه ۲۶ .

یعنی تزویج نکنید آن زن را که پدران و اجداد شما آنرا تزویج کرده اند زیرا که تزویج زن پدران عقاب و عذاب دارد مگر آنچه در زمان جاهلیت کرده اید که از آن عفو شده و بعد از این بدرستی که این کار فاحشه و کار مبعوض و بدراهی است .
و در آیهٔ سابق نیز تصریح باین فرموده که : لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرها
یعنی حلال نیست برای مؤمنین اینکه زنان پدران را مثل مال ایشان با قهر و اکراه ارث ببرند که در زمان جاهلیت میبردند و زن پدر را بر پسر بزرگ او میدادند .

«آیهٔ بیست و دویم»

نهی از تزویج کسانی که بسبب نسب حرام

میباشد نکاح آنها

حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم و عماتکم و خالاتکم و بنات
الاخ و بنات الاخت و امهاتکم اللاتی ارضعنکم و اخواتکم من الرضاعة و امهات
نساءکم و ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن فان لم تکنوا
دخلتم بهن فلا جناح علیکم و حلال ال ابنائکم الذین من اصلا بکم و ان تجتمعوا بین
الاختین الا ما قد سلف . نساء . آیه ۲۷

یعنی حرام شده بشما مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران
برادران و دختران خواهران شما و دیگر حرام است بشما مادران رضاعی و خواهران

رضاعی شما و دیگر حرام است مادران زنان شما و دختران زنان شما که با آن زنان دخول کرده‌اید و اگر یک نفر زن را عقد نمودید و با آن دخول نکردید و قبل از دخول طلاق دادید پس دختر آن زن را می‌توانید عقد بکنید و دیگر حرام است زنان اولاد صلبی شما و دیگر حرام است بشما اینکه دو نفر خواهر را جمع بکنید مگر آنچه در زمان جاهلیت جمع نمودید که از آنها عفو شده .

و در این آیه هفت نفر از زنان را از جهت نسب حرام فرموده و مادر و خواهر رضاعی را بسبب شیر خوردن حرام فرموده و در احادیث بسیار شیر خوردن را مثل نسب قرار داده یعنی مادر رضاعی و دختر و خواهر و دختر خواهر و دختر برادر رضاعی و عمه و خاله رضاعی را حرام فرموده اند و دیگر مادر زن و دختر زن مدخوله را و زن اولاد صلبی چه از پسر باشد و یا از دخترش گردد و جمع کردن میان دو خواهر را از جهت مصاهرت حرام کرده .

و در آیه سابق زن پدر را حرام فرموده بسبب مصاهرت پس هفت نفر در نسب و مثل آنها در رضاع و چهار نفر از جهت مصاهرت حرام مؤبد شد و خواهر زن از جهت جمع کردن حرام شد و اگر يك خواهر را طلاق خلعی بدهد می‌تواند خواهرش را عقد بکند و اگر طلاق رجعی بدهد بعد از عده عقد او صحیح است نه قبل از آن .

«آیه چهل و سیم»

نهی از مقابله و مقاتله با دشمن بدون آلات

و ادوات جنگ

ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً نساء آیه ۳۳

یعنی خودتان را بکشتم ندهید و بدون فراهم کردن قوه دفاعیه و قدرت مقابله با دشمنان دین با آنها جنگ نکنید بدستیکه خداوند بشما رحیم است و این تکلیف را بشما فرموده و بدون استعداد جنگ کردن شما را با دشمنان دین واجب نکرده .

«آیه چهل و چهارم»

نهی از گناهان کبیره و وعده آمرزش گناهان صغیره

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریماً

نساء آیه ۲۵ .

یعنی هرگاه اجتناب بکنید از گناهان کبیره که از آنها خداوند شما را نهی کرده سیئات شما را خداوند میآمرزد که گناهان صغیره باشد و داخل میکند خداوند شما را بجای خوب در بهشت .

و درنجم آیه ۳۳ فرموده : **الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الا الالم** ان ربك واسع المغفرة . یعنی خداوند جزای خیر خواهد داد بآنکسانی که اجتناب و دوری میکنند از گناهان کبیره و از گناهان رسواکننده مگر صغایر بدرستی که خداوند مغفرت با وسعت دارد بآنکسانی که از کبائر دوری مینمایند .

و در شوری فرموده : **والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش و اذا ما غضبوا هم یغفرون** . یعنی ثواب خداوند خیر و همیشگی است از برای مؤمنین و توکل کنندگان و از برای کسانی که دوری مینمایند از کبائر و فواحش گناهان و زمانی که غضبناک شدند عفو میکنند .

و در این سه آیه از گناهان کبیره و از بالاتر آنها که فواحش و گناهان رسواکننده است نهی کرده و وعده مغفرت داده بر هر کسی که از آنها اجتناب بکند: و کبائر گناهان بعد از این در آیات ذکر خواهد شد و بعضی از آنها در آیات سابقه گذشت و همه آنها در اساس الاسلام ذکر شده .

«آیهٔ چهل و پنجم»

نهی از حسد بردن و ایننگه باید سعی و کوشش

در عمل داشت نه حسد

ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء

نصیب مما اکتسبن واسئلاوا الله من فضله . نساء آیه ۳۶ .

یعنی آنچه خداوند تفضل فرموده بر بعضی از شما دون بعضی نگوئید ای کاش آن مال و آن چیز از برای من میشد زیرا که این حسد است و حسد کردن بمردمان گناه و قبیح است و از برای مردان و زنان در مقابل عمل ایشان نصیب است و شما فضل و نصیب را بعمل کردن و جدّ و جهد نمودن طلب بکنید نه بحسد نمودن و مجرد

آرزو کردن و از فضل خداوند سؤال بکنید آنچه آرزوی آن را دارید و بحسد کردن چیزی بشما نمیرسد .

و در نجم: وان لیس للانسان الا ماسعی وان سعیه سوف یری . و در نازعات
یوم یتذکر الانسان ماسعی . و در بنی اسرائیل: وسعی لها سعیهها . و ایضاً: کان سعیههم
مشکوراً . و در انبیاء: فلا کفران لسعیه . و در انسان : و کان سعیکم مشکوراً .
و در غاشیه : لسعیها راضیه .

و مضمون این آیات شریفه اینست که هر کس بقدر سعی و کوشش و زحمت
خودش راحتی و آسودگی خواهد دید یا درد دنیا و یا در آخرت و یاد هر دو و در زلزال
فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره و من يعمل مثقال ذرة شراً یره .
و این همه آسایش و آسودگی و استقلال دولتها از جهت سعی و زحمت آنها
است در اختراع اسباب راحتی از فلاح و زراعت و تجارت و صناعت پس بنا بر صریح
این آیات نباید بکسی حسد نمود و بلکه باید سعی و کوشش کرد در عمل .

« آیه چهل و هشتم »

نهی از خواندن نماز در حال مستی و سستی

و نهی از توقف جنب در مسجد

لا تقربوا الصلوة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون و لاجنباً الا عابری

سبیل حتی تغتسلوا نساء آیه ۴۶ .

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید بر نماز قیام نکنید در حالت مستی و سستی
و کسالت و با خمیازه کشیدن تا آنکه بحال شعور و تمیز بیائید و بدانید که چه میگوئید
در نماز و تا بفهمید معنای آنچه را که در نماز قرائت میکنید و تسبیحات و ذکر می‌نمائید
و دیگر در حالت جنابت بمسجد که محل اقامه نماز است داخل نشوید مگر آنکه
از این درب مسجد داخل شوید و از درب دیگرش بیرون روید تا آنکه غسل بکنید و بعد
از غسل میتوانید بمسجد بروید از جهت نماز و غیر از آن : و بعد از این فرموده هر گاه
مریض بوده باشید و یا مسافر شوید و از بول و غایط فارغ بشوید و یا با زنان مباشرت

بکنید و در هر چهار فرض از استعمال آب متمکن نشوید تیمم بکنید و دو دست خود را بر زمین بزنید و بعد از آن پیشانی و دو دست خود را مسح بکنید که این تیمم عوض غسل و وضوء است از جهت نماز مادامیکه از آب متمکن نشده اید .
و در این آیه نهی فرموده از نماز گذاردن تا آنکه نماز گذار بداند آنچه را که میگوید و این صریح آیه است و جای تردید نیست و شك در این شك در قرآن است .

«آیه چهل و هفتم»

نهی از شرك بخدا و اینکه مشرك آمرزیده نخواهد شد

ان الله لا يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء و من يشرك بالله فقد افترى اثماً عظيماً نساء آیه ۵۱ .

یعنی بدرستی که خداوند نمیآمرزد اینکه باو شریک قرار بدهند و می آمرزد آنچه از شریک قرار دادن کمتر باشد از سائر گناهان از برای آن کسیکه خودش خواسته باشد، و هر که بخداوند شریک قرار بدهد پس آنکس مرتکب گناه بزرگ شده .
و در این آیه از شریک قرار دادن نهی فرموده و شرك را گناه بزرگ قرار داده است و در آل عمران و مائده و فتح فرموده : **يغفر لمن يشاء** . و در زمر : **ان الله يغفر الذنوب جميعاً** . و در بقره : **فيغفر لمن يشاء** . و در مائده : **و يغفر لمن يشاء** : و در آل عمران و احزاب : **و يغفر لكم ذنوبكم** . و در انفال : **ويكفر عنكم سيئاتكم و يغفر لكم** و در حدید و تغابن : **و يغفر لكم** . و در این آیات و غیر از اینها خداوند وعده مغفرت داده بر کسیکه خواسته باشد و آنکس عبارت است از کسیکه اسباب مغفرت را فراهم نماید از توبه کردن و سرعت و سبقت با سبب مغفرت نمودن و اجتناب از گناه کبیره کردن چنانکه در آیات سابقه ذکر شد و عمل بافعال و اعمال حسنه نمودن چنانکه در هود فرموده : **ان الحسنات يذهبن السيئات** . یعنی اعمال حسنه سیئات را میبرد و زایل میکند و یکی از اسباب آمرزش شفاعت حضرت پیغمبر و اوصیاء او است از برای جمعی از دوستان خودشان .

«آیه جهل و معنی»

حرمت قتل نفس بعهد و احکام قتل از روی سهو

و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً الا خطأ و من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبة
و دية مسلمة الى اهله نساء آیه ۹۴ .

یعنی از برای مؤمن جایز نیست اینکه يك مؤمن را بکشد مگر آنکه از جهت
خطا کردن باشد و باعهد نباشد و اگر بسبب خطا بکشد یکی را بکشد پس کفاره خطا
آزاد کردن يك نفر غلام و یا کنیز است که مؤمن بوده باشد و بعد از کفاره دادن باید
دیه قتل خطا را بر اولیاء میت تسلیم بکند که يك هزار مثقال طلای مسکوک است
تا آنکه میفرماید: فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين . پس هر که پیدا نکند رقبه
را که آزادش نماید پس دو ماه پی در پی روزه بگیرد و در آیه بعد می فرماید:
ومن يقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالدافیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدائه
عذاباً عظيماً . یعنی هر که مؤمن را باعهد بکشد پس جزای او دوزخ است و همیشه
در دوزخ خواهد بود و غضب خداوند و لعنت او بر آن قاتل خواهد شد و خداوند آماده
کرده برای او عذاب بزرگ را :

و در این دو آیه از قتل مؤمن نهی فرموده و جزای آن را دوزخ قرار داده و بعد از
دوزخ غضب و لعنت و عذاب بزرگ آماده شده قرار کرده است و عقاب از این بزرگتر
نخواهد شد مگر شريك قرار دادن بخداوند .

و در چند آیه از قتل نفس نهی فرموده و در مائده آیه ۳۳ . فطوعت له نفسه
قتل اخيه فقتله فاصبح من الخاسرين . و در مائده آیه ۳۵ : انه من قتل نفسا بغير نفس
او فساد في الارض فكانما قتل الناس جميعاً . و در انعام آیه ۱۲۸ : و كذلك
زين لكثير من المشركين قتل اولادهم . و در بقره : و الفتنة اشد من القتل . و ايضاً:
و الفتنة اكبر من القتل . و در كهف : قتلت نفساً زكية . و در قصص : كما قتلت نفساً بالامس
و در طه : و قتلت نفساً . و در بقره : و اذ قتلتم نفساً . و در آل عمران : فلم تقتلتموهم
ان كنتم صادقين و در انعام: قد خسر الذين قتلوا اولادهم . و در مائده و من قتله منكم متعمداً

و در بنی اسرائیل: ان قتلهم کان خطئاً کبیراً. و ایضاً: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل.

و در این آیات چقدر از قتل نفس نهی کرده و مذمت نموده و عذاب و عقاب معین فرموده و در آیه آخر اشاره بر قصاص کردن کرده و حکم قصاص در بقره ذکر شد.

«آیه چهل و نهم»

نهی از سستی و کاهلی در دفع دشمنان دین

ولا تهنوا فی ابتغاء القوم ان تکنوا تالمون فانهم یالمون كما تالمون

و ترجمه: و تر جوں من الله مالا یرجون نساء آیه ۱۰۵

یعنی سستی و کاهلی نکنید در دفع دشمنان دین و در مقابلهت کردن با دشمنان اسلام و بلکه باید جدیت نمائید در دفع آنها و اگر بشما زحمت و مشقت میشود در جنگ کردن با آنها پس بدرستی که از برای آنها نیز زحمت میشود و از آنها نیز کشته و تلف میگردد و یک چیزی بشما عاید و فائده است که از برای آنها نیست شما در این جنگ با کافران و در این زحمت از خداوند یک امید دارید و در مقابل این جنگ و تلف شدن آرزوی بهشت و راحت در آخرت نموده اید و آنها خداوند را نمیشناسند و امید چیزی ندارند.

و در این آیه نهی کرده از سستی کردن در دفع دشمنان اسلام و ایضاً در قتال فلا تهنوا و تدعوا الی السلم. و در آل عمران: ولا تهنوا ولا تحزنوا. یعنی نباید سستی بکنید در دفع دشمنان اسلام.

«آیه پنجاهم»

نهی از اعانت و دوستی با خائنین

ولا تکن للمخائنین خصیماً و استغفر الله ان الله کان غفوراً رحیماً و لا تجادل

عن الدین یختانون انفسهم ان الله لا یحب من کان خواناً ائیمماً نساء آیه ۱۰۶ و ۱۰۷.

یعنی از برای نفع خیانت کنندگان بمردمان با مردمان خصم نشوی و حمایت

نکن بر خائن و از استعانت آنها استغفار کن بدرستی که خداوند عفو کننده و رحم نماینده است و مجادله نکن از طرف خیانت کنندگان و معصیت کاران که در واقع بر نفس خودشان خیانت میکنند بدرستی که خداوند دوست نمیدارد کسی را که خائن و گناهکار بوده باشد.

و در این آیه نهی فرموده از اعانت خائنان و معصیت کاران و امر فرموده با استغفار نمودن از اعانت کردن بآنها و در انفال می فرماید: ان الله لا يحب الخائنين . و در یوسف میفرماید و ان الله لا يهدي كيد الخائنين .

«آیه بنجاه و یکم»

حرمت بهتان زدن و گناه خود را بگردان

دیگران انداختن

و من یکسب خطیئة او اثمائم یرم به بریثاً فقد احتمل بهتانا و اثمائاً مینا
نساء آیه ۱۱۲ .

یعنی هر که کسب بکند یک معصیت خطائی را و یا یک گناه عمدی را و بعد از مرتکب شدن خودش گناه خود را نسبت بدهد بیک نفر شخص که از آن گناه برائت دارد پس آن نسبت دهنده بدوش خودش برداشته و حمل نموده بهتان و گناه آشکارا . و در این آیه نسبت بدادن را بکسی که خبر ندارد بهتان و گناه آشکار قرار داده و حرام بودن بهتان از ضروریات دین است و در چند آیه مذمت کرده و در نور میفرماید هذا بهتان عظیم . و در ممتحنه : و لا یاتین بهتان . و در احزاب : بهتاناً و اثمائاً مینا . و در نساء : و قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً . پس معلوم شد که بهتان معصیت بزرگ است و حرام و از آن نهی فرموده

«آیه بنجاه و دوم»

اصلاح بین مردم از واجبات کفائیه است

لاخیر فی کثیر من نجویهم الامن امر بصدقة او معروف او اصلاح بین الناس

نساء آیه ۱۱۴ :

یعنی در اکثر گفتگوی مردمان خوبی نیست مگر آنکه شخص مردمان را امر بکند و وادار نماید بر صدقه دادن از صدقه واجب مثل زکوة و فطر و رد مظالم و یا از صدقه مندوب مثل صلہ ارحام بعد از زکوة بایشان و ملاحظه فقراء و همسایگان و اهل اسلام و آنکه امر بکند مردمان را بچیز های خوب از قرض دادن و اعانت مسلمانان و اقدام کردن بمصالح عمومی، و یا آنکه مقصود از گفتگو کردن اصلاح نمودن در میان مردمان باشد و بغیر از این سه چیز گفتگو کردن خوبی ندارد و لغواست: و در آخر آیه فرموده: **و من يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتيه اجرًا عظيمًا** یعنی هر که این سه چیز را بکند و یابکی از اینهارا از جهت رضای خداوند بجا آورد پس بزودی عطا میکند خداوند بر او اجر و مزدی بزرگ را در دنیا و آخرت و یاد هر دو . و امر بصدقه و بمعروف در آیات امر بمعروف ذکر شد، و اما اصلاح و صلح در میان مردم - ان پس در چند آیه امر بآن شده و ترغیب بآن گردیده و در نساء: **و الصلح خیر . و ایضاً : ان يصلحا بينهما صلحاً . و ایضاً : و ان تصلحوا و تتقوا . و در بقره : و اتقوا و تصلحوا بين الناس . و در بقره ایضاً : فاصلح بينهم فلا اثم عليه . و ایضاً : قل اصلاح لهم خیر . و ایضاً : ان ارادوا اصلاحاً . و در نساء : ان یریدا اصلاحاً . و در اعراف : و اصلح ولا تتبع سبيل المفسدين . و در حجرات : فاصلحوا بينهما . و ایضاً : فاصلحوا بين اخويکم و اصلحوا ذات بينکم . و در بقره : الا الذين تابوا و اصلحوا . و در آل عمران : تابوا من بعد ذلك و اصلحوا . و در نحل : ثم تابوا من بعد ذلك و اصلحوا . و در نساء : فان تابوا و اصلحوا فاعرضوا عنهما . و در مائده : فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح . و در انعام : فمن آمن و اصلح فلا خوف عليهم . و ایضاً : ثم تاب من بعده و اصلح . و در اعراف : فمن اتقى و اصلح . و در شوری : فمن عفى و اصلح فاجره على الله .**

و از این آیات معلوم میشود که اصلاح کردن در میان مردمان از امورات حسنیّه و از واجبات کفائیه است از برای کسیکه قادر باشد و از نزاع مردمان خبردار شود .

«آیه پنجاه و سوم»

حرمت مخالفت با رسول اکرم (ص)

و پیروی غیر راه مسلمین

و من یشاقق الرسول من بعد ما تبین له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین
نوله ماتولی و نصله جهنم و سائت مصیراً نساء آیه ۱۱۵

یعنی هر که مخالفت بکند با پیغمبر بعد از واضح شدن اسباب هدایت برای او از قرآن و از معجزات آنحضرت و از تصدیق کردن اهل خیرت آنحضرت را مثل حضرت امیرالؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام و مثل سلمان و ابوذر و مقداد و باقی اصحاب کبار و متدبیین ایشان و تصدیق ایشان آنحضرت را و خصوصاً حضرت امیرالمؤمنین دلیل قاطع و برهان ساطع است بر نبوت آنحضرت علاوه بر قرآن و بر معجزات آن حضرت که بتواتر رسیده و بعد از این تابع شود بر غیر دین مؤمنین و بآنحضرت تابع نشود، و اقرار بحق بودن امر او نکند، آنکس را خداوند مخدول میکند و جای او دوزخ است و بدمحل است دوزخ.

و در انفال میفرماید: و من یشاقق الله و رسوله فان الله شدید العقاب. و در حشر میفرماید: ذالک بانهم شاقوا الله و رسوله و من یشاقق الله فان الله شدید العقاب. و در این سه آیه مخالفت کردن را بر پیغمبر حرام و جزای آن را عقاب شدید و دوزخ قرار داده بعد از تبیین حق و بودن او از جانب خداوند و در چند آیه از تبیین و واضح شدن حق خبر داده و در بقره: من بعد ما تبین لهم الحق. و ایضاً: قد تبین الرشد من الفی. و در عنکبوت: و قد تبین لکم. و در انفال: یجادلونک فی الحق من بعد ما تبین و در نحل: و انزلنا الیک الذکر لتبیین للناس. و ایضاً: و ما انزلنا علیک الكتاب الا لتبیین لهم.

و از این آیات معلوم میشود که نبوت آنحضرت و حقایق دین او بسیار واضح بوده است و خود آنحضرت بطریق وضوح بیسان فرموده است و اینکه هر که ایمان نیاورد و نمیآورد پس آنکس با خداوند و بادین او عناد و عداوت دارد.

«آیه پنجاه و چهارم»

نهی از تفاوت گذاشتن بین زنان خود بظاهر

فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة وان تصلحوا و تتقوا فان الله کان

غفوراً رحیماً نساء آیه ۱۲۸

یعنی شما استطاعت ندارید که در میان زنان خودتان عدالت بکنید در میل قلبی و در قلب خود محبت بدو نفر و سه نفر زنان را در يك اندازه و يك درجه ملاحظه بکنید هر چندیکه شما حریص و مایل بر این بوده باشید پس در ظاهر بیک نفر از آنها تمام میل نکنید و آن زن دیگر را مثل زن بدون شوهر نگذارید و در ظاهر در بین آنها مساوات نمایند هر چندیکه در باطن و در میل قلبی قدرت ندارید، و اگر اصلاح در میان زنان بکنید و تقوی نمایید در معاشرت آنها پس خداوند غفور و رحیم کننده بشما است و از تقصیر شما و قصور در امر زنان بعد از اصلاح و تقوی نمودن میگذرد.

و در این آیه از تفاوت گذاشتن در ظاهر در بین زنان نهی فرموده و از تفاوت باطنی و محبت قلبی عفو کرده زیرا که آن در اختیار شخص نیست.

«آیه پنجاه و پنجم»

حرمت نشستن در مجلسی که در آنجا بر دین

خدا استهزاء میکنند

و قد نزل علیکم فی الكتاب ان اذا سمعتم آیات الله یكفر بها و یستهزاء بها فلا تقعدوا معهم حتی یخو ضوا فی حدیث غیره انکم اذا مثلهم . نساء آیه ۱۳۹ .

یعنی هر آینه خداوند نازل فرموده حکمی را در قرآن و آن اینست که زمانیکه در يك محلی شنیدید که بر آیات و دین خداوند انکار و یا استهزاء و توهین میشود پس البته در آن مجلس با آن توهین و انکار کنندگان ننشینید و با آنها هم مجلس نشوید تا آنکه آنها وقتیکه شما را ندیدند بسخن دیگر فروروند و حرف دیگر بزنند و اگر

شما در آن مجلس بوده باشید در آن حال که آنها توهین میکنند به ر دین خداوند پس شما نیز مثل آنها میشوید در توهین کردن، و نیز در انعام آیه ۶۸ می فرماید و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره و اما ینسینک الشیطان فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین یعنی زمانیکه دیدی کسانی را که توهین میکنند بر آیات ما پس از آنها اعراض بکن تا آنکه بسخن دیگر فروروند و اگر نسیان بکنی اعراض کردن و از آن مجلس برخاستن را پس بعد از تذکر و یاد آوردن در آن مجلس ننشین با قوم ظالم کنندگان و در این دو آیه نهی فرموده از بودن و نشستن در مجلسی که در آن بر دین خداوند توهین میشود .

«آیه پنجاه و ششم»

نهی از فحاشی و بدگوئی مگر بجهت مظلوم ار ظالم

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم نساء آیه ۱۴۷ .
یعنی خداوند دوست ندارد فحش و دشنام را در آشکار در حق کسی، مگر آنکه شخص دشنام دهنده مظلوم شود و بد گوئی بکند از ظالم در نزد کسی از جهت طلب نصرت و اعانت نمودن، و بدگوئی کردن از ظالم در نزد کسی از برای طلب نصرت از او عیب ندارد، چنانکه در شعراء فرموده و انتصروا من بعد ما ظلموا . و در شورای و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئك ما علیهم من سبیل .

یعنی آنکسیکه مظلوم شد طلب نصرت کردن او از کسی ضرر ندارد .

«آیه پنجاه و هفتم»

نهی از بازداشتن مردمان از دین خدا که اسلام است

ان الذین کفروا و اوصدوا عن سبیل الله قد ضلوا ضلالا بعیدا نساء آیه ۱۶۵
یعنی آنکسانیکه کافر شدند و مردمان را از راه دین خداوند منع نمودند هر آینه آنها در ضلالت و دوری از حق واقع شدند .

و در این آیه نهی فرموده از منع کردن مردمان از دین خداوند و در چند آیه

نیز از این عمل شنیع نهی کرده و این فعل قبیح را مذمت نموده، و در توبه: **فصدوا عن سبيله** و در منافقین: **فصدوا عن سبيل الله**. و در نساء و قتال: **و صدوا عن سبيل الله** و در نحل و قتال: **الذین کفروا و صدوا عن سبيل الله**. و در رعد: **و صدوا عن السبيل**: و مراد از منع کردن مردمان از سبیل الله منع ایشان است از پیدا نمودن آنها دین حق را و خواندن آنها است بسوی ظنیات و رأی خود بدون اینکه از قرآن و احادیث صحیحه دلیل داشته باشد و وادار کردن مردمان است برفتوای اموات و برفتوای کسیکه لایق و جامع شرایط نیست و اعلم و افاقه از او موجود است در همان ولایت.

«آیه پنجاه و هشتم»

حرمت استکبار و گردن گشی از عبادت خداوند

لن یتنکف المسيح ان یکون عبد الله ولا الملائكة المقر بون و من یتنکف عن عبادته و یتکبر فسیحشر هم الیه جمیعاً. تا آنکه فرموده: **و اما الذین استنکفوا و استکبروا فیهذبهم عذاباً الیماً**. نساء آیه ۱۷۰ الی ۱۷۲.

یعنی البته حضرت مسیح گردنکشی نمیکنند از اینکه بنده خداوند بوده باشد و ملائکه مقر بون نیز گردنکشی نمیکنند از بنده بودن و بخداوند عبادت کردن، و هر که گردنکشی بکند از عبادت کردن بخداوند و استکبار نماید از عبادت و اطاعت او پس بزودی جمیع گردنکشان و استکبار کننده گانرا بسوی خودش حشر میکند در روز قیامت و جزا میدهد بآنها و آنکسانیکه گردنکشی و استکبار کرده اند از عبادت خداوند پس بآنها عذاب دردناک میکند، و در مؤمن فرموده: **ان الذین یتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین**: یعنی بدرستی که آنکسانیکه استکبار و گردنکشی میکنند از عبادت بمن بزودی داخل دوزخ میشوند در حالت خواری.

و در چند آیه فرموده که بندگان خداوند از عبادت کردن استکبار نمیکنند و در مائده **وانهم لا یتکبرون**. و در اعراف: **ان الذین عند ربک لا یتکبرون عن عبادته** و در نحل: **وهم لا یتکبرون**. و در سجده: **و سبحوا بحمدهم و هم لا یتکبرون** و در انبیاء: **و من عنده لا یتکبرون من عبادته**:

«آیه پنجاه و نهم»

حرمت اهانت به شعائر خدا و هتك احترام دين اسلام

لا تحلوا شعائر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدى ولا القلائد ولا آمين البيت الحرام . تا آنکه فرمود : ولا يجرمكم شأن قوم ان صدوكم عن المسجد الحرام ان تعتدوا مائده آیه ۳۰۲ .

یعنی حلال ندانید و اهانت نکنید بشعائر دین خداوند و هتك احترام ننمائید بعلائم بزرگ دین اسلام هر چه باشد از قرآن و امام و غیر از او و بر ماههای حرام نیز هتك نکنید که در آنها جنك نمائید و برهدی که بمکه میفرستند و آنچه بآن هدی آویزان میکنند نیز هتك ننمائید و متعرض نشوید بر قصد کنندگان بیت الحرام و حاجیان و وادار نکند شما را عداوت کردن يك قومی که منع کردند شما را از داخل شدن بر مسجد حرام بر اینکه شما تعدی بکنید و از حد خودتان خارج بشوید و بمردمان بدون تقصیر اذیت بکنید .

«آیه شصتم»

نهی از دوستی با یهود و نصاری و سایر کفار

يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى اولياء بعضهم اولياء بعض ومن يتولهم فانه منهم ان الله لا يهدي القوم الظالمين مائده آیه ۵۶ .
یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید دوست اخذ نکنید، برای خودتان از یهود و از نصاری، بعض آنها دوست بعض دیگر آنها است و آنها باشما دوست نمیشوند در باطن، و هر کس از شما از آنها را برای خود دوست اخذ بکند پس او از آنها محسوب است در نزد خداوند و ظلم کننده است بر نفس خودش بد رستی که خداوند هدایت نمیکند و اسباب هدایت را فراهم نمیفراهد بر قومیکه ظالمند .

و در این آیه نهی فرموده از دوست داشتن یهود و نصاری و در چند آیه بعد از این فرموده : يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزواً ولعباً

من الذين اتوا الكتاب من قبلكم و الكفار اولياء و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين
مآئده آیه ۶۲ .

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آوردید اخذ نکنید اهل کتاب و سائر کفار را دوست
برای خودتان بعالت اینکه آنها دین شما را استهزاء و بازیچه اخذ میکنند و تقوی بکنید
بخداوند در اینکه مبادا آنها را برای خود دوست اخذ بکنید اگر شما ایمان داشته باشید
یعنی دوستی آنها با ایمان و با تقوی منافات دارد و باهم جمع نمیشود .

و در چند آیه از دوست اخذ کردن آنها نهی فرموده و در نساء می فرماید
لا تتخذوا الكافرين اولياء . وايضاً : فلا تتخذوا منهم اولياء . وايضاً : ولا تتخذوا منهم
ولياء . و در ممتحنه : لا تتخذوا عدوی وعدوكم اولياء . و در آل عمران : لا تتخذوا
بطانة من دونكم : و مضمون این آیات صریح است در حرمت اخذ کردن کفار را
دوست برای خود .

«آیه شصت و یکم»

نهی از فتوی دادن بارأی و اجتهاد خود

بدون دلیل از قرآن و احادیث

يا ايها الذين آمنوا لا تحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا تعتدوا ان الله

لا يحب المعتدين مآئده آیه ۸۹ .

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید حرام نکنید بارأی خودتان آن طیباتی
را که خداوند بشما حلال کرده است و از حدود خودتان تجاوز ننمائید و بارأی و
خیال خودتان چیزی را حرام نکنید بدرستی که خداوند دوست ندارد کسانی را که
از حد خود تجاوز بکنند .

و در این آیه نهی فرموده از حرام کردن مردمان يك چیز را بگمان و رأی
خودشان و این آیه در فتوی دادن علماء است بحلال و حرام بارأی و اجتهاد خودشان
بدون دلیل قاطع از قرآن و از احادیث صحیحه .

«آیه شصت و دویم»

نهی از قسم یاد نمودن بعمد و احکام کفاره آن

لا یواخذکم اللہ باللغو فی ایمانکم و لکن یواخذکم بما عتدتم الایمان فکفارتہ اطعام عشرة مساکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبة فمن لم یجد فصیام ثلثة ایام ذلک کفارة ایمانکم اذا حلقتهم و احفظوا ایمانکم مائده آیه ۹۱ .

یعنی خداوند مؤاخذه نمیکنند در صورت بدون قصد بودن قسم یاد کردن شما و لکن مؤاخذه میکند در صورتیکه یاد قسم شما از روی قصد و اختیار باشد هر گاه مخالفت نمائید بعد از یاد کردن قسم پس کفاره مخالفت قسم طعام دادن بده مسکین است نه طعام اعلی و نه ادنی و بلکه از اوسط آنچه باهل خودتان طعام میدهید و یا لباس ده مسکین که بر هر یکی پیراهن و یک زیر جامه باشد و یا آنکه یک بنده آزاد بکند و هر که قادر نشد باین دو پس سه روز روزه شود، و اینکه گفته شد کفاره قسمهای شما است زمانی که یاد قسم بکنید و بعد از آن مخالفت نمائید و حفظ بکنید قسم یاد کردن خودتان را که مبادا مخالفت بکنید .

«آیه شصت و سیم»

نهی از صید کردن در حال احرام

و احکام کفاره آن در صورت عمد

لا تقاتلوا الصید و انتم حرم و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم یحکم به ذوا عدل منکم هدیاً بالغ الکعبه او کفارة طعام مساکین او عدل ذالک صیاماً لیزوق و بال امره عفا الله عما سلف و من عاد فیستقم الله منه مائده آیه ۹۶ .

یعنی نکشید شکار را در حالیکه شما در حال احرام باشید و هر که از شما شکار را بکشد با عمد و اختیار پس جزای او مثل آنست که از آن حیوانات کشته مثل اینکه در عوض آهویک گوسفند و در عوض بقر و حمار وحشی یک بقره و در عوض شتر

مرغ يك نفر شتر كفاره بدهد و حکم میکند بر جزای شکار کردن که مثل آن حیوان است صاحب عدالت از شما که پیغمبر و وصی او باشد و در قرائت حضرت باقر (ع) و صادق (ع) ذوعدل است و الف ندارد، و مراد از ذوعدل حضرت پیغمبر است که حکم کرده چنانکه ذکر شد و این جزای شکار هدی است و در مصارف کعبه صرف میشود اگر آن را بفروشند و اگر ذبح و یا نحر بکنند پس حاجی در منی ذبح میکند و عمره کننده در مکه در نزد کعبه و یا آنکه در عوض آن حیوانات كفاره میدهد و بر مساکین طعام رَد میکند و اگر قادر نشد بر طعام دادن پس در عوض اطعام کردن روزه میدارد، مثل اینکه در عوض شتر مرغ و حمار و حشی یکنفر شتر و اگر ممکن نشد بر شصت فقیر طعام میدهد و اگر ممکن نشد هیجده روز روزه میشود و در عوض بقره و حشی يك رأس گاو است و اگر نشد بررسی نفر فقیر طعام میدهد و اگر نشد نه روز روزه میشود، و در عوض آهویك گوسفند و اگر نشد بده نفر فقیر طعام میدهد و اگر نشد سه روز روزه میشود، و اینکه ذکر شد ترجمه كفاره: **او عدل ذلك صیاما** است که صاحب عدل حکم کرده در این مقام و این جزا و كفاره صید که واجب شده بر شکار کننده تا آنکه بچشد و زرو و بال کار خود را و عفو میکند خداوند با دادن این كفارات در دفعه اول و هر که عود بکند در مرتبه دوم پس خداوند از او انتقام میکشد و عوض قبول نمیکند.

و بعد از این آیه فرموده **احل لکم صید البحر و طعامه متاعاً لکم و للسیارة و حرم علیکم صید البر مادمتم حرماً یعنی حلال شده بشما شکار دریا و طعام دریائی که برای شما خوراک باشد و برای مسافرین ترشه گردد و حرام شده بشما شکار صحرائی مادامیکه در حال احرام بوده باشید و بعد از این آیه فرموده . **جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلائد .****

یعنی خداوند قرار داده کعبه را بیت حرام و محل امن و امان از جهت فواید و امنیت مردمان که مردمان در آن طلب معاش بکنند و کسب نمایند و گذران داشته باشند و کسی که بآن التجاء بکند در امان باشد و کسی که حج نماید گناهان او آمرزیده شود و فواید و منافع در آن کعبه بسیار است و دیگر ماههای حرام و هدی

وقلا تد قرار داده از جهت آسودگی مردمان و منافع ایشان .
و مراد از این آیه اینست که جهت قرار دادن کعبه و ماه حرام و هدی و آنچه
برهدی قلاده میشود از جهت منافع مردمان است که از اطراف بآنجا جمع شوند و
در آنجا ذکر و قایع بلاد را بکنند و تجارت و عبادت نمایند و از درد همدیگر مطلع
باشند و در تقویت کلمه اسلام و در منافع مسلمانان جدیت بکنند .

«آیه شصت و چهارم»

نهی از فحاشی بخدایان کفار از جهت

آنکه مبادا آنها هم ناسزا بگویند بخدای یکتا
و لاتسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغير علم
انعام آیه ۱۰۸ .

یعنی سب نکنید و دشنام ندهید بآنهاییکه جماعت کفار آنها را خدا میدانند و اگر شما
مؤمنان خدا خوانده کفار را دشنام بدهید پس آنها بخداوند تعالی دشنام میدهند از
جهت تجاوز کردن بدون علم بشأن و جلال خداوند، و در این آیه نهی فرموده از فحش
دادن بخدایان کفار از جهت آنکه مبادا آنها نیز از جهت عداوت و دشمنی دین بخداوند
ناسزا بگویند .

«آیه شصت و پنجم»

نهی از تکذیب کردن آیات الهی و منع مردم

از رجوع بآنها

فمن اظلم ممن کذب بآیات الله و صدف عنها سنجزی الذین یصدفون

عن آیاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون انعام آیه ۱۵۸
یعنی پس کیست ظالمتر از آنکه بر آیات و علامات خداوند تکذیب بکند و
اعراض نماید و منع کند از رجوع کردن مردمان بآنها و زود است که خداوند جزا
میدهد بآنکسانیکه منع میکنند از رجوع مردمان بآن آیات جزا و عذاب بدی، بسبب

آنچه صد میکنند مردمان را از آنها .

و در این آیه نهی فرموده از تکذیب کردن آیات خداوند و از منع نمودن مردمان از رجوع بآنها، و مراد از آیات خداوند یا آیات احکام قرآن است و یا حضرات ائمه است و منع کردن مردمان است از رجوع بفرمایشات ایشان و بر احادیث آن حضرات و در احکام اسلام و در چند آیه از تکذیب آیات خداوندی نهی فرموده و در انعام و اعراف و یونس و کهف می فرماید: **فمن اظلم ممن افتری علی الله کذباً و در زمر: فمن اظلم ممن کذب علی الله . و در انعام، و هود، و عنکبوت و صف و من اظلم ممن افتری . و در کهف و سجده : و من اظلم ممن ذکر بآیات ربه .**

«آیه شصت و ششم»

نهی از تفرق در دین و پیروی از پیشوایان

متعددن مختلف المرام

ان الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعاً لست منهم فی شیئی انما امرهم الی

الله ثم ینبئهم بما كانوا یفعلون . انعام آیه ۱۶۰ .

یعنی بدرستی که کسانی که متعدد کرده اند دین خود را و بر بعضی از احکام دین مؤمن شده اند و بر بعضی دیگر ایمان ندارند و فرقه فرقه گردیده اند تو نیستی در امر و جواب و سؤال آنها در چیزی و تو در خصوص آنها مسئول نخواهی شد بدرستی که سؤال و جواب آنها بخداوند راجع است و بعد از این خداوند بآنها تنبیه خواهد کرد بسبب آنچه میکنند از تفرق کردن دین واحد و از پیشوا کردن هر فرقه یک نفر را برای خودشان و در این آیه نهی فرموده از **عمل** بر بعض احکام دین ، و ترک بعض دیگر از آنها، و تفرق در دین ، و فرقه فرقه شدن در دین و اخذ کردن هر فرقه یک نفر پیشوائی برای خودشان، و وعید تنبیه کرده بآنها بسبب این تفرقه در دین .

و در چند آیه از تفرق در دین نهی فرموده ، و در انعام فرموده **اولی بلسکم شیعاً . و در روم و كانوا شیعاً . و در قصص : و جعل اهلها شیعاً .** و این تفرقه در احکام از هر که باشد باعث عذاب و عقاب خواهد شد

«آیه شمت و هشتم»

نهی از فریب خوردن از شیطان و شیطان صفتان

يا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة اعراف آیه ۲۶
یعنی ای اولاد آدم شما را اغوا نکند شیطان چنانکه پدر و مادر شما را که آدم
و حوا باشند اغواء کرد و از بهشت خارج نمود و در این آیه فریب خوردن از
شیطانرا نهی فرموده و هر کس هر کاریکه میکند میداند که آن کار از جانب و از
اغوای شیطان است و نفس اماره است و یا با توفیق و هدایت خداوند است و عمل
شیطان از فضل و اعانت خداوند رحمن امتیاز دارد و ممکن است که مراد از اغوای
شیطان اغوای شیطان صفت باشد از کفار و منافقین چنانکه در مائده می فرماید
واحدرهم ان یفتنوک . و در بنی اسرائیل : وان کادوا لیفتنونا . زیرا که مراد از
این افتتان و اغوا همان اغوای کافرین و منافقین است

«آیه شمت و هشتم»

نهی از متابعت پدران در دین و نسبت دادن

چیزی بخداوند بدون علم

اذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا علیها آباءنا والله امرنا بها قل ان الله لا
یامر بالفحشاء اتقولون علی الله ما لا تعلمون اعراف آیه ۲۷ .
یعنی زمانیکه آن قوم مرتکب عمل قبیح میشوند مثل عبادت کردن به اصنام و
اخذ نمودن پیشوای جابر و ظالم، میگویند ما پدران خودمانرا همین طور یافته ایم و
پدران ما نیز خود بخود این کارها را نکرده اند و شاید خداوند بر آنها امر کرده
بود پس بآنها بگو ای پیغمبر ما که بدستیکه خداوند امر نمیکند بر افعال قبیحه آیا
شما بخداوند نسبت میدهید آنچه را که نمیدانید،

و در این آیه نهی فرموده از تابع شدن بر پدران و از نسبت دادن چیزی به

خداوند بدون علم و یقین بر امر خداوند بآن چیز،

و در چند آیه از تقلید و تبعیت پدران نهی فرموده و در انبیاء: قالو وجدنا آباءنا لها عابدين . و در شعراء: قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون . و در زخرف بل قالوا انا وجدنا آباءنا على امة . وايضاً: انا وجدنا آباءنا على امة . و در مائده: قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا و در لقمان: بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا . و در یونس: لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا

و در این هفت آیه از تابع شدن و تقلید کردن اخلاف بر اسلاف خودشان نهی کرده و تابع شوندگان را بزمان جاهلیت نسبت داده که محض کفر باشد، و در چند آیه دیگر از نسبت دادن چیزی بخداوند بدون علم نهی کرده و در بقره و اعراف میفرماید وان تقولوا على الله ما لا تعلمون . و در نساء: ولا تقولوا على الله الا الحق . و در انعام: بما كنتم تقولون على الله غير الحق . و در اعراف و یونس: اتقولون على الله ما لا تعلمون . و در بقره: ام تقولون على الله ما لا تعلمون و در این پنج آیه در چندین سوره خداوند نهی فرموده از گفتن و نسبت دادن چیزی بر دین او بدون علم و یقین بر آن از قرآن و از احادیث پیغمبر و اوصیاء او حتی خداوند پیغمبر خود را ازفتوا و گفتن چیزی بدون علم نهی فرموده و در بنی اسرائیل فرموده: لا تقف ما ليس لك به علم .

« آیه شصت و نهم »

حرمت لواط و اینکه لواط بدترین معاصی است

اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة ما سبقكم بها من احد من العالمين ان كنتم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم مسرفون اعراف آیه ۷۸ و ۷۹
یعنی حضرت لوط بقوم خود فرمود آیا مرتکب میشوید بر فاحشه و فعل قبیح و شنیع که یکنفر از اهل دنیا از فساق و فجار و عمل قبیح کنندگان بآن فعل مرتکب نشده اند؟! و آن فعل شنیع اینست که بدرستی که شما بمردان و امردان نزدیک می کنید و با آنها مقاربت مینمائید از جهت شهوت رانی و زنان خودتان را میگذارید بلکه شما در این کار قبیح جماعت اسراف کننده هستید .

و در این آیه باشدت از لواط کردن نهی کرده و در چند آیه از این فعل

شنيع منع نموده و در نمل فرموده : اتاتون الفاحشة و انتم تبصرون . و ايضاً در آنسوره
 انكم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء . و در شعراء : اتاتون الذکران من
 العالمين . و در عنكبوت : انكم لتاتون الفاحشة . و ايضاً : انكم لتاتون الرجال
 و ايضاً : و تاتون في ناديتكم المنكر .

و در اين هفت آيه از اين فعل زشت نهی کرده و اسم اين کار را فاحشه گذاشته
 «آيه هفتم»

نهی از خاطر جمع بودن از عذاب الهی و معصیت کردن

افامنوا مكر الله فلا يامن مكر الله الا قوم الخاسرون اعراف آيه ۹۷ .

يعنى آيا اين مردمان گناه كننده از عذاب خداوند خاطر جمع شدند پس از
 عذاب او خاطر جمع نميشود مگر جماعت خاسران و بداعتقادان كه بمعاد و دوزخ
 اعتقاد نداشته باشند و الا كسيكه بر ثواب و عقاب آخرت اعتقاد داشته باشد البته عمل
 خير و كار خوب ميكند و از عذاب خداوند خاطر جمع نميشود و مراد از مكر الله عذاب
 و جزای اوست .

و در چند آيه اشاره بآن فرموده و در ابراهيم : و قدمكروا مكرهم و عند الله
 مكرهم . و در آل عمران : و مكروا و مكر الله . و در نمل : فانظر كيف كان
 عاقبة مكرهم . پس جزای مكر و حيله مردمان عذاب و عقاب خداوند است اگر اعتقاد
 بمعاد داشته باشند :

«آيه هفتم و يكم»

در حرمت اشیاء خبیثه و حلیت اشیاء طیبه

ويحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث و يضع عنهم اصرهم و الاغلال
 التي كانت عليهم اعراف آيه ۱۵۶ .

يعنى پيغمبر خداوند حلال ميكند برای مردمان اشیاء طيبات را و حرام ميگرداند
 بآنها اشیاء خبيثه را و بر میدارد از آنها تكالیف شاقه را و زحمتهائی كه بمردمان در
 شریعتهای سابق بوده

و در این آیه خداوند اشیاء بد و زشت را و چیزهای خبیث و کثیف را مثل سمومات و مضرات بر بدن و مزاج و عقل شخص را حرام نموده: و از آنها نهی فرموده: و در چند آیه اشیاء خبیثه را و مرتکب شونده آنها را مذمت کرده و در مائده می فرماید: **قل لا یتوی الخبیث والطیب** . و در بقره: **ولا تیمموا الخبیث** . و در آل عمران: **حتی یمیز الخبیث من الطیب** . و در انفال: **لیمیز الله الخبیث من الطیب** . و در نساء: **ولا تبدلوا الخبیث بالطیب** . و در انفال: **ویجعل الخبیث بعضه علی بعض** . و در مائده: **ولوا عجبك كثرة الخبیث** . و در نور: **الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات**: و بلکه در بعض آیات افعال قبیحه و گفتار شنیعه را خبیث فرموده چنانکه در فعل قوم لوط در انبیاء فرموده: **التي كانت تعمل الخبائث** . و در ابراهیم: **ومثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة** .

و در این آیه نیز از برداشته شدن اصر که مشقت و زحمت زیاد است خبر داده و در بقره: **ولا تحمل علمینا اصرآ** . و ایضاً: **لا یكف الله نفساً الا وسعها** . و ایضاً: **ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به** . و ایضاً: **یرید الله بكم الیسر ولا یرید بكم العسر** . و در حج: **ما جعل علیكم فی الدین من حرج** . و در احزاب: **لكیلا یكون علی المؤمنین حرج**: پس از اینها معلوم شد که خبائث حرام و در دین عسر و حرج نیست و تکلیف اسلامی و دین حضرت محمدی (ص) سهله و سمحه و آسان است .

« آیه مفتاد و دریم »

حرمت فرار از جهاد با مشرکین و کفار

یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم الذین کفروا زحفاً فلا تولوهم الادبار .

انفال آیه ۱۵ .

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید زمانیکه در جهاد با کفار ملاقات نمودید پس شما پشت بآنها نکنید و از جهاد نگریزید، و در آخر آیه میفرماید هر که در جهاد از کفار بگریزد پس بغضب خداوند گرفتار خواهد شد و جای او دوزخ و محل بداست در آخرت .

و در این آیه نهی فرموده از فرار کردن از جهاد کفار و جای او را آتش دوزخ قرار داده باوجود اینکه صحابه کبار و اکثر اصحاب از جهاد کربختند.

«آیه هفتاد و سیم»

حرمت خیانت در امانات مردم و امانت

خدا و رسول که دین اسلام باشد

یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون انفال آیه ۲۷.

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید خیانت نکنید بخداوند و برپیغمبر او به معصیت نمودن و باعمل نکردن بر دین و احکام اسلام، و بر امانت مردمان نیز خیانت نکنید و حال آنکه شما میدانید که خیانت میکنید:

و در این آیه نهی فرموده از خیانت بمردمان در امانات ایشان: و در سوره بقره در آیه امانت ذکر گردید، و ایضاً نهی کرده از خیانت کردن مسلمین بر دین و احکام خداوند؛ و مراد از خیانت بخداوند و برپیغمبر (ص) معصیت ایشان است در اوامر و نواهی ایشان و گفتن و فتوا دادن است در دین و احکام بغیر از آنچه خداوند فرموده و پیغمبر خبر داده زیرا که خداوند از مردمان اسلام عهد و میثاق گرفته بر اینکه ایشان در دین خداوند نگویند مگر حق و واقع را و در اعراف میفرماید: اَلَمْ یؤْخَذْ عَلَیْهِمْ مِیْثَاقُ الْکِتَابِ اَنْ لَّا یَقُولُوا عَلَی اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ . و ایضاً: عَلَی اَنْ لَّا یَقُولُوا عَلَی اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ . و در نساء: و لَاتَقُولُوا عَلَی اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ : و در چند آیه از غیر علم گفتن و فتوا دادن نهی کرده و در انعام: و خَرَقُوا لَهُ بَنینَ وَ بَنَاتٍ بِغَیْرِ عِلْمٍ . و ایضاً: بَاهُوا اَیْھُمْ بِغَیْرِ عِلْمٍ . و ایضاً: سَفَّھَا بِغَیْرِ عِلْمٍ . و ایضاً: لَیْضُلُ النَّاسَ بِغَیْرِ عِلْمٍ . و در نحل: یَضْلُوْاھُمْ بِغَیْرِ عِلْمٍ . و در حج و لقمان: و مِنَ النَّاسِ مَنْ یُجَادِلُ فِی اللّٰهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ و در روم: بَلِ اتَّبَعَ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا اَھْوَاءَھُمْ بِغَیْرِ عِلْمٍ . و در لقمان: لَیْضُلُ عَنِ سَبِیْلِ اللّٰهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ .

«آیه هفتاد چهارم»

نهی از منارعه و اختلاف با خود و سستی مسلمین

در جنك با كفار و امر بر ثبات قدم

يا ايهاالذدين آمنوا اذا لقيتم فئة فاثبتوا. تا آنکه فرمود: ولا تنازعوا فتشلاوا
و تذهب ریحکم. تا آنکه فرموده: و لا تكونوا كالذين خرجوا من ديارهم بطراً
و برئاء الناس انفال آیه ۴۷ تا ۴۹.

یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده‌اید زمانیکه در میدان جنک با کفار ملاقات
نمودید پس ثابت قدم بشوید و نزاع و اختلاف نکنید در اراء خودتان پس ضعیف و
سست میشوید در قتال و جنک و مردمان بشما غلبه میکنند و از جهت اختلاف در اراء
و سستی کردن بعد از اختلاف استقلال شما میرود و نبوده باشید در قتال کفار مثل
آنکسانیکه خارج شدند از دیار خودشان از جهت فخر کردن و ریا کاری نمودن و
خودشان را بمردمان نشان دادن یعنی بقصد قربت و از برای ثواب آخرت و طلب
عزت و بدست آوردن استقلال مملکت بر قتال اقدام نمائید نه از جهت فخر و ریا.

و در این آیه بعد از امر کردن بر ثبات قدم در جنک با کفار نهی فرموده از
تنازع و اختلاف و از سستی کردن و از فخر و ریا کاری نمودن و در چند آیه از تنازع
و سستی کردن مذمت کرده و در آل عمران فرموده: حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر
و در انفال: و لو اریهم کثیراً لفشلتم و لتنازعتم: و در طه: فتنازعوا امرهم بینهم؛
و در این آیات از اختلاف اراء نهی فرموده و اختلاف را سبب فشل که سستی باشد
قرار داده: پس از این آیات معلوم میشود که امر دین واضح است و جای اختلاف
نیست والا از اختلاف منع نمیکرد.

«آیه هفتاد و پنجم»

نهی از دوستی با پدر و برادری که مایل بکفر باشند

يا ايهاالذدين آمنوا لا تتخذوا ابائکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر
علی الایمان و من يتولهم منکم فاولئک هم الظالمون: براءة آیه ۲۳.

یعنی ای آنکسانیکه ایمان دارید دوست اخذ نکنید برای خودتان پدران و برادران خود را هر گاه آنها اختیار نمایند کفر را بر ایمان، و هر که از شما آنها را دوست بدارد پس آنکسان ظالمند و ظالم معلوم است که معذب و معاقب است .
و در این آیه نهی فرموده از دوست اخذ کردن پدر و برادر در فرضیکه مایل بر کفر باشند، و این دوست داشتن آنها را ظلم بردین خداوند قرار داده است و ظلم بر پیغمبرش نموده .

«آیه هفتاد و هشتم»

در نجاست مشرکین و نهی از ورود آنها

به مساجد مسلمین

یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقر بوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا وان خفتهم عیلة فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء برائة آیه ۲۸ .
یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید بدرستی که بخداوند شریک قرار دهند گان نجسند پس بمسجد حرام نزدیک نشوند یعنی شما نگذارید آنها را داخل مسجد بشوند و هر گاه شما بسبب منع آنها از دخول مسجد از فقر و فاقه بترسید که مبادا آنها نیایند و مال التجاره نیارند و غلات را برای ما مسلمانان نیاورند ما ما محتاج نان و لباس میشویم پس شما بترسید و زود است که خداوند از فضل خودش شما را غنی بکند و در تجارت و آوردن غلات بآنها محتاج نشوید هر گاه خداوند خواسته باشد .
و در این آیه مشرکین را نجس قرار داده و منع کرده از داخل شدن آنها بر مسجد حرام و تفصیل این آیه و آیات دیگر را که در نجاست غیر مسلمین وارد شده واحادیث وارده در این باب را در کتاب کشف الحجاب (۱) در نجاست اهل کتاب ذکر کرده ام هر که خواهد رجوع بکند .

«آیه هفتاد و نهم»

نهی از ذخیره کردن طلا و نقره و زکوة آنرا ادا کردن

والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم
برائة ذیل آیه ۳۴ .

(۱) نام این کتاب طریق صواب است و از مؤلف مرحوم کتابی باین اسم در این موضوع دیده نشده (صحیح)

یعنی کسانی که طلا و نقره را ذخیره میکنند برای خودشان و زکوة آن را در راه خداوند و در مصالح عمومی مسلمین انفاق نمیکنند پس از برای ایشان خبر بدهید بر عذاب درد ناك در روز قیامت، و بعد از این آن عذاب درد ناك را در آیه دیگر نقل فرموده.

و در این آیه زکوة طلا و نقره و عذاب ندادن زکوة آنها را بیان کرده و زکوة آنها از چهل يك است.

«آیه هفتاد و هشتم»

نهی از طلب مغفرت نمودن جهت مشرکین

بعد از فوت آنها هر چند از خویشان باشند

ماکان للنبی و الذین آمنوا ان یتستغفروا للمشرکین و لو کانوا اولی قریبی

برائة آیه ۱۱۴.

یعنی جایز نیست از برای پیغمبر و از برای کسانی که ایمان آورده اند اینکه طلب مغفرت بکنند بر مشرکین و هر چندیکه آن مشرکین از اقرباء ایشان بوده باشند و در این آیه خداوند نهی فرموده از طلب مغفرت کردن بر مشرکین بعد از فوت آنها و مردن آنها چنان که در آیات سابقه از دوستی آنها در حال حیات نهی فرموده است.

«آیه هفتاد و نهم»

نهی از محبت دنیا و زنده گانی آن و وعید دوزخ

بر منکرین معاد

ان الذین لایرجون لقائنا و رضوا بالحیوة الدنیا و اطمأنوا بها و الذین

هم عن ایاتنا غافلون اولئک ماویهم النار بما کانوا یکسبون یونس آیه ۷ و ۸

یعنی بدوستی که آن کسانی که امیدوار ملاقات خداوند نمیشوند و راضی میگردند

به حیات دنیا و خاطر جمع میشوند بزنده گانی دنیا و در خیال آخرت خودشان نمیباشند

و ایمان بر حشر و نشر ندارند و آنکسانیکه از آیات و علائم آخرت غافلند جای و محل آنها آتش دوزخ است از جهت آنچه کسب کرده اند از عدم اعتقاد بآخرت و اطمینان تام فقط بدنیا و غفلت آنها از آیات ماکه در خصوص آخرت است .

و در این آیه وعید دوزخ فرموده بر کسیکه اعتقاد بآخرت نداشته باشد و در اعمال و افعال خیال او فقط دنیا بشود و قصد او آخرت نشود، و در چند آیه از این اشخاص مذمت کرده و در یونس : **قال الذین لایرجون لقاءنا . و ایضاً: فخذوا الذین لایرجون لقاءنا و در فرقان : و قال الذین لایرجون لقاءنا . و ایضاً: بل کانوا الایرجون نشوراً . و در جنائیه : المذین لایرجون ایام الله . و در نبأ : انهم کانوا الایرجون حساباً :**

« آیه مشتادم »

نهی از عمل بظن و گمان در اصول و فروع دین

و ما یتبع اکثرهم الا ظناً ان الظن لایغنی من الحق شیئاً . یونس آیه ۲۷
یعنی و تابع نمیشوند اکثر مردمان در دین خودشان و اصول و فروع اسلام مگر بظن بدرستی که ظن و گمان کردن غنی نمیکند انسان را از حق و واقع و در این آیه نهی فرموده از تابع شدن بر ظن و خبر داده که ظن ایشان را از حق غنی نخواهد کرد و در نجم فرموده : **و ان الظن لایغنی من الحق شیئاً :** و در بیست و هفت آیات شریفه خداوند عمل بظن را مذمت کرده چنانکه در رساله نجات الفرقه و صراط سوی همه آیات را ذکر کرده ام

« آیه مشتاد و بکم »

نهی از میل کردن بظالم و راضی بودن بحکومت او

ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار هود . آیه ۱۱۵
یعنی میل نکنید بسوی کسانی که ظلم کرده اند پس اگر چنین بکنید و مایل باشید بظلم کنندگان شمارا آتش دوزخ مس میکند .

و در این آیه نهی فرموده از میل کردن بظلم کنندگان یعنی کسیکه در وقتی

ظلم کرده یا بمردمان و یا بر نفس خود و معصیت کار شده پس میل بسوی او و رئیس شدن او در احکام دینی و مفتی بودن او در مسائل اسلامی حرام است بصریح این آیه زیرا که حاکم و مفتی و رئیس شدن او سبب میل مردمان بر او خواهد شد، و این نیز حرام است، پس امامت ظالم بر نفس خود جایز نیست و ظالم بر امامت نخواهد رسید چنانکه در بقره فرموده: **قال ومن ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین** . یعنی حضرت ابراهیم عرض کرد: خداوندا حالا که بمن امامت مردمان را عطا فرمودی بعضی از اولاد مرا نیز امامت عطا فرمائید، خداوند در جواب او فرمودند که نمیشود و امامت که از جانب من عهد مخصوص است بر ظلم کنندگان نمیرسد: و مراد از این ظلم کنندگان همان ظلم کردن سابق است زیرا که حضرت ابراهیم بر ظلم کننده فعلی امامت را نمیخواست بعلمت اینکه این سؤال از آنحضرت منافات با عصمت او دارد. و اگر مراد او این بود که از اولاد من کسیکه معصوم است از اول عمر تا با آخر عمرش پس برای او امامت عطا فرمائید، در این فرض جواب خداوند مطابق سؤال آنحضرت نمیشود، زیرا که در جواب میفرماید که ظلم کنندگان بر امامت نمیرسند: پس از این قراین معلوم میشود که حضرت ابراهیم امامت را از برای آن اولاد خودش خواسته بود که در زمان سابق ظلم بر غیر و یا بر نفس خودش کرد، بود و بعد از مدتی توبه نموده بود و مسلم واقعی و مؤمن حقیقی شده بود، مثل سلمان و ابوذر پس خداوند در جواب او فرمود که: امامت بر ظلم کنندگان نخواهد رسید، و از این معلوم میشود که امامت و خلیفه مسلمانان بعد از پیغمبر باید معصوم باشد و الا میل بظالم میشود و مردمان رکون بر ظالمین میکنند و این نیز بصریح آیه: **ولاترکونوا حرام است** .

«آیه مشتاد و دویم»

نهی از ریاس از رحمت الهی و اینکه مأیوس

از کافرین است

و لا تأسوا من روح الله انه لا یأس من روح الله الا القوم الکافرون

یوسف ذیل آیه ۸۷ .

یعنی مایوس نشوید از رحمت خداوند و از فضل او بدرستیکه مایوس نمیشود
از فضل و رحمت او مگر آنهاییکه کافرند و خداوند را و رحمت او را منکرند .
«آیه هشتاد و سیم»

نهی از فساد کردن در روی زمین

و شکستن عهد الهی

والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان یوصل و
یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار . رعد آیه ۲۵
یعنی آنکسانیکه نقض میکنند عهد خداوند را بعد از محکم کردن خودشان
آن عهد را با ارسال رسل و انزال کتب ، و دیگر قطع مینمایند آنچه را که خداوند
امر فرموده بروصل آن، از ملاحظه صلّه ارحام خود وصله ارحام پیغمبر و فساد میکنند در
زمین ، بر این سه نفر لعنت خداوند خواهد بود و از برای این ها است محل بد که
دوزخ است .

و در این آیه از فساد کردن در روی زمین نهی کرده : و در آیات سابقه ذکر شده
و از نقض عهد خداوند نهی کرده : و در چند آیه دیگر نیز وارد شده ، و در بقره
الذین ینقضون عهد الله : و در انفال : ثم ینقضون عهدهم فی کل مرة . و در
رعد : ولا ینقضون الميثاق : و از قطع صلّه و قطع رحم نهی فرموده : و در بقره :
ویقطعون ما امر الله به ان یوصل : و در رعد : والذین یصلون ما امر الله به ان یوصل
«آیه هشتاد و چهارم»

نهی از شرک و قائل بدو خدا بودن

لا تتخذوا الهمین اثنین انما هو اله واحد فایای فارهبون نحل آیه ۵۳ .
یعنی از برای خودتان دو خداوند اخذ نکنید بدرستیکه خداوند خدای واحد
است و از او بترسید، و در این آیه نهی فرموده از اخذ کردن در خداوند : و در بنی اسرائیل
الاتخذوا من دونی وکیلا : یعنی بغیر از خداوند از برای خودتان محل اعتماد و
توکل اخذ نکنید .

«آیه هشتاد و پنجم»

نهی از شبیه و نظیر قرار دادن برای خداوند

فَلَا تُضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . نحل آیه ۷۶ .

یعنی قرار ندهید از برای خداوند نظیر و هم مثل و چیزی را مثل او قرار ندهید و چیزی را باو تشبیه نکنید زیرا که این تشبیه کردن و مثل قرار دادن منافات با توحید دارد و شرك است و بدرستی که خداوند عیب واقعی را میداند و شما نمیدانید پس نباید چیزی را بدون تعلیم خداوند و پیغمبر او بگوید .

«آیه هشتاد و ششم»

نهی از انکار نعمت های خدا و امر بیادداشتن نعمت او

يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ نحل آیه ۸۵ .

یعنی نعمت خداوند را میشناسند و بعد از دانستن و فهمیدن آن نعمت را آنکار میکنند و اکثر این مردمان از جهت انکار نعمت خداوند کافر میشوند .

و در این آیه از انکار نعمت نهی فرموده و انکار را سبب کفر قرار داده : و در آیات بسیار ذکر نعمت و امر بذكر نعمت فرموده : در مائده در دو مورد : اذكروا نعمة الله عليكم . و در ابراهیم و ملائکه : اذكروا نعمت الله عليكم . و در نحل : و اشكروا نعمت الله . و در بقره : و من يبدل نعمة الله . و در ابراهیم : الذين بدلوا نعمة الله . و در بقره و آل عمران و مائده : و اذكروا نعمت الله عليكم و در ضحی : و اما بنعمة ربك فحدث . و در نحل : افبنعمة الله يحجدون . و ایضاً و بنعمة الله هم يكفرون . و ایضاً : كذلك يتم نعمته عليكم . و در مائده . و لیتیم نعمته عليكم . و ایضاً . و اتممت عليكم نعمتی و رضیت لكم الاسلام دیناً . و بقرینه آیه آخر که در غدیر خم نازل شده بعد از تعیین حضرت پیغمبر حضرت امیرالمؤمنین را بخلافت همین آیه نازل الیوم اکملت لكم دینکم و اتممت عليكم نعمتی . الی آخر می توان گفت که مراد از این نعمتها امامت و خلافت آنحضرت است، و یا آنکه مراد هم نعمت خلافت و هم سائر نعمتها است .

«آیه مشناد و منتم»

نهی از شکستن عهد و پیمان و نقض سوگندها

ولا تنقضوا الایمان بعد تو کیدها . تا آنکه فرموده: ولا تكونوا کالذی نقضت
غز لها من بعد قوة انکاثاً تتخذون ایمانکم دخلاً بینکم . تا آنکه فرموده: لا
تتخذوا ایمانکم دخلاً بینکم . نحل آیه ۹۳ تا ۹۶ .

یعنی عهد و پیمان و یمین خودتان را نقض نکنید بعد از تأکید کردن خودتان
عهد و یمین را، که خداوند را شاهد گرفته‌اید، و نبوده باشید مثل آن زنی که پشم و
نخ خود را میریسید و بعد از رسیدن آن را نقض میکرد و پراکنده مینمود: و شما
نیز مثل آن زن نباشید که اخذ بکنید یمین و عهد خودتان را حيله و سبب خیانت
کاری و اخذ نکنید عهد های خودتان را حيله و مکر در بین خودتان تا آنکه بسبب
یمین و عهد مردمان را فریب بدهید و مغرور نمائید .

و در این آیه مکرراً از نقض یمین و از شکستن عهد نهی فرمود، و نظر این آیه
در اول با آنکسان است که عهد و یمین خودشان را در خصوص خلافت حضرت امیر المؤمنین
در روز غدیر شکستند و اول بیعت و قبول کردند و بعد از رحلت حضرت پیغمبر ع
بیعت را نقض نمودند و بعد از آنها شامل است بر هر کسی که نقض عهد و یمین خود
را بکند .

«آیه مشناد و منتم»

نهی از افتراء و دروغگوئی و اینکه افترا زننده

ظالم تر از کذاب است

انما یفتري الکذب الذین لا یؤمنون بآیات الله و اولئک هم الکاذبون

نحل آیه ۱۰۷ :

یعنی بدرستی که کذب را افتراء میکنند آنکسانیکه ایمان بر آیات خداوند
نیاورند و دروغگویان از جانب خداوند ایمان بخداوند ندارند زیرا که ایمان با افترای

دروغ بخداوند منافات دارد و آنها کاذب هستند که میگویند ما ایمان داریم با وجود دروغ گفتن آنها.

و در چند آیه خداوند کذب و افتراء را مذمت نموده : و در مائده : و لکن الذین کفروا یفترون علی الله الکذب . و در یونس : وما ظن الذین یفترون علی الله الکذب . و ایضاً : قل ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون . و در نحل الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون . و ایضاً : لیفتروا علی الله الکذب . و در صف : و من اظلم ممن افتری علی الله الکذب .! و در انعام و هود و عنکبوت : و من اظلم ممن افتری علی الله کذباً .! و در انعام و یونس و اء-راف و کهف : فمن اظلم ممن افتری علی الله کذباً .! و در طه : لا تفتروا علی الله کذباً . و در این آیات خداوند از افتراء و کذب گفتن نهی فرموده و افتراء گویندگان را ظالمتر قرار داده و رستگاری را از آنها نفی کرده .

«آیه مشتاد و نهم»

نهی از ارتداد (مرتد شدن) و اذن بر تقیه

من کفر بالله من بعد ایمانه الامن اکره و قلبه مطمئن بالايمان و لکن من شرح بالكفر صدراً فعلیهم غضب من الله و لهم عذاب عظیم . نحل آیه ۱۰۸ یعنی هر که کافر شود و مرتد گردد بعد از ایمان آوردنش پس بجزای کفرش خواهد رسید که دوزخ است، مگر آنکه کسی مجبور شود بر کافر شدن و مرتد گردیدن در ظاهر، و حال آنکه در باطن قلب او بر ایمان خاطر جمع است پس در این فرض آنکس مرتد نمیشود و برای او عیب ندارد و لکن کسیکه با شرح صدر و با اعتقاد خودش کافر شود پس از برای آنها غضب خداوند و عذاب بزرگ است از جانب خداوند و در این آیه از ارتداد نهی کرده و بر کفر عذاب بزرگ معین نموده و اذن بر تقیه نمودن داده است چنانکه در آل عمران نیز فرموده : الا ان تتقوا منهم تقاة . یعنی هر گاه از جهت تقیه با سائر فرق با اعتقاد و مذهب آنها رفتار بکنید عیب ندارد .

«آیه نودم»

نهی از فتوی دادن در دین با رأی خود بدون

دلیل از قرآن و احادیث

ولا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا على

الله الكذب . نحل آیه ۱۱۷

یعنی با رأی خودتان اشیاء را حلال و حرام نکنید و بدون دلیل قاطع از قرآن و احادیث صحیحہ حضرت پیغمبر حکم بحلال بودن و حرام شدن چیزی نکنید و هر چه بزبان شما آمده بدون حجت و اضحه از جانب شریعت نگوئید تا آنکه بخداوند افترای کذب ندهید .

و در این آیه از فتوای بدون دلیل و از حکم کردن بغیر از قرآن و احادیث نهی کرده و حکم بدون دلیل را کذب بر خداوند و افتراء بر او قرار داده و آیات افتراء در سابق ذکر شد .

«آیه نود و یکم»

حرمت اف گفتن و زجر بوالدین و امر بطلب

مغفرت برای آنها

اما يبلغن عندك الكبر احدهما او كلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما و

قل لهما قولا كريماً . بنی اسرائیل ذیل آیه ۲۴

یعنی هر گاه یکی از پدر و مادرت و یا هر دو در نزد تو بر کبر سن برسند و ترا اذیت بکنند پس در مقابل اذیت ایشان اف (رنج می برم) مگو و بایشان زجر مکن و بایشان سخن خوب بگو و بعد از این میفرماید .

و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة و قل رب ارحمهما كما ربياني صغيراً
یعنی برایشان تواضع بکن و جناح (بال) رحمت را بر آنها پهن کن و از خداوند از برای ایشان طلب رحمت بکن چنانکه ترا ایشان تربیت کردند .

«آیه نود و دویم»

نهی از اسراف و اینگکه مسرفین برادران شیاطینند

ولا تبذر تبذیراً ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين بنی اسرائیل آیه ۲۸ و ۲۹

یعنی مال خود را متفرق نکن بسبب اسراف و انفاق در آنچه سزاوار نیست بدرستی که اسراف کنندگان برادران شیطان اند یعنی در طریقه آنهاست .

«آیه نود و سیم»

نهی از بخل در انفاق و اسراف در بخشش

ولا تجعل يدك مغلولة الي عنقك ولا تبسطها كل البسط بنی اسرائیل آیه ۳۱ .

یعنی دست خود را بر گردنت نبندی یعنی بخیل نباشی و تنگدستی نکنی و دست خود را يك مرتبه باز نکن و هر چه داری یکمرتبه انفاق مکن : و در فرقان :
والذين اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا وكان بين ذلك قواماً : یعنی مؤمنین آنکسانند که زمانی که انفاق میکنند اسراف نمیکنند و اقتار و تقتیر نمی نمایند و در بین افراط و تفریط سلوک میکنند .

«آیه نود و چهارم»

نهی از زنا و حرمت آن

ولا تقر بوا الزنا انه كان فاحشة وساء سميلاً بنی اسرائیل آیه ۲۴

یعنی نزدیک نشوید بزنا بدرستی که آن زنا فاحشه و راه بد است : و در فرقان

ولا يزنون و من يفعل ذلك يلق اثمًا يضاعف له العذاب يوم القيمة و يخلد فيه مهاناً یعنی مؤمنین آنکسانند که زنا نمیکنند و هر که زنا بکند گناهکار است و در روز قیامت عذاب او زیاد تر میشود و در عذاب مغلد خواهد شد در حال خواری و در آیات سابقه گذشت نهی کردن خداوند از فاحشه و مراد از آن زنا است و علت فاحشه بودن زنا فعل قبیح بودن آنست .

«آیه نود و پنجم»

نهی از راه رفتن از روی کبر و فخر کردن

ولا تمش فی الارض مرحاً بنی اسرائیل ۳۹.

یعنی راه رفتن تو در زمین بطور متکبران نباشد و بلکه بقرار متواضعان بوده باشد و در فرقان در صفت مؤمنین فرموده . الذین یمشون علی الارض هوناً یعنی مؤمنان آن کسانند که در زمین با تواضع راه میروند : و در لقمان : ولا تمش فی الارض مرحاً ان الله لا یحب کل مختال فخور و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک . یعنی در زمین مثل متکبران راه نروی بدرستی که خداوند دوست ندارد تمامی متکبران و بدون جهت فخر کنندگان را و در راه رفتن خودت میانه رو باش و صدای خود را بلند نکن در سخن گفتن .

«آیه نود و هشتم»

نهی از بلند قرائت کردن نماز و هم چنین

آهسته خواندن

ولا تجهر بصلوٰتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سییلا بنی اسرائیل

ذیل آیه ۱۱۰ .

یعنی در قرائت نمازت جهر مکن و اخفات هم نکن و در میان جهر و اخفات یک راهی طلب بکن و در این آیه نهی فرموده از بلند قرائت کردن و از آهسته خواندن قرائت در نمازها و حدیث صحیح علی بن جعفر نیز این نحو است و در اساس الاسلام ذکر کرده ام

«آیه نود و هفتم»

نهی از نگفتن انشاء الله در امورات

ولا تقولن لشی انی فاعل ذلک غداً الا ان یشاء الله و اذکر ربک اذا نسیت

کهف آیه ۲۳ .

یعنی البته نکو من فلان چیز را فردا خواهم کرد و فردا فلان کار را می‌کنم مگر آنکه انشاء الله تعالی بگوئی و اگر انشاء الله گفتن را فراموش نمودی هر وقتیکه بخاطرت

رسید خداوند را ذکر بکن بگفتن انشاء الله .
«آیه نود و هشتم»

نهی از تضييع نماز و متابعت شهوات

فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غياً
مریم آیه ۶۰ :

یعنی بعد از حضرات انبیاء جماعتی بدنیا آمدند که نماز واجب خداوند را ضایع کردند و تابع شهواتهای دنیا شدند از لباسهای مرغوب زودخراب شده ، وزنهای غیر متدبینه پس جزای ضایع کردن نماز و تابع شدن بر فضولات معاش و زینت خارج از اقتصاد زندگانی بزودی انداخته شدن آنها است بر چاه عمیق دوزخ و یا برغی و ضلالت در دنیا و آخرت .

و در این آیه از ضایع کردن نماز و از تابع بر شهوتها شدن نهی فرموده و جزای اینها را غیّ قرار داده و اثر تابع بودن بر شهوتها ضایع شدن نماز است .
«آیه نود و نهم»

نهی از اعراض نمودن از یاد خدا و جزای آن

و من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکاً و نحشروه یوم القيمة اعمی
سوره طه آیه ۱۲۳ و ۱۲۴ .

یعنی هر که اعراض بکند از یاد آوری خداوند پس بدستیکه از برای او گذران بد و تنگ خواهد شد و در نزد مردمان خوار و ذلیل میشود از جهت اعراض او از خداوند و در آخرت محشور خواهد شد کور و چشم بدون نور .
و در این آیه نهی فرموده از اعراض کردن از یاد آوری خداوند و جزای آن را تنگ شدن زندگانی و کوری آخرت قرار داده .
«آیه ستم»

نهی از قول بدون علم و مجادله در دین خدا

و متابعت شیطان صفتان
و من الناس من یجادل فی الله بغير علم و یتبع کل شیطان مرید کتب علیه

انه من تولاه فانه يضلّه و يهديه الى عذاب السعير حج آيه ۳ و ۴ .

يعنى بعضى از مردمان كسانى هستند كه در توحيد خداوند بدون علم و يقين مجادله و مخاصمه ميكنند و بدون برهان علمى نزاع و جدال مينمايند و تابع هر شيطان و فریب دهنده ميشوند و بر آن شيطان فسادكننده گویا نوشته و حتم شده كه هر كه بر او تابع شود پس آن شيطان او را بر ضلالت واقع كند و او را بر عذاب دوزخ وارد نمايد و باوجود اين باز بعض مردمان بر آن شيطان تابع ميشوند و بدون دليل قطعى برسختن او باور ميكنند .

و در اين آيه نهي فرموده از قول بدون علم در توحيد و دين خداوند و از تابع شدن بر اشخاص شيطان صفت و از قبول كردن قول كسي كه بدون علم چيزي بگويد و در چند آيه بعد از اين (آيه ۸) فرموده : *ومن الناس من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير ثاني عطفه ليضل عن سبيل الله .* يعنى بدون علم و بدون هدايت و بدون كتاب واضح از جانب خداوند بنای مجادله و مخاصمه ميگذارد در دين خداوند از جهت كبر و غرورش تا آنكه مردمان را بضلالت واقع بكنند و از راه دين خداوند ايشان را باز دارد : و در لقمان : *ومن الناس من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير .* و در مؤمن : *الذين يجادلون في آيات الله .* و ايضاً : *ان الذين يجادلون في آيات الله .* و ايضاً : *الم تر الى الذين يجادلون في آيات الله و در شوري : و يعلم الذين يجادلون في آياتنا .* و در انعام : *حتى اذا جأؤك يجادلونك .* و در انفال : *يجادلونك في الحق .*

و مراد از اين آيات مجادله كردن منافقين است در دين خداوند بدون علم و مخاصمه نمودن معاندين بدون يقين و از اينها خداوند نهي فرموده و شخص متدين نبايد بدون علم از قرآن و از احاديث صحيحه مجادله و مخاصمه نمايد .

« آيه صد و يكم »

نهي از بي ثباتي و ناپايداري در دين

ومن الناس من يعبد الله على حرف فان اصابه خيراطمئن به وان اصابه

فتنة انقلب على وجهه خسر الدنيا والاخرة . حج آیه ۱۱ .

یعنی بعض از مردمان است که عبادت میکند بخداوند برحرفی و بدون ثبات در دین پس هر گاه از دین برای او خیر برسد خوشحال و خاطر جمع میشود، و اگر از دین بر او یک ضرری و خسارتی وارد شود از دین برمیگردد و بروی خود واقع میشود و از دین خداوند اعراض میکند و این شخص در دنیا و در آخرت خاسر و زیانکار خواهد شد .

و در این آیه نهی فرموده از بدون ثبات بودن در دین و از ملاحظه کردن نفع خود در عمل باحکام دین و از عمل آنکسیکه دین را سبب نفع خود نماید و زمانیکه در دین نفع دید دیندار شود و وقتیکه ضرر بدنیای خود دید دیندار نشود و بر احکام دین عمل نکند .

«آیه صدودویم»

در دین مقدس اسلام سختی و مشقت نیست

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج . حج ذیل آیه ۷۷

یعنی خداوند از برای شما در دین حرج و مشقت قرار نداده است . و در احزاب
 لکیلا یكون علی المؤمنین حرج . و ایضاً : لکیلا یكون علیکم حرج . و در مائده :
 لیجعل علیکم من حرج . و در احزاب : ما کان علی النبی من حرج . و در اعراف :
 فلا یکن فی صدرك حرج منه . و مراد از این آیات رفع عسر و حرج از دین خداوند
 است و در بقره : لا یكلف الله نفساً الا وسعها . و در انعام و آل عمران : لا یكلف الله نفساً الا
 وسعها . و در مؤمنین : و لا یكلف نفساً الا وسعها . و در طلاق : لا یكلف الله نفساً الا
 ما آتیها . و در بقره : یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر . و مراد از اینها
 نفی شدت و زحمت و مشقت است در دین اسلام، و احکام شرع انور سهل و آسان
 است لهذا اطفال ده ساله مکلف اند بر تکالیف اسلام و اگر سهل و آسان نبوده باشد
 اطفال نه ساله و ده ساله مکلف باحکام شرع انور نبودند چنانکه در رساله نجات ایران
 ذکر کرده ام .

«آیه صد و سیم»

حرمت زن زانیه بر مرد مؤمن و مرد زانی بر مؤمنه

الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکة والزانیة لا ینکحها الا زان او مشرکة و حرم

ذلک علی المؤمنین . نور آیه ۳

یعنی مرد زناکار نکاح نمی کند مگر زن زنا کار را و یا زن مشرک را، و زن زنا کار زن نمیشود مگر بمرد زناکار و یا مرد مشرک و حرام شده این بر مؤمنین یعنی مؤمن باید زن فاحشه عقد نکند و زن مؤمنه باید بمرد زنا کار عقد نشود و این حکم در آن مرد و زن است که مشهور و معروف باشند و توبه آنها معلوم نشود .

«آیه صد و چهارم»

حرمت نشر اعمال بد در بین مردم

و دوست داشتن آن

ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا

والاخرة . نور آیه ۱۸

یعنی آن کسانی که دوست دارند که فاحشه شایع شود در میان مؤمنان از برای آنها است عذاب دردناک در دنیا و در آخرت اما عذاب دنیا پس تعزیر آنها است زیرا که هر که يك عمل بد را انتشار بدهد پس بر او تأدیب و تعزیر لازم میشود .

«آیه صد و پنجم»

نهی از قسم خوردن بر ترک احسان

ولا یأتلوا اولوا الفضل منکم والسعة ان یؤتوا اولی القرابی والمساکین و المهاجرین فی سبیل الله و لیعفوا و لیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم نور آیه ۲۲ .

یعنی قسم نخورند اغنیاء و مالداران بر اینکه بر اقرباء و مساکین و مهاجرین در

راه دین خداوند احسان نکنند و این قسم ایشان بدون فائده است و البته از همدیگر عفو بکنند و بر همدیگر مهربانی نمایند آیا دوست ندارید که خداوند شما را بیامرزد در عوض عفو شما از همدیگر و مهربانی شما بیکدیگر .
 «آیه صد و هشتم»

حرمت نسبت زنا باذن به مؤمنات محصنات

ان الذين یرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنيا والاخرة
 ولهم عذاب عظیم . نور آیه ۲۳ .

یعنی بدرستی که آنکسانی که نسبت زنا میدهند بر زنان باعصمت و عقیقه که غافل و مؤمنند و از آن نسبت خبر ندارند پس آنها در دنیا و آخرت ملعون اند و از برای آنها عذاب بزرگ است .

«آیه صد و هفتم»

نهی از دخول بخانه غیر بدون اذن صاحب آن

لا تدخلو بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنوا و تسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم
 لعلکم تذكرون فان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم وان
 قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو از کی لکم نور آیه ۲۷ و ۲۸

یعنی ای آنکسانی که ایمان آورده اید بخانه مردمان داخل نشوید تا آنکه طلب اذن بکنید از اهل آنخانه و بعد از داخل شدن سلام بدهید باهل آن و این دستور العمل بشما از جهت اینست که شاید شما متذکر منافع دین و دنیای خودتان باشید پس وقتی که در آنخانه کسی نیافتید پس داخل آنخانه نشوید تا آنکه اذن دخول بشما داده شود و اگر بشما گفتند برگردید پس برگردید و اینکه بدون اذن داخل خانه کسی نشوید از برای شما خوبتر است .

و در این آیه نهی فرموده از دخول بخانه غیر بدون اذن اهل آن : پس بنا بر صریح این آیه نباید کسی بخانه دیگری داخل شود و نباید بدون و عده گرفتن برود و شام

و نهار بخورد و یا روزه بخواند که حرام است : و بعد از این فرمود : لیس علیکم جناح ان تدخلوا بیوتاً غیر مسکونۃ فیها متاع لکم . یعنی برای شما عیب ندارد اینکه داخل بشوید بر بعضی از جاهائی که محل سکنای شخص مخصوص نیست مثل حمامها و کاروانسراها و امثال اینها که در آنها برای شما انتفاع بردن است از حفظ سرما و گرما و معامله کردن

«آیه صدومشتم»

حرمت قوادی (جمع بین دو حرام کردن) و حد آن
ولا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء ان اردن تحصناً لتبتغوا عرض الحیوة الدنیا
نور آیه ۳۳ .

یعنی وادار نکنید جوانهای کنیزان را بزنا کردن هرگاه آنها میل نداشته باشند تا آنکه شما بسبب وادار کردن آنها بزنا کاری طلب مال دنیا بکنید و از جهت زنای آنها چیزی بدست بیاورید: و در این آیه نهی فرموده از وادار نمودن شخصی بزنا و از اعانت کردن یکی بمعصیت کاری و در صورت اکراه گناه او بکردن آنست که او را اکراه کرده و در فرض عدم اکراه گناه معصیت کار بکردن خودش است .
و مراد از این آیه نهی از قوادی کردن و میان دو حرام را جمع کردن است که هفتاد تازیانه حد دارد .

«آیه صدونهم»

نهی از اعمال رأی در دین و وجوب اطاعت

از خدا و رسول

و ربك یخلق ما یشاء و ینتار ما کان لهم الخیرة سبحان الله و تعالی عما
یشرکون قصص آیه ۶۸ .

یعنی خداوند تو خلق میکند آنچه را که میخواهد و اختیار میفرماید در او امر و نواهی خودش و در امر نبوت و امامت و خلافت هر آنچه که مناسب منافع عمومی بوده باشد و بعد از اختیار خداوند در مردمان اختیار تغییر و تبدیل نیست در آنچه

برای ایشان قرار داده و خداوند متزه است و متعالی است از آنچه مردمان براوشريك قرار میدهند و در مقابل اختیار او آنها نیز چیز دیگری اختیار میکنند .

و در احزاب فرموده : **و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى الله ورسوله امرا ان يكون لهم الخيرة من امرهم .** یعنی جایز نیست از برای مرد و زن با ایمان زمانی که حکم فرمود خداوند و پیغمبر او بر امری اینکه از برای آنها اختیار باشد در امر خودشان و بلکه باید آنچه خداوند و رسول او اختیار فرمودند بر آن انقیاد نمایند و اطاعت بکنند در جمیع اوامر و نواهی او و در نبوت و امامت و خلافت برای امت

«آیه صدودهم»

نهی از فساد و گردان گشتی در زمین

و این که نعمت های آخرت مال متواضعانست

تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض و لافساداً

قصص آیه ۸۳ .

یعنی همین خانه آخرت را که اوصاف آن را شنیده اید قرار میدهد خداوند از برای آن کسانی که اراده نکنند بلندی کردن را در زمین و فساد نمودن را در آن و از این آیه معلوم میشود که کسانی که اراده بلند بودن بدون استحقاق را دارند و نظر آنها تقدم است بدیگران بدون جهت واقعی پس آنها آخرت ندارند و از دار آخرت بدون نصیبند : و مراد از فساد همان مقدم شدن غیر اهل علم است باهل علم و تقدم غیر اهل علم است بر اهل علم و مراد از علو طلب مقام عالی است از برای غیر اهل و بدون استحقاق .

«آیه صد و یازدهم»

نهی از مجادله بیهودان و نصاری مکر بطریق

احسن و موعظه

ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين ظاهوا منهم و قولوا

آمنا بالذي انزل الينا و انزل اليكم و الهنا و الهكم واحد و نحن له مسلمون

عنکبوت آیه ۴۵ .

یعنی مجادله نکنید با اهل کتاب مگر با آن طریقی که آن احسن است از مواظ بالغه و نصایح کامله و کلمات حقه مگر آنکسانیکه از آنها ظالمند و سخن حق را قبول نمیکند و طریق احسن اینست که بگوئید بآنها که: ما ایمان آوردیم بر آنچه بر ما و بر شما نازل شده و خداوند ما و خداوند شما يك است و از برای ما و شما دو خداوند نیست و بلکه خدایتعالی یکیست و ما مسلمانان بر آن خداوند یکتا اسلام آورده ایم چنانکه شما نیز میگوئید که خداوند يك است .

«آیه صدود و اژدهم»

نهی از تفرق در دین و وجوب پیروی

از رسول اکرم «ص»

ولا تكونوا من المشركين من الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعاً كل حزب بما لدیهم فرحون آیه ۳۱ روم .

یعنی نبوده باشید از مشرکین از آنکسانیکه دین خودشان را متفرق نموده بارایها و هواهای خودشان و بوده اند فرقه های متعدده با ادیان مختلفه و هر فرقه از آنها بآنچه در نزد آنست مسرور و خوشحال است از جهت اینکه خیال میکند که دین حق رأی و هوای او است .

و در این آیه نهی فرموده از اینکه هر فرقه از برای خود يك دین اخذ بکند بارای خود و این را شرك قرار داده زیرا که دین خداوند با پیغمبر او و بادستور العمل پیغمبرش ثابت میشود نه بارای و هوای مردمان چنان که باطن هر کسی را خودش میداند نه کسی دیگر .

«آیه صد و سیزدهم»

نهی از گمراه نمودن مردمان بسبب لهو و لعب

و دین را استهزاء نمودن

ون الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم ويتخذها

هزواً اولئك لهم عذاب مهين سوره لقمان آیه ۵

یعنی بعض از مردمان آنکس است که میخورد کلمات و حکایات دروغ و مضحک و لهو و لعب را از جهت مشغول کردن مردمان و برضالات انداختن آنها از راه دین خداوند، بدون اینکه علم بدین خداوند داشته باشد و تحصیل علم بر احکام دین بکند و اخذ میکند دین را سخریه و استهزاء و از برای این اشخاص عذاب درد ناک است در آخرت :

و در این آیه نهی فرموده از اضلال مردمان بسبب لهو و لعب گفتن و حکایات مضحکه نقل کردن بآنها، و دین را استهزاء نمودن بدون علم بر آنچه میگوید .

«آیه صد و چهاردهم»

نهی از تواضع نمودن به مردمان از جهت مال و منصب دنیا

ولا تصعر خدك للناس ولا تمش في الارض مرحاتا آنکه فرمود: و اقصد في مشيك . لقمان آیه ۱۷

یعنی بسیار تواضع نکن به مردمان از جهت طمع بر آنچه در نزد آنها است از مال دنیا و دیگر مشی نکن و راه نرو در زمین در حال کبر و غرور و بلکه مشی کردن تو و جمیع رفتار و گفتار تو در حال اقتصاد و وسط بوده باشد .

«آیه صد و پانزدهم»

نهی از مغروری به مال و زندگانی دنیا

فلا تغرنكم الحيوۃ الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور لقمان آیه ۳۳ .

یعنی پس البته شما را مغرور نکند فضولات زندگانی دنیا و البته مغرور نکند شما را بخداوند شیطان و اشخاصیکه مثل شیطانند که بر او امر و نواهی خداوند اعتناء نکنید، و از او اعراض بکنید و نظر شما همین فضولات دنیا باشد در دست هر که دیدید بآن مایل شوید : و این آیه در سوره فاطر نیز موجود است .

«آیه صد و شانزدهم»

نهی از اظهار کردن زنان و حکم گفاره آن

وما جعل ازواجکم الا لئلا تظاهروا منهن امهاتکم وما جعل ادعیاءکم

ابناء کم ذاکم قولکم بافوا حکم و الله یقول الحق وهو یهدی السبیل
احزاب آیه ۴ .

یعنی خداوند قرار نداده زنهای شما را که با آنهاظهار میکنید مادران شما ، و
قرار نداده آن اشخاص را که شما آنها را پسر و فرزندانم میگوئید پسران و فرزندان
شما حقیقتاً ، واینکه میگوئید بزنهاى خودتان که تو مادرم و پشت تو بمنزله پشت مادرم
است برهن ، ویا اینکه بر اشخاص دیگر میگوئید پسر و فرزندانم پس این نحو سخنان
قول است بزبان و حقیقت ندارد ، و حقیقت را خداوند میفرماید و او هدایت میکند
براه حق : و در زمان جاهلیت در عوض طلاق بزنهاى خود میگفتند که پشت تو بمنزله
پشت مادرم است و این بدعت را خداوند از مسلمانان برداشته و طلاق با شرایط قرار
داد ، و نیز در آن زمان هر گاه کسی میگفت بطفلی ای فرزند ویا ای پسر پس او را
پسر او میدانستند و زن او را بآنکس حرام میکردند و این را در شرع اسلام برداشته
و بنارا بحقیقت گذاشته : و از این جهت حضرت پیغمبر زن زیدبن حارثه را بعد از طلاق
او تزویج نمود : و درظهار کفاره معین فرموده چنانکه در سوره مجادله بیان کرده :
الذین یظاهرون منکم من نسائهم ما هن امهاتهم ان امهاتهم الا اللاتی ولدنهم
وا نهم لیقولون منکرآ من القول و زوراً
یعنی آنکسانیکهظهار میکنند و بزنهاى خود میگویند که پشت تو بمنزله پشت
مادرم است آن زنان مادر آنها نیست و مادر آنها آن زنانند که آنها را زائیده اند
و آنهائیکه این نحو سخن میگویند قول منکر است و سخن او راست نیست و قول
زور حرام است چنانکه در سابق گذشت : و بعد از این کفاره آن را ذکر کرده که
یک عبد آزاد کردن است و اگر ممکن نشد دو ماه پی در پی روزه گرفتن است و اگر
ممکن نشد بر شصت فقیر طعام دادن است و بعد از دادن کفاره نزدیکی کردن با آن
زنان حلال است نه قبل از آن .

«آیه صدومقدم»

نهی از حرف زدن زنان بانام حرامان

از روی غمزه و ناز و نهی خروج آنها از خانه

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً ، و قرن

فی بیوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى احزاب ذیل آیه ۳۲ و ۳۳ .
 پس خضوع نکنند زنان در وقت گفتگو کردن با نامحرمان پس طمع بکنند آن
 کسیکه در قلب او مرض ریب است و در وقت سخن گفتن قول معروف بگویند و با
 ناز و غمزه حرف نزنند و در خانه خودشان بنشینند و مثل زمان جاهلیت از خانه‌های
 خودشان بیرون نشوند .

و در این آیه نهی فرموده از سخن گفتن زنان بطریق ناز و غمزه و خضوع، و
 بلکه باید سخن گفتن آنها بطریق معروف باشد، و نهی نموده از خروج آنها از خانه‌های
 خودشان و هر چندیکه این آیه در زنان حضرت پیغمبر است ولیکن عمومیت دارد و
 در همه زنان جاری است .

«آیه صد و هجدهم»

در حرمت آزار و اذیت مؤمنین و مؤمنات و بهتان بآنها

والذین يؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد اختلفوا بهتاناً
 و اثمآمیناً . سوره ص آیه ۵۸
 یعنی آنکسانیکه اذیت میکنند بر مؤمنین و بر مؤمنات بدون جنایت و گناهیکه
 از ایشان صادر شود پس آن اذیت کنندگان بر میدارند بگردن خودشان بهتان و
 گناه آشکار را .

و در این آیه نهی فرموده از اذیت مردمان با بهتان گفتن برایشان و با افتراء بستن
 بر آنها : و مثل این آیه است در نهی کردن از بهتان در احزاب : و لا تکنوا کالذین آذوا
 موسی . یعنی نبوده باشید مثل آنکسانیکه بحضرت موسی اذیت کردند و بر آنحضرت
 بهتان گفتند پس خداوند آن حضرت را بری کرد از بهتان آنها، و مراد اینست که به
 مردمان اذیت نکنید و بایشان بهتان و تهمت نگوئید .
 «آیه صد و نوزدهم»

نهی از گمراه نمودن مردم از طریق خداوند

ان الذین یضلون عن سبیل الله لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب
 سوره ص ذیل آیه ۲۵ .

یعنی بدرستی که آنکسانیکه اضلال میکنند مردمان را از دین خداوند از برای آنها عذاب باشد است از جهت اینکه آن اضلال کنندگان فراموش کرده اند روز قیامت را که در آن روز از اعمال مردمان حساب کشیده میشود .

و در این آیه نهی فرموده از اضلال مردمان و علت اضلال کردن را نسیان روز قیامت قرار داده : یعنی هر که روز قیامت را فراموش کرده و اعتقاد بآن روز حساب ندارد پس آنکس مردمان را بضالات وارد میکند و جهت اضلال کردن مردمان از دین خداوند تابع شدن اضلال کننده است بررأی و هوای خود، و بدون علم از قرآن و احادیث فتوا گفتن او است در دین چنانکه : در انعام فرموده : **وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ** : و در نحل : **الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ** . و در انعام : **لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ**
 «آیه صد و بیستم»

نهی از یأس از رحمت خداوندی و امر بپناز گشت بسوی او

لَاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ :
 وَانْزِبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلَمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ
 زمر آیه ۵۴ و ۵۵ .

یعنی مأیوس نشوید از آمرزش خداوند بدرستی که ذنوب و ثقلها و سیئات شما را میامرزد بدرستی که خدای آمرزنده و رحم کننده است و بعد از آنکه نا امید نشدید باز گشت بکنید بخداوند و توبه نمائید از ذنوب خودتان و سلم و تسلیم شوید بر امر او قبل از آنکه بیاید بشما عذاب و بعد از آمدن عذاب اعانت کننده نداشته باشید .
 و در این آیه نهی فرموده از نا امید شدن از رحمت خداوند و امر فرموده بر توبه از ذنوب و تسلیم شدن بر او امر و نواهی خودش و شرط غفران ذنوب را توبه کردن قرار داده .

«آیه صد و بیست و یکم»

نهی از ندادن زکوة و اینکه کسی

که زکوة ندهد از مشرکین است

وويل للمشرکین الذین لا یؤتون الزکوة وهم بالآخرة هم کافرون فصلت آیه ۶۷

یعنی ویل و جای بسیار بد است از برای مشرکین و آنها آنکسانند که زکوة نمیدهند و آنها بر آخرت کافرند و اعتقاد بآخرت ندارند زیرا که باوجود اعتقاد درست بر آخرت مال فقراء را باید داد و ندادن حق فقراء علامت عدم ایمان است بآخرت و کفر نیز عدم اعتقاد است بآخرت و عدم عمل است بر اوامر خداوند و نواهی او : و چقدر آیات در وجوب زکوة و در عذاب ندادن آن وارد شده و در سابق ذکر شد .

« آیه صدویست و دوم »

نهی از غفلت از یاد خداوند و پیروی شیطان

ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین زخرف آیه ۳۵ .
یعنی هر که اعراض بکند از ذکر خداوند مقدر میکنیم برای او یک نفر شخص شیطان صفت را پس با او رفیق میشود و او را اغواء میکند : و ایضاً در این سوره فرموده و لا یصدنکم الشیطان انه لکم عدو مبین : یعنی باز ندارد شما را از اطاعت خداوند اشخاص مثل شیطان بدرستی که او با شما دشمن آشکار است : و در یس فرموده : ان لاتعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین . یعنی بر شیطان اطاعت نکنید که او دشمن شما است .

و در این آیات از اطاعت شیاطین و اشخاص مثل ایشان نهی کرده، و هر که از ذکر خداوند که قرآن است اعراض بکند پس او اطاعت شیطان خواهد نمود .

« آیه صدویست و سیم »

نهی از گوش ندادن به آیات الهی و تکبر نمودن

ویل لکل افاک اثم یسمع آیات الله تتلی علیه ثم یصر مستکبراً کان لهم یسمعونها فبشره بعذاب الیم . جائیه آیه ۷۶ .

یعنی ویل و جای بد است بر هر که کذاب و کناه کار باشد گناهایش اینست که آیات خداوند بر او تلاوت میشود و او در تکذیب خودش اصرار و استکبار میکند گویا که آیات خداوند را نمی شنود پس بشارت بدهی بر او بعذاب دردناک از

جهت کبر و اصرار او در عدم اطاعت خداوند و آیات او .
و در این آیه نهی فرموده از عدم سماع آیات خداوند .
« آیه صد و بیست و چهارم »

نهی از مقدم داشتن امر خود را بر امر خدا و رسول

لا تقد موا ین یدی الله و رسوله و اتقوا الله ان الله سمیع علیم حجرات
آیه اول .

یعنی مقدم نکنید امر خودتان را بر امر خداوند و رسول او در احکام شرعیه
و در تعیین خلیفه ، و تقوی بکنید در اینکه مبادا بر او امر خداوند و پیغمبرش مقدم
بشوید بدرستی که خداوند سخنان شما را میشنود و افعال شما را میداند .
« آیه صد و بیست و پنجم »

نهی از مسخره و استهزاء مردمان

و آنها را به لقب بد خواندن
لایسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیراً منهم و لانساء من نساء عسی ان یکن
خیراً منهن و لا تلمزوا انفسکم و لا تنازوا بالالقاب بئس لاسم الفسوق بعد الایمان
حجرات آیه ۱۱ .

یعنی مسخره نکنند قومی از قوم دیگر شاید آنها از مسخره کنندگان خوبتر
باشند و دیگر زنان نیز باهمدیگر استهزاء نکنند شاید آنها از استهزاء کننده ها خوبتر
شوند و بعضی از شما بعضی دیگر را بالقب بد ندانند و بد است که مسلمانان با
همدیگر نسبت فسق بدهند بعد از ایمان ایشان، و در این آیه از استهزاء کردن و لقب
بد گفتن و همدیگر را با القاب زشت ندا نمودن نهی فرموده .

« آیه صد و بیست و هشتم »

نهی از تکذیب آیات الهی و معصیت و نافرمانی

فویل یومئذ للمکذبین الذین هم فی خوض یلعبون طور آیه ۱۱ و ۱۲

یعنی پس ویل و جای بد خواهد بود در روز قیامت از برای تکذیب کنندگان آیات خداوند و آنها آنکسانند که در معاصی بازی میکنند و بر معصیت خداوند فرو میروند: و در این آیه نهی فرموده از تکذیب کردن آیات و احکام دین خداوند و از معصیت کاری و از فرورفتن بمعاصی

«آیه صد و بیست و هفتم»

نهی از تزکیه نفس بدون تقوا و پرهیزکاری

فلاتزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقى . نجم ذیل آیه ۳۳ .

یعنی تزکیه نفس نکنید و نفس خودتان را تعریف و تمجید ننمائید خداوند عالمتر است بر آنکسیکه تقوی بکند و اعمال خوب بجا بیاورد و تزکیه نفس فایده ندارد

«آیه صد و بیست و هشتم»

نهی از مس نمودن قرآن مجید بدون وضو و طهارت

لا یمسه الا المطهرون . واقعه آیه ۷۸

یعنی مس نکنند قرآن را مگر پاکان از احداث و اخبثات و مس کردن قرآن موقوف است بر طهارت و بدون طهارت مس آن جایز نیست .

«آیه صد و بیست و نهم»

نهی از تاسف بر فوت شده و خورسندی بر آینده

لکیلا تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتیکم . حدید آیه ۲۳

یعنی هیچ مصیبت در زمین واقع نمیشود مثل قحطی و موت مواشی، و در نفس شما مثل مرض و آفات مگر آنکه همه اینها مقدر و مکتوب است قبل از خلقت آنها چنانکه مضمون آیه سابق است تا آنکه مجزون نشوید بر آنچه از شما فوت شده و فرحناک نباشید بر آنچه بشما عطا شده .

و در این آیه نهی فرموده از مجزون شدن و مسرور بودن بر آنچه بر انسان واقع شده از اسباب مصیبت و نعمت: و تمام زهد در این آیه است زیرا که انسان

خالی از مصیبت و نعمت نخواهد شد و زمانیکه در این دو محزون و مسرور نشدزهد او تمام میشود.

«آیه صدوسی ام»

نهی از دشمنی با خدا و رسول ((ص))

ان الذین یحادون الله و رسوله کما کتبت الذین من قبلهم .
مجادله آیه ۶

یعنی بدوستیکه آنکسانیکه با خداوند و با پیغمبر او بنای ضدیت میگذارند و در مقابل او امر قرآن و نواهی آن از پیش رأی خودشان چیزی میآورند آن اشخاص منکوب و مخذول میشوند چنانکه جمعی قبل از آنها شدند: و در این آیه از ضدیت کردن با خداوند و پیغمبرش و در مقابل فرمایش ایشان چیزی گفتن در احکام دین اسلام نهی کرده.

«آیه صدوسی و یکم»

نهی از نجوای بر ظلم و معصیت خدا و رسول (ص)

اذا تناجیتم فلا تننا جو اباً لاثم و العدوان و معصیت الرسول و تناجوا بالبر و التقوی مجادله آیه ۱۰:

یعنی ای مؤمنین زمانیکه نجوی میکنید پس نجوای شما با همدیگر معصیت و ظلم کردن نباشد و در مخالفت حضرت پیغمبر نجوی نکنید و نجوای شما در کارهای خوب و در پرهیز کاری باشد نه در چیزهای دیگر از معاصی و ظلم و مخالفت احکام آنحضرت: و بعد از این فرموده. انما النجوی من الشیطان: یعنی نجوی در معاصی و در مخالفت احکام دین از شیطان است.

«آیه صدوسی و هفتم»

نهی از دوستی با مغضوبین خداوند متعال

یا ایها الذین آمنوا لاتتولوا قوماً غضب الله علیهم قدیسوا من الاخرة کما ینس الکفار من اصحاب القبور: ممتحنه آیه ۱۳.

یعنی ای مؤمنین دوست ندارید شما آن قوم را که خداوند غضب کرده بر آنها و صفت آن قوم اینست که از آخرت و روز قیامت مأیوس شده اند و اعتقاد بآخرت ندارند چنانکه جماعت کفار از مردگان مأیوس شدند: و در این آیه نهی فرموده از دوست داشتن غضب شدگان خداوند، و آنها را بیان کرده که بر آخرت اعتقاد ندارند و کفار را نیز معین کرده که از مردگان مأیوس شده اند و اعتقاد بر حشر و نشر آنها ندارند

«آیه صدوسی و سیم»

نهی از گفتار بدون عمل

یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تعملون؟ کبر مقتاً عند الله ان تقولوا مالا

تعملون . ص ۲ و ۳

یعنی ای مؤمنین چرا شما اعمال و افعال خوب را میگوئید و خودتان بر آنها عمل نمیکنید؟! و در این آیه نهی کرده از قول بدون عمل.

«آیه صدوسی و چهارم»

نهی از دوستی اموال و اولادیکه انسان را

از یاد حق باز دارد

یا ایها الذین آمنوا لا تلهمکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکر الله و من یفعل

ذلك فاولئك هم الخاسرون . مناقین آیه ۹

یعنی ای آنکسانیکه ایمان دارید شما را مشغول نکنند اموال و اولاد شما از ذکر و یاد آوری خداوند و از عبادت او و هر که مشغول شود بر تدبیر و جمع آوری آنها و بسبب آنها از ذکر خداوند باز بماند پس آنکسان از زیانکاران خواهند شد؛ و در تغابن: انما اموالکم و اولادکم فتنة . یعنی اموال و اولاد شما محل امتحان است برای شما تا آنکه معلوم شود که کدام یکی از شما دین خداوند را بر آنها مقدم میکنید .

«آیه صدوسی و پنجم»

نهی از اطاعت عیب جو و سخن چین و بدخلق

و لا تطع کل حلاف مهین . هماز مشاء بنمیم . مناع للخیر معتد ائیم :

عتل بعد ذلک ز نیم : سوره قلم آیه ۱۰ تا ۱۳

یعنی اطاعت نکن بر هر کسیکه بسیار قسم یاد بکند و کسیکه عیب جو و طعن زننده بمردمان باشد و کسیکه سخن چین شود و کسیکه مانع شود از اعمال و افعال خیر و خوب و کسیکه از حدّ خودش تجاوز نماید و کسیکه معصیت کار باشد و کسیکه غلیظ و بد خوی و زشت اخلاق شود و کسیکه بدون اصل و بی نسب است : و در این آیه نهی کرده از مطیع بودن بر این اشخاص و از اطاعت این نحو مردمان .

«آیه صدوسی و هفتم»

گردنگشان محل و ماوایشان در دوزخ است

فامامن طفی و آثار الحیوة الدنیا فان الجحیم هی الماوی و امامن خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی الماوی : نازعات آیه ۳۷ تا ۴۰
یعنی کسیکه طغانی و از اهل طغیان و عدوان بمردمان باشد و دنیا را ترجیح بدهد بر آخرت پس بدرستی که دوزخ محل و ماوای او است و اما کسیکه خوف بکند از روز قیامت و از جزای آخرت و منع بکند نفس خود را از تابع شدن بر هوی و رأی خودش در احکام دین خداوند پس بدرستی که بهشت جای او است .

«آیه صدوسی و هفتم»

نهی از کم دادن در فروش و زیاده برداشتن در خرید

ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون و اذا کالوهم

اووزنوهم یخسرون . مطففین آیه ۱ تا ۳

یعنی ویل باد بر آنکسانی که کم و ناقص میکنند در وزن کردن و کیل نمودن

و آنها آنکسانند که وقتیکه از برای خودشان کیل و وزن میکنند استیفاء مینمایند

و اما زمانی که به مردمان چیزی میفروشد کم و ناقص کیل و وزن میکنند : و در این آیه نهی فرموده از کم کردن کیل و وزن در وقت فروختن و زیاد تر نمودن در آنها در زمان خریدن از دیگران .

«آیه صدوسی و هشتم»

حرمت فتنه نمودن در بین مؤمنین و مومنات

ان الذین فنوا المؤمنین و المؤمنات ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحریق . بروج آیه ۱۰

یعنی بدرستی که آن کسانی که بر فتنه واقع میکنند مؤمنین و مومنات را و بعد از آن توبه و تدارک نمیکنند آن فتنه را پس از برای آنها عذاب دوزخ و عذاب سوزانیدن قلب است علاوه بر عذاب دوزخ یعنی علاوه بر عذاب دوزخ که انواع و اقسام است يك عذاب دیگر بر آنهاست که قلب آنها را میسوزد و از عذاب دوزخ زیادتر میشود زیرا که فتنه انداختن در میان مؤمنین از قتل ایشان بالاتر و زیادتر است : چنانکه در سوره بقره است . و الفتنه اشد من القتل . و ایضاً در آن سوره : و الفتنه اکبر من القتل «آیه صدوسی و نهم»

نهی از ظلم بر ایتام و زجر بر سائل و امر

بإظهار نعمت های خدا

فاما الیتیم فلا تقهر : و اما السائل فلا تنهر : و اما بنعمة ربك فحدث . سوره ضحی آیه ۹ تا ۱۱ .

یعنی پس بدرستی که بر ایتام ظلم و بد خلقی نکن و بر سائل بکف زجر و بد خوئی نکن ، و نعمت خداوند را اظهار و آشکار بکن ، و نعمت را مخفی و مستور مکن : و در این آیه نهی فرموده از ظلم کردن ایتام و از طرد و زجر نمودن سائل ، و امر فرموده بر اظهار نعمت خداوند هر چه باشد از اموال و عزت و غیر از اینها .

«آیه صد و چهل»

نهی از عیب جوئی و تکبر و جمع مال بدون ادای حقوق

و یل لکل همزة لمزة : الذی جمع مالا وعدده : یحسب ان ماله اخلده سوره همزه

آیه ۱ تا ۳

یعنی ویل و جای بد است از برای هر که بمردمان عیب جوئی و تحقیر میکنند و برای آنکه متکبر است و غضبناک میشود زمانیکه يك فقير و سائل را می بیند و آنها آنکسانند که جمع میکنند اموال را و می شمارند آنها را و خیال میکنند که آن اموال از برای آنها همیشه خواهد بود: و در این آیه وعده ویل را بر عیب جویان و متکبران و جمع کنندگان اموال برای خودشان بدون ادای حقوق اموال داده است.

«آیه صد و چهل و یکم»

نهی از سهل انگاری و بی مبالاتی در نماز

فویل للمصلين الذين هم عن صلواتهم ساهون الذين هم يراون و يهملون الماعون . ماعون آیه ۴ تا ۷

یعنی ویل باد بر نماز گذاران که از نماز خودشان غافلند و مبالات نمیکنند و اعتناء بر نماز نمی گذارند و وقت آن را ضایع میکنند و آنها آنکسانند که ریا میکنند در عبادات خودشان و منع مینمایند مایحتاج مردمان را از خانه خودشان و یا منع می کنند زکوة و خمس را از اهل آنها: و در این آیه نهی فرموده از ضایع کردن نماز و از ریا کردن در عبادات و از منع نمودن ماعون که اسباب و لوازمات خانه است و یا زکوة و خمس و قرض است: چنانکه در احادیث وارد شده .

و این آیات نواهی قرآن بود که ذکر شد و بعض آیات اوامر در ضمن آیات نواهی ذکر شد بمناسبت اول آیه که در نهی بود و بعض آیات را مکرر نقل کردم از جهت اهتمام و بعض آیات که در نصف آخر قرآن بود و در نهی بوده است ذکر نکردم از جهت ذکر آن آیه در آیات سابقه و یا ذکر مضمون آن آیه در آیات گذشته ها چنانکه در آیات اوامر نیز این نحو ذکر کردم: و چونکه این آیات مذکور از محکّمات قرآن بود و ترجمه اینها بطریق یقین است لهذا موسوم گردید این کتاب شریف به (کتاب ايقان در اوامر و نواهی قرآن) و تمام شد در ساعت آخر از روز آخر از دهه آخر از ماه ششم از سال پنجم از دهه پنجم از صد چهارم از هزار دویم از هجرت رسول الله صلی الله علیه و اله در دست احقر فانی حسین بن نصر الله بن صادق الموسوی الارومی عرب باغی عفی الله تعالی عنهم و عن جمیع المؤمنین و الحمد لله کما هو اهله و مستحقه